

احادیث امام سجاد علیه السلام (437) حدیث

الإمام زين العابدين عليه السلام: قال لقمانُ عليه السلام لابنِهِ : يا بُنَيَّ ... أنفَعُ الغِنَى غِنَى القلبِ ، فَتَلَبَّثْ في كُلِّ ذلِكَ ، وَالزَّمِ القَنَاعَةَ وَالرِّضَا بما قَسَمَ اللهُ .

امام زين العابدين عليه السلام: لقمان به پسرش گفت: «ای پسر! ... مفیدترین ثروت، بی نیازی دل است. بنا بر این، در همه این موارد، درنگ کن و قناعت پیشه کن و به آنچه خداوند قسمت کرده، خشنود باش.»

الإمام زين العابدين عليه السلام: قال لقمانُ لابنِهِ : يا بُنَيَّ ، إِنَّ أَشَدَّ العُدمِ عُدْمُ القلبِ ، وَإِنَّ أعْظَمَ المَصائبِ مُصيبةُ الدينِ ، وَأَسْنَى المَرْزئةِ مَرْزئَتُهُ .

امام زين العابدين عليه السلام: لقمان به پسرش گفت: «ای پسر! بدترین ناداری، نداشتن دل است و بزرگ ترین مصیبت ، بدهکاری است و بالاترین محرومیت و بلا هم ، همان بدهکاری است.»

الإمام زين العابدين عليه السلام: قال لقمانُ: يا بُنَيَّ ... إِنَّ السَّارِقَ إذا سَرَقَ حَبَسَهُ اللهُ مِنْ رِزْقِهِ وكانَ عَلَيْهِ إِثمُهُ ، ولو صَبَرَ لَنالَ ذلِكَ وجاءَهُ مِنْ وَجْهِهِ .

امام زين العابدين عليه السلام: لقمان گفت: «ای پسر! ... همانا دزد ، هر گاه دزدی کند ، خداوند عَزَّ و جَلَّ روزی اش را نگه می دارد و گناه آن، به پای خودش است. حال آن که اگر صبر می کرد ، از راه خودش به آن روزی دست می یافت.»

الإمام زين العابدين عليه السلام: قال لقمانُ لابنِهِ : يا بُنَيَّ ، إِنَّ أَشَدَّ العُدمِ عُدْمُ القلبِ ، وَإِنَّ أعْظَمَ المَصائبِ مُصيبةُ الدينِ ، وَأَسْنَى المَرْزئةِ مَرْزئَتُهُ ، وَأَنْفَعُ الغِنَى غِنَى القلبِ ، فَتَلَبَّثْ في كُلِّ ذلِكَ ، وَالزَّمِ القَنَاعَةَ وَالرِّضَا بما قَسَمَ اللهُ ، وَإِنَّ السَّارِقَ إذا سَرَقَ حَبَسَهُ اللهُ مِنْ رِزْقِهِ ، وكانَ عَلَيْهِ إِثمُهُ ، ولو صَبَرَ لَنالَ ذلِكَ وجاءَهُ مِنْ وَجْهِهِ .

يا بُنَيَّ ، أخلص طاعة الله حتى لا يُخالطها شيءٌ مِنَ المعاصي ، ثُمَّ زَيْنِ الطَّاعَةَ بِاتِّباعِ أَهلِ الحَقِّ ؛ فَإِنَّ طاعتَهُم مُتَّصِلَةٌ بِطاعةِ اللهِ ، وَزَيْنِ ذلِكَ بِالْعِلْمِ ، وَحَصْنِ عِلْمِكَ بِحِلْمٍ لا يُخالطُهُ حُمقٌ ، وَاخْزَنَهُ بِلينٍ لا يُخالطُهُ جَهْلٌ ، وَشَدَدَهُ بِحِزمٍ لا يُخالطُهُ الضَّياعُ ، وَامزِجْ حَزْمَكَ بِرِفقٍ لا يُخالطُهُ العُنفُ .

امام زین العابدین علیه السلام - در بیان سفارش های لقمان علیه السلام به پسرش - : ای پسر ! سخت ترین نداری ، نداشتن دل است و بزرگ ترین مصیبت ، بدهکاری است و بالاترین محرومیت و بلا ، همان بدهکاری است و سودمندترین ثروت ، بی نیازی دل است . پس در همه اینها درنگ کن و به آنچه خدا قسمت فرموده ، قانع و خشنود باش . هر گاه دزد بدزد ، خداوند عز و جل او را از روزی اش باز می دارد و گناه آن ، بر عهده اوست . حال اگر شکیبایی می ورزید ، از راه خودش به آن روزی دست می یافت .

ای پسر ! طاعت (عبادت) الهی را خالصانه انجام بده ، به طوری که گناه کوچکی هم با آن مخلوط نشود . سپس با پیروی از دارندگان ایمان حقیقی ، طاعت خود را زینت ببخش ؛ زیرا طاعت آنان ، به طاعت الهی پیوسته است . و همین طاعت را با دانش ، آراسته کن . و دانشت را با بردباری حراست کن ، تا حماقت با آن درنیامیزد . و بردباری ات را با نرم خویی ذخیره کن ، تا با نادانی همراه نگردد . و نرم خویی ات را با تدبیر استوار کن ، تا نابودی در آن راه نیابد . و تدبیرت را با مدارا درآمیز ، تا زوری در آن نباشد .

امام سجّاد علیه السلام : **حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ ، التَّعْظِيمُ لَهُ وَ التَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَ حُسْنُ الإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ ؛**

امام سجّاد علیه السلام: حق استاد تو این است که بزرگش داری و محضرش را محترم شماری و با دقت به سخنانش گوش بسپاری.

امام سجّاد علیه السلام : **وَاعْنِي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ بَرِّهِمْ ؛**

امام سجّاد علیه السلام: خدایا ! مرا در تربیت و نیکی به فرزندان یاری فرما.

امام سجّاد علیه السلام : **لَا حَسَبَ لِقُرَشِيٍّ وَ لَا عَرَبِيٍّ إِلَّا بِتَّقْوَى ؛**

امام سجّاد علیه السلام: قریشی و عرب را افتخاری نیست مگر به فروتنی ، و هیچ کرامتی نیست مگر به تقوا.

امام سجّاد علیه السلام : **أَنَا ابْنُ مَنْ بَكَتَ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ أَنَا ابْنُ مَنْ نَاحَتْ عَلَيْهِ الْجِنُّ فِي الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ ؛**

امام سجّاد علیه السلام: من پسر کسی هستم که فرشتگان آسمان بر او گریستند . من پسر کسی هستم که جنیان در زمین و پرندگان در هوا بر او نوحه سرایی کردند.

امام سجّاد علیه السلام : **أَلَا وَ إِنَّ أْبْعَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يَقْتَدِي بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَ لَا يَقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ ؛**

امام سجّاد علیه السلام: هشدار که منفورترین مردم نزد خداوند کسی است که سیره امامی را برگزیند ولی از کارهای او پیروی نکند.

امام سجّاد علیه السلام : كَفُّ الْأَذَى ، مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ وَفِيهِ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ عَاجِلًا وَ آجِلًا ؛

امام سجّاد علیه السلام: خودداری از آزار رساندن ، نشانه کمال خرد و مایه آسایش دو گیتی است.

امام سجّاد علیه السلام : إِنَّهَا [الصَّدَقَةُ] تَقَعُ فِي يَدِ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِي يَدِ السَّائِلِ ؛

امام سجّاد علیه السلام: صدقه ، قبل از این که به دست نیازمند برسد ، در دست خداوند قرار می گیرد.

امام سجّاد علیه السلام : إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةَ مُوَدَّعٍ ؛

امام سجّاد علیه السلام: هرگاه نماز می گزاری ، [چنان باش که گویی] نماز آخرین را به جای می آوری.

امام سجّاد علیه السلام : الْمُؤْمِنُ يَصْمُتُ لِيَسْلَمَ وَ يَنْطِقُ لِيَغْنَمَ ؛

امام سجّاد علیه السلام: مؤمن سکوت می کند تا سالم ماند و سخن می گوید تا سود برد.

امام سجّاد علیه السلام : خَفِيَ اللَّهُ لِقُدْرَتِهِ عَلَيْكَ وَاسْتَحَى مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ ؛

امام سجّاد علیه السلام: از قدرت خداوند بر خویش بترس و از نزدیکی اش به خود شرمگین باش!

امام سجّاد علیه السلام : قَدِّمُوا أَمْرَ اللَّهِ وَ طَاعَتَهُ وَ طَاعَةَ مَنْ أَوْجَبَ اللَّهُ طَاعَتَهُ بَيْنَ يَدَيْ الْأُمُورِ ؛

امام سجّاد علیه السلام: فرمان خدا و طاعت او و طاعت کسی را که طاعتش را واجب کرده است ، بر همه چیز مقدم بدارید.

امام سجّاد علیه السلام : الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ : إِمَّا أَنْ يُدَّخَرَ لَهُ وَ إِمَّا أَنْ يُعَجَّلَ لَهُ وَ إِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ ؛

امام سجّاد علیه السلام: مؤمن از دعای خود یکی از سه نتیجه را می گیرد : یا برایش ذخیره می شود ، یا در دنیا برآورده می شود و یا بلایی که می خواست به او برسد از او برگردانده می شود.

امام سجّاد علیه السلام : إِنِّي لِأُحِبُّ أَنْ أَدُومَ عَلَى الْعَمَلِ وَ إِنْ قَلَّ ؛

امام سجّاد علیه السلام: من دوست دارم که در کار پیوسته باشم ، اگر چه اندک باشد.

امام سجّاد علیه السلام : كَانَ إِذَا أُوِيَ إِلَى مَنْزِلِهِ جَزَاءً دُخُولَهُ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ : جُزْءًا لِلَّهِ وَ جُزْءًا لِأَهْلِهِ وَ جُزْءًا لِنَفْسِهِ ؛

امام سجّاد علیه السلام: پیامبر وقتی به خانه خویش می رفت ، اوقاتش را سه قسمت می کرد : بخشی برای خدا ، بخشی برای خانواده و بخشی برای خود.

امام سجّاد علیه السلام : إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَ أَزْهَدَهُمْ وَ أَفْضَلَهُمْ ؛

امام سجّاد علیه السلام: امام حسن در زمان خود عابدترین ، زاهدترین و برترین مردم بود

امام سجّاد علیه السلام : وَ أَمَّا حَقُّ أُمِّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطِي أَحَدٌ أَحَدًا ؛

امام سجّاد علیه السلام: حقّ مادرت بر تو این است که بدانی او تو را در جایی حمل کرده است که هیچ کس دیگری را حمل نمی کند و از میوه دلش آن به تو داد که هیچ کس به دیگری نمی دهد.

امام سجّاد علیه السلام إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَسَدٍ ضَرَبَهَا الطَّلُقُ وَ هِيَ فِي الطَّوَافِ فَدَخَلَتِ الْكَعْبَةَ فَوَلَدَتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِيهَا ؛

امام سجّاد علیه السلام فاطمه ، دختر اسد ، در حال طواف بود که درد زایمان او را فرا گرفت ؛ پس وارد کعبه شد و امیرمؤمنان را در کعبه بزاد.

امام سجّاد علیه السلام : إِنَّ عَمَّتِي زَيْنَبَ مَعَ تِلْكَ الْمَصَائِبِ وَ الْمِحَنِ النَّازِلَةِ بِهَا فِي طَرِيقِنَا إِلَى الشَّامِ مَا تَرَكَتْ [تَهَجُّدَهَا] لِلَّيْلَةِ ؛

امام سجّاد علیه السلام: عمّه ام ، زینب ، با وجود همه مصیبت ها و رنج هایی که در مسیرمان به سوی شام به او روی آورد ، حتّی يك شب اقامه نماز شب را فرو نگذاشت.

امام سجّاد علیه السلام : أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ ، فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ ؛

امام سجّاد علیه السلام : [ای زینب !] تو ، بحمدالله ، عالمی هستی که نزد کسی تعلیم ندیدی و دانایی هستی که نزد کسی نیاموختی.

امام سجّاد علیه السلام : إِنَّهَا مَا ادَّخَرَتْ شَيْئًا مِنْ يَوْمِهَا لِغَدِهَا أَبَدًا ؛

امام سجاد علیه السلام: او هیچ گاه چیزی از امروز برای فردای خود نیندوخت.

امام سجاد علیه السلام: رَحِمَ اللهُ الْعَبَّاسَ فَلَقْدَ آثَرَ وَأَبْلَى وَ قَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ ؛

امام سجاد علیه السلام: رحمت خدا بر عباس! ایثار کرد و کوشید و جان فدای برادرش کرد.

امام سجاد علیه السلام: أَنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنزِلَةً يَغْبِطُهَا بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ؛

امام سجاد علیه السلام: عباس را نزد خداوند منزلتی است که در روز قیامت همه شهیدان بر آن رشک می برند.

امام سجاد علیه السلام: مَنْ رَمَى النَّاسَ بِمَا فِيهِمْ رَمَوْهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ ؛

امام سجاد علیه السلام: هر کس مردم را به دلیل چیزی که در آنان هست ، وانهد ، او را به دلیل چیزی که در او نیست ، وا می نهد.

امام سجاد علیه السلام: نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمَوَدَّةِ وَالْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ ؛

امام سجاد علیه السلام: نگاه مؤمن به چهره برادر مؤمن خود از روی دوستی ومحبت به او عبادت است.

امام سجاد علیه السلام: كَانَ آخِرُ مَا أَوْصَى بِهِ الْخَضِرُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَانِ قَالَ لَا تُعَيِّرَنَّ أَحَدًا بِذَنْبٍ ؛

امام سجاد علیه السلام: آخرین سفارش حضرت خضر به حضرت موسی این بود که : هرگز کسی را به سبب گناهش خوار نکن.

امام سجاد علیه السلام: كَفَى بِنَصْرِ اللَّهِ لَكَ أَنْ تَرَى عَدُوَّكَ يَعْمَلُ بِمَعَاصِي اللَّهِ فِيكَ ؛

امام سجاد علیه السلام: تو را یاری خدا همین بس که می بینی دشمنت به قصد تو خدا را نافرمانی می کند.

امام سجاد علیه السلام: رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ ؛

امام سجاد علیه السلام: همه خوبی ها را در بریدن طمع از آنچه در دست مردم است ، دیدم.

امام سجاد علیه السلام: وَيْلٌ لِمَنْ غَلَبَتْ آحَادُهُ أَعْشَارَهُ ؛

امام سجّاد علیه السلام: وای به حال کسی که یکانش (گناهان) بر ده گانش (نیکی ها) چیره شود.

امام سجّاد علیه السلام: مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ ؛

امام سجّاد علیه السلام: همنشینی با صالحان ، به سوی صلاح رهنمون می شود.

امام سجّاد علیه السلام: أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرَهُ وَ تَذْكُرَ مَعْرُوفَهُ وَ تُكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ ؛

امام سجّاد علیه السلام: حق کسی که بر تو نیکی می کند ، این است که او را سپاس بگویی و نیکی اش را به زبان آوری و از وی به خوبی یاد کنی و میان خود و خداوند برایش خالصانه دعا کنی.

امام سجّاد علیه السلام: الْمُنتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ ؛

امام سجّاد علیه السلام: منتظران ظهور امام مهدی علیه السلام برترین اهل هر زمان اند.

امام سجّاد علیه السلام: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ ؛

امام سجّاد علیه السلام: آن گاه که قائم ما قیام کند ، خدا آفت را از شیعیان ما بزداید و دل هایشان را چون پاره های آهن [استوار] سازد.

امام سجّاد علیه السلام: إِنَّ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَمْ يُرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْوَالِهِ إِلَّا ذَاكِرًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ ؛

امام سجّاد علیه السلام: امام حسن علیه السلام در همه حال خدای سبحان را یاد می کرد.

امام سجّاد علیه السلام: يَا رَاحِمَ رَنَّةِ الْعَلِيلِ وَ يَا عَالِمَ مَا تَحْتَ خَفِيِّ الْأَيْنِ ، اجْعَلْنِي مِنَ السَّالِمِينَ فِي حِصْنِكَ الَّذِي لَا تَرُومُهُ الْأَعْدَاءُ ؛

امام سجّاد علیه السلام: ای آن که بر ناله دردمند رحمت می آوری ، و ای آن که به آنچه در دل زاری کننده نهفته است دانایی ، مرا از کسانی قرار ده که در پناه تو ایمن اند و دشمنان را به آن جان پناه دسترسی نیست.

امام سجّاد علیه السلام: حَقُّ الْحَجِّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وَفَادَةٌ إِلَى رَبِّكَ وَ فِرَارٌ إِلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِكَ وَ بِهِ قَبُولُ تَوْبَتِكَ وَ قَضَاءُ الْفَرَضِ الَّذِي أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ ؛

امام سجاد علیه السلام: **حَقَّ حَجٌّ [بِرِ تَوْ] أَنْ اسْتَكْتَفَى بِدَانِي حَجًّا، بِه مِيهْمَانِي پَروردگارت رفتن است . و از گناهان به سوی او گریختن، و سبب قبولی توبه، و گزاردن فریضه ای که خداوند آن را بر تو واجب کرده است.**

• امام سجاد علیه السلام : **حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ وَتَتَّسِعَ أَرْزَاقُكُمْ ؛**

• امام سجاد علیه السلام: **حَجٌّ وَ عَمْرَه بَه جَای آرید تا بدنتان سالم و روزیتان فراخ شود.**

• امام سجاد علیه السلام : **إِذَا ذَبَحَ الْحَاجُّ كَانَ فِدَاهُ مِنَ النَّارِ ؛**

• امام سجاد علیه السلام: **قربانی کردن حاجی ، فدیة او در برابر آتش خواهد بود.**

• امام سجاد علیه السلام : **إِنَّ أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ ؛**

• امام سجاد علیه السلام: **خداوند از آن کس خشنودتر است که خانواده خود را بیشتر در رفاه و نعمت قرار دهد.**

• امام سجاد علیه السلام : **وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا ، فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكْرِمُهَا وَتُرْفِقُ بِهَا ؛**

• امام سجاد علیه السلام: **حَقٌّ زَنَ اَیْنِ اسْتَكْتَفَى بِدَانِي خدَاوند او را مایه آرامش و انس تو قرار داده است و بدانی این نعمتی است که خداوند به تو داده ؛ پس باید او را گرامی داری و با وی نرمی کنی.**

• امام سجاد علیه السلام : **لَأَنَّ أَدْخَلَ السُّوقَ وَ مَعِيَ دِرْهَمٌ أَبْتَاغُ بِهِ لَحْمًا لِعِيَالِي وَ قَدْ قَرِمُوا إِلَيْهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسَمَةً ؛**

• امام سجاد علیه السلام: **چنان چه وارد بازار شوم و درهمی داشته باشم و با آن برای خانواده ام گوشتی بخرم که بدان رغبت کرده اند ، برای من محبوب تر است از این که بنده ای را آزاد کنم.**

31 • امام سجاد علیه السلام : **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ وَ يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ؛**

• **خداوند هر قلب محزون و هر بنده شکرگزار را دوست دارد.**

3 • امام سجاد علیه السلام : **إِلَهِي ... فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ وَ لَا تَسْكُنُ النُّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ؛**

• **خداوند، دل ها جز با یاد تو آرام نمی گیرد و جان ها جز با دیدن تو، به آرامش نمی رسد .**

12+ امام سجاد عليه السلام : وَ أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَ أَنْسَأْتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكْرِمُهَا وَ تَرْفُقُ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ أَوْجِبَ فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا؛

حق زن این است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه آرامش و انس تو قرار داده و این نعمتی از جانب اوست، پس احترامش کن و با او مدارا نما، هر چند حق تو بر او واجب تراست اما این حق اوست که با او مهربان باشی • .

10+ امام سجاد عليه السلام : أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرَهُ وَتَذْكُرَ مَعْرُوفَهُ، وَ تُكْسِبُهَا الْمَقَالََةَ الْحَسَنَةَ وَتُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ، ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَاتِهِ يَوْمًا كَافَيْتَهُ؛

حق کسی که به تو نیکی کرده ، این است که از او تشکر کنی و نیکیش را به زبان آوری و از وی به خوبی یاد کنی و میان خود و خدای عزوجل برایش خالصانه دعا کنی ، هرگاه چنین کردی بی گمان پنهانی و آشکارا از او تشکر کرده ای . سپس اگر روزی توانستی نیکی او را جبران کنی ، جبران کن • .

37+ امام سجاد عليه السلام : اَللّٰهُمَّ... وَ اَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ وَ هَبْ لِمَعَالَى الْاَخْلَاقِ وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ؛

خدایا به دست من برای مردم خیر و نیکی جاری ساز و آن را با منت گذاری من تباه مکن، و مرا اخلاق والا عطا فرما و از فخر فروشی نگاه دار • .

16+ امام سجاد عليه السلام : اَلذُّنُوبُ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ: اَللُّبْغِيُّ عَلَى النَّاسِ وَ الزَّوَالُ عَنِ الْعَادَةِ فِالْخَيْرِ وَ اِصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ وَ كُفْرَانِ النِّعَمِ وَ تَرْكِ الشُّكْرِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»؛

گناهانی که باعث تغییر نعمت ها می شوند، عبارت اند از: تجاوز به مردم، ترك نمودن عادت های کار خیر و خوب و كفران نعمت و ترك شكر، زیرا خداوند عزوجل می فرماید: «خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی دهد، مگر این که خودشان تغییر روش دهند...» • .

30+ امام سجاد عليه السلام : اَللّٰهُمَّ... فَالشَّقِيُّ مَنْ لَمْ تَأْخُذْ بِيَدِهِ وَ لَمْ تُؤْمِنْهُ مِنْ عَدِهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ آوَيْتَهُ إِلَى كَنَفِ نِعْمَتِكَ وَ نَقَلْتَهُ حَمِيدًا إِلَى مَنَازِلِ رَحْمَتِكَ؛

پروردگارا بدبخت کسی است که دستش را نگیری و از فردایش ایمنی ندهی و خوشبخت کسی است که در پناه نعمت جایش دهی و با ستایش، او را به جایگاه های رحمت منتقل کنی. ❁

31+ امام سجّاد علیه السلام : اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ وَ بِمَا صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بَلَائِكَ . فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَلَتْ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ فَأَكُونَ قَدْ شَقِيْتُ بِمَا أَحَبَبْتُ وَ سَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ ... ؛

بار خدایا! سپاس تو را بر آن حسن تقدیری که بهره من گردانیدی و آن بلا که از من دور ساختی، پس بهره مرا از رحمت تنها عافیتی که اکنون بخشیده ای قرار مده، که در نتیجه به خاطر آنچه دوست دارم (اما به صلاح من نیست) بدبخت شوم و دیگران به خاطر آنچه دوست نمی دارم (اما صلاح من در آن است) خوشبخت گردند. ❁

16+ امام سجّاد علیه السلام : اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرْعَبُ فِي الْجَزَاءِ وَ يَا مَنْ لَا يَنْدَمُ عَلَى الْعَطَاءِ، وَ يَا مَنْ لَا يُكَافِي عِبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ، مِنْتُكَ اِبْتِدَاءً، وَ عَفْوُكَ تَفْضُلٌ، وَ عُقُوبَتُكَ عَدْلٌ، وَ قَضَاؤُكَ خَيْرَةٌ، اِنْ اَعْطَيْتَ لَمْ تَشِبْ عَطَاءَكَ بِمَنْ، وَ اِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنَعَكَ تَعَدِّيًا، تَشْكُرُ مَنْشَكَرَكَ وَ اَنْتَ اَلْهَمَّتَهُ شُكْرَكَ ؛

خدایا! ای کسی که در برابر احسانت توقع جبران نداری، و ای کسی که از بخشش پشیمان نمی شوی و ای کسی که مزد بنده خود را نه به همان اندازه [بلکه بیشتر] می دهی، تو در نعمت بخشیدن آغاز کننده ای و بخشایش از روی لطف است. مجازات عدالت است و قضاوت بهترین است. اگر عطا کنی، آن را به منت آوده نمی کنی و اگر محروم نمایی، از روی ستم نیست. هرکس تو را شکر گزارد، پادشش می دهی و حال آنکه شکر گزاری را تو خود به او الهام نموده ای. ❁

19+ امام سجّاد علیه السلام : اَللّٰهُ ... يَنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِ بِمَا هُوَ عَادِلٌ بِحُكْمِهِ ؛

خداوند به خاطر قضاوت عادلانه اش، از ظالم انتقام می گیرد. ❁

10+ امام سجّاد علیه السلام : اتَّقُوا الْكَذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ، فِي كُلِّ جِدٍّ وَ هَزَلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ؛

از دروغ کوچک و بزرگش، جدی و شوخیش پرهیزید، زیرا انسان هرگاه در چیز کوچک دروغ بگوید، به گفتن دروغ بزرگ نیز جرئت پیدا می کند. ❁

21+ امام سجّاد علیه السلام : خَيْرُ مَفَاتِيحِ الْأُمُورِ الصِّدْقُ وَ خَيْرُ خَوَاتِيمِهَا الْوَفَاءُ؛

بهترین شروع کارها صداقت و راستگویی و بهترین پایان آنها وفا است .

3 امام سجاد علیه السلام : اَوْحَى اللَّهُ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا دَاوُودُ اذْكُرْنِي فِي أَيَّامِ سَرَائِكَ كَمَا اسْتَجِيبَ فِي أَيَّامِ ضَرَائِكَ ؛

خداوند تبارک و تعالی به داوود علیه السلام وحی فرمود : ای داوود! در روزهای خوشی ات مرایاد کن ، تا در روزهای رنج و ناخوشی ات ، تو را پاسخ گویم .

13 امام سجاد علیه السلام : وَ الدُّنُوبُ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ : سَوْءُ النِّيَّةِ وَ خُبْتُ السَّرِيرَةَ وَ النَّفَاقَ مَعَالَا خَوَانٍ وَ تَرَكَ التَّصَدِيقَ بِالْإِجَابَةِ وَ تَأخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ حَتَّى تَذْهَبَ أَوْقَاتُهَا وَ تَرَكَ النَّقْرَبَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْبُرِّ وَ الصَّدَقَةِ وَ اسْتِعْمَالُ الْبِدَاعِ وَ الْفُحْشِ فِي الْقَوْلِ ؛

گناهانی که دعا را رد می کنند ، عبارت اند از : بدی نیت ، بد ذاتی ، دورویی با برادران ، باور نداشتن اجابت [دعا] ، به تأخیر انداختن نمازهای واجب تا هنگامی که وقتشان بگذرد ، و تقرب نجستن به خداوند عزوجل با نیکی کردن و صدقه دادن ، و بدزبانی ، و ناسزا گفتن .

20 امام سجاد علیه السلام : اَللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسَائِلِكَ خِلَالَ ثَلَاثٍ وَ تَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ وَ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَاسْرَعْتُ إِلَيْهِ وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا وَ يَحْدُونِي عَلَى مَسَائِلِكَ تَفَضُّلُكَ عَلَى مَنْ أَقْبَلَبُوجْهِهِ إِلَيْكَ ، وَ وَفَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ ، إِذْ جَمِيعُ إِحْسَانِكَ تَفَضُّلٌ وَ إِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ ؛

بار خدایا! سه چیز باعث می شود که من از تو درخواست نکنم و تنها یک چیز مرا بر آن می دارد . آنچه مرا باز می دارد ، یکی آن است که تو مرا فرمان دادی و من در انجام آن سستی کردم ، دیگر آن که مرا از کاری نهی فرمودی ، اما من به انجام دادن آن شتافتم ، سوم آن که مرانعمت ارزانی داشتی ، ولی من در شکرگزاری آن ، کوتاهی کردم . اما آنچه مرا به درخواست کردن از تو می کشاند ، تفضل تو بر کسی است که به درگاهت روی کند و با خوش گمانی به سوی تو آید ، که همه احسان هایت ، تفضل است و همه نعمت هایت ، نخستین است .

7 امام سجاد علیه السلام : اَللَّهُمَّ... وَصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ وَ لَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْأِقْتَارِ فَاسْتَرْزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ وَ اسْتَعْطَى شِرَارَ خَلْقِكَ ، فَأَفْتَتَنَ بِحَمْدٍ مِّنْ أَعْطَانِي وَ أُبْتَلَى بِدَمِّ مَن مَّنَعَنِي أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَ لِيُ الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنْعِ ؛

خدایا... با توانگری آبرویم را نگهدار و به تنگدستی حرمتم را از بین مبر که بر اثر آن از کسانی روزی بخواهم که روزی خوار تو هستند و از بندگان پست و بدکردار تو عطا

و بخشش طلبم و در نتیجه، به ستایش آن که به من بخشیده و نکوهش آن که از من دریغ کرده است، گرفتار شوم. حال آن که بخشیدن و نبخشیدن در حقیقت به دست توست. ❁

38+ امام سجاد علیه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اكْفِنِي مَوْنَةَ الْإِكْتِسَابِ وَ ارْزُقْنِي مِنْغَيْرِ إِحْتِسَابٍ فَلَا أَشْتَغِلَ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ وَ لَا أَحْتَمِلَ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ؛

خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا از کسب روزی همراه با رنج، بی نیاز گردان و از جایی که گمان نمی رود، روزی ام ده، تا به خاطر طلب روزی، از عبادت تو باز نمانم و بارسنگین مشکلات کسب روزی را به دوش نکشم. ❁

31+ امام سجاد علیه السلام: حُجُّوا وَ اعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ وَ تَتَّسِعَ رِزْقُكُمْ وَ تُكْفَوْنَ مَوْنَاتِ عِيَالِكُمْ. وَ قَالَ: الْحَاجُّ مَغْفُورٌ لَهُ وَ مَوْجُوبٌ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مُسْتَأْنَفٌ لَهُ الْعَمَلُ وَ مَحْفُوظٌ فَأَهْلُهُ وَ مَالُهُ؛

به حج و عمره بروید تا تندرست بمانید، روزیتان زیاد شود و خرجی خانواده تان تأمین گردد. حاجی آمرزیده است و بهشت بر او واجب است و اعمالش از نو آغاز می گردد و خانواده و مالش محفوظ می ماند. ❁

6+ امام سجاد علیه السلام: حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمَلِكِ النِّكَاحِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَاحًا وَ أُنْسًا وَ وَاقِيَةً وَ كَذَلِكَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَ يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ وَ وَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ يُكْرِمَهَا وَ يَرْفُقَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقَّكَ عَلَيْهَا أَغْلَظَ وَ طَاعَتَكَ بِهَا أَلْزَمَ فِيمَا أَحْبَبْتَ وَ كَرِهْتَ مَا لَمْ تَكُنْ مَعْصِيَةً فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرَّحْمَةِ وَ الْمُوَانَسَةِ وَ مَوْضِعَ السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءُ اللَّذَّةِ الَّتِي لِابْتِدَائِهَا مِنْ قَضَائِهَا وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛

حق زن آن است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و آسایش و همدم و پرستار تو قرار داده است، هم چنین بر هر يك از شما واجب است که خداوند را بخاطر وجود دیگری ستایش کند و بداند که او نعمتی است که خداوند ارزانی داشته و واجب است که با نعمت خداوندی رفتار نیک داشته باشد و او را گرامی بدارد و با او سازگاری کند و هر چند حق تو بر زنت بیشتر است و فرمان پذیری از تو، در هر چه دوست می داری یانمی پسندی، تا آن جا که گناه نباشد، بر او لازم تر است، در هر حال او این حق را دارد که از تو مهربانی ببیند و از همدمی تو برخوردار شود، و حق دارد که در برآوردن کامی که به ناچار باید برآورده شود، آرامش و آسایشش تأمین شود و این حقی بس بزرگ است و هیچ نیرو و توانی جز به خداوند نیست. ❁

8. امام سجّاد علیه السلام : وَ أَمَا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عِلْطَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُنَابٌّ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا، الْمُعْذِرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ، بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ؛

حق فرزند تو آن است که بدانی او از توست و در این جهان در نیک و بد خویش وابسته به توست و با تو نسبت به پرورش دادن خوب و راهنمایی کردن او به راه پروردگارش و یاری رساندن به او در اطاعت خداوند هم درباره خودت و هم حق اومسؤول هستی و براساس این مسئولیت پاداش می گیری و کیفر می بینی، پس در کار فرزند همچون کسی عمل کن که کارش را در این دنیا به حُسن اثر خویش آراسته می کند و توبه سبب حسن رابطه میان خود و او سرپرستی خوبی که از او کرده ای و نتیجه الهی که از او گرفته ای، نزد پروردگار خویش معذور باشی و هیچ نیرو و توانی جز به خداوند نیست .

9. امام سجّاد علیه السلام : فَحَقُّ أُمَّكَ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَطْعَمَتْكَ ثَمَرَةَ قَلْبِهَا مَا لَا يُطْعِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَنَّهَا وَقَّتْكَ بِسَمْعِهَا وَ بَصَرِهَا وَ يَدِهَا وَ رِجْلِهَا وَ شَعْرَهَا وَ بَشَرَهَا وَ جَمِيعِ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ فَرِحَةَ مُوَابِلَةِ مُحْتَمَلَةٍ لِمَا فِيهِمْ كَرُوهُهَا وَ أَلْمُهَا وَ ثِقْلُهَا وَ غَمُّهَا حَتَّى دَفَعْتَهَا عَنْكَ يَدَ الْقُدْرَةِ وَ أَخْرَجْتِكَ إِلَى الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ أَنْ تَشْبَعَ وَ تَجُوعَ هِيَ وَ تَكْسُوكَ وَ تَعْرَى وَ تَرُويِكَ وَ تَظْمًا وَ تَظْلًا وَ تَضْحُو تَنْعَمَكَ بِبُؤْسِهَا وَ تُلَذِّدَكَ بِالنُّومِ بَارِقِهَا وَ كَانَ بَطْنُهَا لَكَ وَ عَاءٌ وَ حِجْرُهَا لَكَ حِوَاءٌ وَ تَدْيِهَا لَكَ سِقَاءٌ وَ نَفْسُهَا لَكَ وَقَاءٌ تُبَاشِرُ حَرَّ الدُّنْيَا وَ بَرْدَهَا وَ دُونَكَ، فَتَشْكُرْهَا عَلَى قَدْرِكَ وَ لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ؛

حق مادرت این است که بدانی او تو را چنان در رحم خویش نگهداشته و پرورش داده که کس دیگری را بدان گونه برنگیرد، و از میوه دل خود تو را چنان تغذیه نموده که هیچ کس دیگری را آن گونه غذا ندهد و به راستی تو را با گوش و چشم و دست و پا و پوست و تمام اعضا و جوارحش با خوش رویی و دلشادی نگهداری کرده و هر ناگواری و درد و سختی و نگرانی [دوران بارداری را] تحمل کرده، چنان که دست تجاوز [آفات و بلاها] را از تو دور ساخته و تو را بر زمین نهاده و خشنود بوده است که تو سیر باشی و او خودش گرسنه ماند، و تو لباس بر تن داشته باشی و او برهنه باشد و تو را سیراب سازد و خودش تشنه ماند و تو را در سایه قرار دهد و خودش زیر آفتاب بسر برد، و با بیچارگی خود تو را نعمت دهد، و با بی خوابی خود به تو لذت خواب را چشاند، و شکمش ظرف وجود تو بوده و دامنش پرورشگاه تو و پستان چشمه نوش تو و جانش نگهدارت

بوده است. سرد و گرم دنیا را برای تو و به خاطر تو چشیده است، پس برای قدرشناسی از اینهمه [ایثار و از خودگذشتگی] او را سپاس گزار باش و جز با یاری و توفیق خداوند نخواهی توانست این همه را قدردانی کنی. •

21+ امام سجاد علیه السلام : اَلْقَوْلُ الْحَسَنُ يَثْرِي الْمَالَ وَ يُنْمِي الرِّزْقَ وَ يُنْسِي فِي الْاَجَلِ وَ يُحِبِّبَالِي الْاَهْلَ وَ يَدْخِلُ الْجَنَّةَ؛

گفتار نیک، ثروت را زیاد و روزی را فراوان می کند، مرگ را به تأخیر می اندازد، انسان را در خانواده محبوب می کند و به بهشت وارد می نماید. •

25+ امام سجاد علیه السلام : اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ فَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ وَ اشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ وَ انْعَشْهُ بِخَوْفِكَ وَ بِالْوَجَلِ مِنْكَ وَ قَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ اِلَيْكَ وَ اَمَلْهُ اِلَى طَاعَتِكَ...؛

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و دلم را برای محبتت فارغ و به یادت مشغول گردان و با ترس و هراس از خودت طراوت بخش و با رغبت به سویت نیرومند و به طاعتت مشتاق گردان. •

35+ امام سجاد علیه السلام : مَنْ لَمْ يَرْجُ النَّاسَ فِي شَيْءٍ ءِ وَ رَدَّ اَمْرَهُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ فِي جَمِيعِ اُمُوْرِهِ اسْتَجَابَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ ءِ؛

هر کس در هیچ کاری به مردم امید نبندد و همه کارهای خود را به خدای عزوجل واگذارد، خداوند هر خواسته ای که او داشته باشد اجابت کند. •

8+ امام سجاد علیه السلام : قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَايِعِ الدِّينِ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُ الْحَقِّ وَ الْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ؛

به امام سجاد علیه السلام عرض کردم: مرا از تمام دستورهای دین آگاه کنید، امام علیه السلام فرمودند: حق گویی، قضاوت عادلانه و وفای به عهد. •

23+ امام سجاد علیه السلام : اَللّٰهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّي اِلَّا اَصْلَحْتُهَا وَ لَا عَائِبَةً اُوْتِبُ بِهَا اِلَّا حَسَّنْتُهَا وَ لَا اُكْرِمَةً فِي نَاقِصَةٍ اِلَّا اَتَمَمْتُهَا ؛

خدایا هیچ صفتی که بر من عیب شمرده شود و امگذار مگر آن که اصلاحش فرمایی؛ و هیچ صفت نکوهیده ای را بجای مگذار مگر آن که آن را نکوسازی و مرا در هیچ خصلت پسندیده ناتمامی فرو مگذار مگر آن که کاملش گردانی. •

23+ امام سجاد عليه السلام : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ نَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ وَ اسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ وَ انْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، اكْمِلْ لِي بِهَاخَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛

بار الها! مرا در هنگام غفلت به یاد خود آگاه گردان و در ایام فراغت به اطاعتت موفق بدار و برایم راهی آسان به سوی محبت خود بگشای و خیر دنیا و آخرت را به وسیله آن تکمیل فرمای .

26+ امام سجاد عليه السلام : أَنْ رَجُلًا كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَيِّدِي أَخْبِرْنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَ مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ وَالسَّلَامُ؛

مردی به پدرم امام حسین علیه السلام نوشت : سرورم! مرا از خیر دنیا و آخرت آگاه کنید. امام در جواب نوشتند: به نام خداوند مهر گستر مهربان: هر کس در طلب رضای خداوند باشد، هر چند با ناخرسندی مردم، خداوند او را از مردم بی نیاز می کند، و هر کس در طلب رضای مردم باشد، هر چند با ناخرسندی خداوند، خداوند او را به مردم وا می گذارد .
والسَّلَامُ

14+ امام سجاد عليه السلام : لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَبَوْهُ وَ لَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَ خَوْضِ الْجُجِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَانِيَالَ : إِنَّ أَمَقَّتَ عِبِيدِي إِلَى الْجَاهِلِ الْمُسْتَخْفِبِ أَهْلَ الْعِلْمِ ، التَّارِكُ لِلْإِقْتِدَاءِ بِهِمْ وَ إِنَّ أَحَبَّ عِبِيدِي إِلَى التَّقِيِّ الطَّالِبِ لِلثَّوَابِ الْجَزِيلِ الْإِلَّازِمِ لِلْعُلَمَاءِ التَّابِعِ لِلْحُلَمَاءِ الْقَابِلِ عَنِ الْحُكَمَاءِ؛

اگر مردم می دانستند که در جستجوی دانش چه چیزی [نهفته] است ، بی گمان در پی آن می رفتند، حتی اگر با ریخته شدن خون و فرو رفتن در اعماق دریا باشد . خدای تبارک و تعالی به دانیال وحی کرد : منفورترین بندگام نزد من ، نادانی است که حق اهل علم را سبک بشمارد و پیروی از ایشان را رها کند و محبوب ترین بندگام نزد من، تقوای پیشه ای است که جویای پاداش فراوان، همراه دانشمندان، پیر و بردباران و پذیرای حکیمان باشد .

18+ امام سجاد عليه السلام : اللَّهُمَّ... وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمرُهُ وَ حَسَنَتْ عَمَلُهُ وَ أَتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ وَ رَضِيَتْ عَنْهُ وَ أَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَ اسْبَغِ الْكِرَامَةَ وَ اتَمِّمِ الْعَيْشَ ؛

خداوند! مرا از کسانی قرار ده که عمرشان را دراز و کردارشان را نیکو گردانیده ای و نعمتت را بر آنان تمام کرده ای و از آنان خرسندی و به آنان زندگی ای پاک، همراه با پایدارترین شادمانی و سرشارترین کرامت و کامل ترین رفاه، عطا نموده ای. ●

32+ امام سجّاد علیه السلام: مَنْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ رَكَعَتَيْنِ زَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي عُمْرِهِ سَنَتَيْنِ ؛

هر کس در مسجد سهله دو رکعت نماز بخواند، خداوند، دو سال بر عمر او می افزاید. ●

33+ امام سجّاد علیه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ عَمَّرْنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذَلِكَ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكِمَ عَضْبُكَ عَلَيَّ ؛

خدایا بر محمد و آل او درود فرست... و عمرم را تا زمانی که صرف طاعت تومی شود، دراز گردان و هرگاه عمرم چراگاه شیطان گردید، قبل از آن که نفرتت به من رو کند و یا خشم بر من قطعی شود، جانم را بستان و به سوی خود ببر. ●

18+ امام سجّاد علیه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ نَعُضِدَ ظَالِمًا أَوْ نَخْذُلُ مَلْهُوفًا أَوْ نَرُومَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ؛

خدایا به تو پناه می برم... از این که ظالمی را یاری کنیم و یا مظلوم و دلسوخته ای را بی یاور گذاریم و یا آنچه حق ما نیست بخواهیم. ●

30+ امام سجّاد علیه السلام: اِغْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ وَ اِحْمَدُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ ، وَ اَعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَخْرُجُونَ مِنْ قُدْرَةِ اللَّهِ إِلَى غَيْرِ قُدْرَتِهِ ، وَ سَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ، فَانْتَفِعُوا بِالْعِظَةِ وَ تَادَّبُوا بِآدَابِ الصَّالِحِينَ ؛

شما ای اهل بصیرت! پند گیرید و خدا را برای این که هدایتتان کرد ، سپاس گوید و بدانید که از قبضه قدرت خداوند ، به سوی قدرتی دیگر بیرون نتوانید رفت ، و خدا و فرستاده اش ، به زودی کردار شما را می بینند و آن گاه ، در پیشگاه او ، گرد آورده می شوید . پس از اندر زها بهره گیرید و ادب شایستگان را داشته باشید. ●

36+ امام سجّاد علیه السلام: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجْرًا فَقَالَ : مَا هَذَا ؟ قَالُوا : نَعْرِفُ بِذَلِكَ أَشَدَّنَا وَ أَقْوَانَا . فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدِّكُمْ وَ أَقْوَأَكُمْ ؟ قَالُوا : بَلَى ، يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ : أَشَدُّكُمْ وَ أَقْوَأَكُمْ الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي إِيْتِمٍ وَ لَا بَاطِلٍ وَ إِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ سَخِطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ وَ إِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ ؛

پیامبر صلی الله علیه و آله بر گروهی گذشتند که سنگی را بلند می کردند . فرمودند : این چه کاری است؟ گفتند : با این کار ، نیرومندترین و محکم ترین خود را می شناسیم . فرمودند : آیابه شما خبر دهم که محکم ترین و قوی ترین شما کیست؟ گفتند : بلی ای پیامبر خدا ! فرمودند : محکم ترین و قوی ترین شما ، کسی است که هر گاه خشنود شود ، خشنودی اش او را به گناه و باطل نکشاند ، و هر گاه خشمگین شود ، خشمش او را از سخن حق ، بیرون نبرد ، و هر گاه به قدرت رسید ، آنچه برایش حق نیست، دست نزند .

2. امام سجاد علیه السلام : إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ كُلَّ يَوْمٍ عَلَى جَوَارِحِهِ فَيَقُولُ: كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْنَا! وَيَقُولُونَ: اللَّهُ - اللَّهُ - فِينَا! وَ يُنَاشِدُونَهُ وَ يَقُولُونَ : إِمَانُثَابُ بِكَ وَ نِعَاقَبُ بِكَ؛

زبان آدمیزاد، هر روز به اعضای او نزدیک می شود و می گوید: چگونه اید؟ آنهامی گویند: اگر تو ما را به خودمان واگذاری، خوب هستیم! و می گویند: از خدا بترس و کاری به ما نداشته باش. و او را سوگند می دهند و می گویند: ما فقط به واسطه تو پاداش می یابیم و به واسطه تو، مجازات می شویم .

10. امام سجاد علیه السلام : حَقُّ اللِّسَانِ إِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَى وَتَعْوِيدُهُ الْخَيْرَ وَ تَرْكُ الْفُضُولِ التَّلَافِيذَةَ لَهَا وَ الْبِرُّ بِالنَّاسِ وَ حُسْنُ الْقَوْلِ فِيهِمْ؛

حق زبان، احترام گذاشتن به آن با ترك زشت گویی، عادت دادنش به خوبی، ترك گفتار بی فایده و نیکی به مردم و خوشگویی درباره آنان است .

18. امام سجاد علیه السلام : وَ أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرَهُ وَ تَذَكَّرَ مَعْرُوفَهُوَ تَكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصُ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَاتِهِ يَوْمًا كَأَفِيئَتِهِ؛

حق کسی که به تو نیکی کرده ، این است که از او تشکر کنی و نیکی اش را به زبان آوری و از او به خوبی یاد کنی و میان خود و خدای عزوجل برایش خالصانه دعا کنی ، هرگاه چنین کردی بی گمان در پنهان و آشکار از او تشکر کرده ای . سپس اگر روزتوانستی نیکی او را جبران کنی ، جبران کن .

21. امام سجاد علیه السلام : وَ الدُّنُوبُ الَّتِي تُنَزَلُ النَّقْمُ عِصْيَانُ الْعَارِفِ بِالْبَغْيِ وَ التَّطَاوُلُ عَالِي النَّاسِ وَ الإِسْتِهْزَاءُ بِهِمْ وَ السُّخْرِيَّةُ مِنْهُمْ ؛

گناهانی که باعث نزول عذاب می شوند، عبارت اند از: ستم کردن شخص از روی آگاهی، تجاوز به حقوق مردم، و دست انداختن و مسخره کردن آنان. ❁

6. امام سجاد علیه السلام: **اللَّهُمَّ... أَحِبَّنِي وَ حَبِّبْنِي وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَا تُحِبُّ مِنَ الْقَوْلِ وَ الْعَمَلِ حَتَّى ادْخُلَ فِيهِ بِلَدَّةٍ وَ اُخْرَجَ مِنْهُ بِنَشَاطٍ؛**

بار خدایا مرا دوست بدار و نزد دیگران محبوبم گردان و گفتار و کرداری را که دوست داری، نزد من محبوب گردان تا با لذت وارد آنها شوم و با نشاط به انجامشان رسانم. ❁

21. امام سجاد علیه السلام: **فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْاَكْبَرُ فَاتَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ خَلَصَ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ يَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهَا ؛**

حق بزرگ تر خداوند این است که او را پرستی و چیزی را با او شریک نسازی، که اگر خالصانه چنین کنی، خداوند کار دنیا و آخرت را کفایت می کند و آنچه را دوست داری برایت نگه می دارد. ❁

27. امام سجاد علیه السلام: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... اِيثارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ...؛**
خدایا به تو پناه می برم از این که باطل را بر حق ترجیح دهی. ❁

28. امام سجاد علیه السلام: **اللَّهُمَّ... وَ أَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَنْ ضَمَائِرِنَا وَ أَثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا، فَإِنَّا لَشُكُوكَ وَ الظُّنُونِ لَوَاقِحُ الْفِتَنِ وَ مُكَدَّرَةٌ لِصَفْوِ الْمَنَاحِ وَ الْمَنَنِ؛**

بار الها... باطل را از درون ما محو نما و حق را در باطن ما جای ده. زیرا که تردیدها و گمان ها فتنه زاینده و بخشش ها و نعمت ها را تیره می سازند. ❁

وَأَمَّا حَقُّ بَصْرِكَ فَعَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ تَرَكُ ابْتِدَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصْرًا أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عِلْمًا ، فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْإِعْتِبَارِ؛

حقّ چشمت این است که آن را از آنچه بر تو حلال نیست ، فروبندی؛ و مبتدلش نسازی [و به کارش نببری] ، مگر برای جای عبرت آموزی که دیده ات را با آن بینا کنی یا به وسیله آن از دانشی بهره مند شوی ؛ زیرا چشم ، دروازه عبرت آموزی است.

وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَأَنْ لَا تَجْعَلَهُ وَعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لِكَثِيرٍ وَأَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ وَلَا تُخْرِجَهُ مِنْ حَدِّ التَّقْوِيَةِ إِلَى حَدِّ التَّهْوِينِ وَذِهَابِ الْمُرُوءَةِ؛

حقّ شکمت این است که آن را ظرف حرام ، کم باشد یا بسیار ، نسازی؛ و از حلال هم به اندازه بدو دهی ، و از حدّ نیرو بخشی به مرز شکم خوارگی و فقدان مرادنگی اش نکشانی.

فَأَمَّا حَقَّ الصَّلَاةِ فَمَا تَعَلَّمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَأَنَّكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ؛

حقّ نماز این است که بدانی نماز ، روی آوردن به درگاه خداست و تو در نماز در برابر خداوند ایستاده ای.

وَأَمَّا حَقَّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ فَالْتَّعْظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ؛

حقّ آن که به علم آموزی اداره ات می کند (یعنی حق استادت) ، بزرگداشت اوست ، و حفظ احترام مجلس او و نیک گوش دادن به گفتارش.

فَحَقُّ أُمَّكَ أَنْ تَعَلَّمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَطْعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُطْعِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛

حقّ مادرت این است که بدانی او تو را در جایی حمل کرده که کسی دیگری را حمل نمی کند ، و از میوه دل خود ، تو را چیزی خورانده که هیچ کس ، دیگری را نمی خوراند.

أَمَّا حَقُّ وَدِّكَ فَتَعَلَّمَ . . . أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالذَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَالْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَفِي نَفْسِهِ؛

حقّ فرزندت [این است که] بدانی . . . تو نسبت به کسی که سرپرستی او را بر عهده داری در پرورش خوب و راهنمایی وی به سوی پروردگار و کمک به او در فرمانبرداری از پروردگارش ، هم درباره خودت و هم درباره او ، مسئول هستی.

أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرَهُ وَتَذْكُرُ مَعْرُوفَهُ وَتَنْشُرُ لَهُ الْمَقَالَهَ الْحَسَنَةَ وَتُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛

حقّ کسی که به تو احسان کرده ، این است که او را سپاس داری و احسانش را یاد کنی و گفتاری نیکو درباره او بپراکنی و میان خود و خدای سبحان ، خالصانه دعایش کنی.

وَأَمَّا حَقُّ الْمَالِ فَإِنَّ لَا تَأْخُذَهُ إِلَّا مِنْ حِلِّهِ وَلَا تُنْفِقَهُ إِلَّا فِي حِلِّهِ؛

حقّ دارایی این است که آن را جز از راه حلال به دست نیاوری و جز در راه حلال صرف نکنی.

إِنَّ قَسْوَةَ الْبِطْنَةِ وَكِبْطَةَ الْمِلْأَةِ وَسُكْرَ الشَّبَعِ وَغِرَّةَ الْمُلْكِ مِمَّا يُنْبِطُ وَيُبْطِي عَنْ الْعَمَلِ وَيُنْسِي الذِّكْرَ؛

شکم بارگی و پرخوری و سرمستی و فریفتگی به مُلک (مالداری باشد یا حکومت) ، از چیزهایی است که [آدمی را] از کردار باز می دارد و کند رفتار می کند و یاد خدا را از یادش می برد.

مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا؛

هر که خود را ارجمند شمارد ، دنیا را پست انگارد.

مَنْ قَنَعَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَعْنَى النَّاسِ؛

هر که به قسمتی که خدایش داده قانع باشد ، همو ، بی نیازترین مردم است.

اتَّقُوا الْكِذْبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَهَزْلِ؛

از دروغ بپرهیزید ، چه خرد و چه بزرگ ، چه به جد و چه به هزل.

كَفَى بِنَصْرِ اللَّهِ لَكَ أَنْ تَرَى عَدُوَّكَ يَعْمَلُ بِمَعَاصِي اللَّهِ فِيكَ؛

همین یآوری الهی تو را بس که می بینی دشمنت در حق تو راه نافرمانی خدارا می پیماید.

الْخَيْرُ كُلُّهُ صِيَانَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ؛

تمام خیر آن است که انسان ، خوشتندار باشد.

إِيَّاكَ وَمُصَاحَبَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرَابِ يُقَرَّبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعَدُ لَكَ الْقَرِيبَ؛

مبادا با دروغگو همنشین شوی که وی ، همچون سراب است : به تو دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور می نمایاند.

إِيَّاكَ وَمُصَاحَبَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ؛

مبادا با بی خرد همنشین شوی که چون خواهد به تو سودی رساند ، زیان می رساند.

الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ : إِمَّا أَنْ يُدَّخَرَ لَهُ وَإِمَّا أَنْ يُعَجَّلَ لَهُ وَ إِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ؛

مؤمن از دعای خود به یکی از این سه نتیجه دست یابد : یا برایش ذخیره می گردد ، یا در دنیا برآورده می شود ، و یا بلایی را که می خواهد به او برسد ، از او باز داشته می شود

ثَلَاثُ مُنْجِيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِ : كَفُّ لِسَانِهِ عَنِ النَّاسِ وَ اغْتِيَابِهِمْ ، وَ إِشْغَالُهُ نَفْسَهُ بِمَا يَنْفَعُهُ لِآخِرَتِهِ وَ دُنْيَاهُ ، وَ طَوْلُ الْبُكَاءِ عَلَى خَطِيئَتِهِ؛

سه چیز مؤمن نجات بخش است : بازداشتنِ زبانش از مردم و از غیبت کردن آنان ، و وا داشتن خود به آنچه در آخرت و دنیایش سود دهد ، و بسیار گریستن بر گناهان خویش.

نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمَوَدَّةِ وَالْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ؛

نگاه کردن مؤمن به چهره برادر ایمانی خود از راه دوستی و محبت به او ، عبادت است.

مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ مِنْ عَفَا بَطْنٍ وَفَرَجٍ؛

چیزی نزد خدا ، پس از شناخت او ، محبوب تر از بازداشتن شکم و عورت [از حرام] نیست.

الإمام زين العابدين عليه السلام : نَحْنُ الْفُلْكَ الْجَارِيَّةُ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ ، يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا .

امام سجاد عليه السلام : ما کشتی روانی در دریاهاى عمیق پوشاننده هستیم، هر که بر آن سوار شود ایمن ماند و هر که از آن چشم پوشد غرق شود .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في دعائه يوم عرفة - : رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْنَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ ، وَحَفَظْتَ دِينَكَ ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنْسِ تَطْهِيرًا بِإِرَادَتِكَ ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ .

امام سجاد عليه السلام - در دعایش به روز عرفه - : خدایا! درود بفرست بر پاک ترین های اهل بیتش که برای امر خود آنها را برگزیدی و آنها را گنجوران علم خود و پاسداران دینت و جانشینان در زمینت و حجت های بندگانت قرارشان دادی و با اراده ات از هر گونه پلیدی و پلشتی کاملاً پاکشان گرداندی و آنان را وسیله به سوی خود و راه به سوی بهشت قرار دادی .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في الدعاء - : ... وَصَلِّ عَلَى خَيْرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الصَّفْوَةِ مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَمُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ .

امام سجاد عليه السلام : - در دعا - ... : و درود بفرست بار خدایا! بر برگزیده آفریدگانت محمد و خاندان برگزیده از مردمان پاکت و ما را شنوای ایشان و فرمانبر آنها - چنان که دستور داده ای - قرار ده .

الإمام زين العابدين عليه السلام : نَحْنُ أُمَّةٌ الْمُسْلِمِينَ ، وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ ، وَسَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ ، وَقَادَةُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ ، وَمَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ ، وَنَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ

النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ ، وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ، وَبِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا ، وَبِنَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ ، وَبِنَا يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ ، وَيُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ ، وَلَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا .

امام سجاد عليه السلام : ما امامان مسلمانان و حجتهاى الهى بر جهانيان و سروران مؤمنان و جلوداران سپيد پيشاني هاى دست و پا سفيد و سالار مؤمنان هستيم. ما موجب امنيت زمينيان هستيم چنان كه ستارگان، سبب امان آسمانيان هستند. خداوند به سبب ما آسمان را نگاه داشته تا مبدا - جز به اذن او - بر زمين فرو افتد و با ما زمين را حفظ کرده تا اهل زمين را نلرزاند. باران را به سبب ما فرو مى فرستد و رحمت را در پرتو وجود ما مى پراکند و برکت هاى زمين را بيرون مى دهد و اگر كسى از ما در زمين نمى بود اهل خود را فرو مى كشيد .

الإمام زين العابدين عليه السلام : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسًا وَعِنْدَهُ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، فَقَالَ : وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا ، مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ خَلْقٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنَّا ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شَقَّ لِي اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ مُحَمَّدٌ وَأَنَا مُحَمَّدٌ ، وَشَقَّ لَكَ يَا عَلِيُّ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى وَأَنْتَ عَلِيُّ ، وَشَقَّ لَكَ يَا حَسَنُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ الْمُحْسِنُ وَأَنْتَ حَسَنُ ، وَشَقَّ لَكَ يَا حُسَيْنُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ ذُو الْإِحْسَانِ وَأَنْتَ حُسَيْنُ ، وَشَقَّ لَكَ يَا فَاطِمَةُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ الْفَاطِرُ وَأَنْتَ فَاطِمَةُ .

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَهُمْ ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ ، وَمُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُمْ ، لِأَنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ .

امام سجاد عليه السلام : روزى پيامبر خدا صلى الله عليه و آله نشستند بود و على، فاطمه، حسن و حسين عليهم السلام نزد او بودند. حضرت صلى الله عليه و آله فرمود: سوگند به كسى كه مرا به حقّ مژده رسان برانگيخت، بر روى زمين هيچ كس نزد خداوند عزوجل محبوب تر و گرامى تر از ما نيست خداوند تبارك و تعالى نام مرا از يكي از نامهاى خود مشتق ساخت، او محمود است و من محمد و اى على! خداوند نام تو را از نامهاى خود مشتق ساخته است، اوست «العلی الاعلی» و تویی على و تو اى حسن! خداوند نامت را از نامهاى خود بر گرفته كه او «محسن» است و تو حسن و تو اى حسين! خداوند نام تو را نيز از نامهاى خود گرفته كه او «ذوالاحسان» است و تو حسين و تو اى فاطمه! خداوند نام تو را نيز از نامهاى خود برگرفته كه او «فاطر» است و تو فاطمه. سپس فرمود: خدايا! تو را گواه مى گيرم كه با هر كس با ايشان آشتى در پيش

گیرد آشتی در پیش می گیرم و با هر که با ایشان سر جنگ داشته باشد سر جنگ دارم و دوستدار کسی هستم که ایشان را دوست داشته باشد و کینه کسی را در دل دارم که کینه ایشان را در دل دارد و دشمن کسی هستم که دشمن آنهاست و دوست کسی هستم که دوست آنهاست، زیرا آنها از من و من از آنهایم .

الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ فِي مَجْلِسِ يَزِيدَ - : أَيُّهَا النَّاسُ ، أُعْطِينَا سِتًّا ، وَفُضِّلْنَا بِسَبْعٍ : أُعْطِينَا الْعِلْمَ ، وَالْحِلْمَ ، وَالسَّمَاةَ ، وَالْفَصَاةَ ، وَالشَّجَاعَةَ ، وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ . وَفُضِّلْنَا بِأَنَّ مِنَّا النَّبِيَّ الْمُخْتَارَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَمِنَّا الصَّدِيقَ ، وَمِنَّا الطَّيَّارَ ، وَمِنَّا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ الرَّسُولِ ، وَمِنَّا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ الْبَتُولَ ، وَمِنَّا سِبْطًا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَسَيِّدًا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ .

امام سجاد علیه السلام - در خطبه ای در مجلس یزید - : ای مردم! به ما شش سرشت بخشیده شده و به هفت امر، فضیلت داده شده ایم. به ما علم، خرد، بردباری، بخشش، گشاده زبانی، دلیری و محبت در دل مؤمنان بخشیده شده است و برتری داده شده ایم به این که پیامبر برگزیده، محمد صلی الله علیه و آله و صدیق و طیار و شیر خدا و شیر پیامبر و سرور بانوان جهان، فاطمه بتول و دو نوه این امت و سالار جوانان بهشتی از ما هستند .

عنه عليه السلام - فِي صِفَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - : مِنْ فُرُوعِ الشَّجَرَةِ الْمُبَارَكَةِ ، وَبَقَايَا الصَّفْوَةِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ ، وَبَرَّأَهُمْ مِنَ الْآفَاتِ ، وَافْتَرَضَ مَوَدَّتَهُمْ فِي الْكِتَابِ . هُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى ، وَ [هُم] مَعْدِنُ النَّقِيِّ ، وَخَيْرُ حِبَالِ الْعَالَمِينَ وَوَثِيقُهَا .

امام سجاد علیه السلام - در توصیف اهل بیت علیهم السلام - : آنها از شاخه های شجره مبارکه و باقیمانده برگزیدگانی هستند که خداوند هر گونه پلشتی را از آنها دور ساخته است پاکشان گردانیده و از آفات مبرایشان داشته و دوستی با آنها را در کتابش واجب ساخته است. آنها دستاویز استوار و کان پرهیزگاری و نیکو و ریسمانی استوار برای جهانیان هستند .

الإمام زين العابدين عليه السلام : نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ ، وَنَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ ، وَنَحْنُ عَيْبَةُ عِلْمِهِ ، وَنَحْنُ تَرَاجِمَةٌ وَحِيهِ ، وَنَحْنُ أَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ ، وَنَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ .

امام سجاد علیه السلام : ما درهای خدا هستیم و راه راست اویم. ما ظرف علم او و بازگو کننده وحی او هستیم و پایه های توحید او و جایگاه راز اویم .

الإمام زين العابدين عليه السلام : مَا يَنْقِمُ النَّاسُ مِنَّا ؟! فَحَنُّ وَاللَّهِ شَجَرَةَ النَّبُوءَةِ ، وَبَيْتُ الرَّحْمَةِ ، وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ .

امام سجاد علیه السلام : چرا مردم کینه ما را می جویند؟! در حالی که به خدا سوگند ما درخت نبوت و خانه رحمت و کان علم و معرفت و مکان آمد و شد فرشتگانیم .

الإمام زين العابدين عليه السلام : عِنْدَنَا عِلْمُ الْمَنَايَا وَالْبَلَايَا ، وَفَصْلُ الْخِطَابِ ، وَأَنْسَابُ الْعَرَبِ ، وَمَوْلِدُ الْإِسْلَامِ .

امام سجاد علیه السلام : آگاهی از مرگ و میرها و بلاها و سخن انجامین (فصل الخطاب) و نسبهای عرب و زادگاه اسلام نزد ماست .

الإمام زين العابدين عليه السلام : دَخَلْتُ عَلَى مَرَوَانَ بْنِ الْحَكَمِ فَقَالَ : مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَكْرَمَ غَلْبَةً مِنْ أَبِيكَ ، مَا هُوَ إِلَّا أَنْ وَلِينَا يَوْمَ الْجَمَلِ ، فَنَادَى مُنَادِيَهُ : لَا يُقْتَلُ مُدْبِرٌ وَلَا يُدْفَنُ عَلَى جَرِيحٍ .

امام سجاد علیه السلام : بر مروان بن حکم وارد شدم. او گفت: به هنگام چیرگی، کسی را از پدر تو کریم تر نیافتم. او همان کسی بود که در جنگ جمل ما را تعقیب می کرد و مُنَادیش ندا در می داد که: هیچ گریزنده ای، کشته نخواهد شد و هیچ زخم خورده ای، از پای در آورده نخواهد شد .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ لَا غَرَضَ لِي إِلَّا ثَوَابَهُ ، فَأَكُونَ كَالْعَبْدِ الطَّمَعِ الْمُطْمِئِنِّ ، إِنْ طَمَعَ عَمَلٍ وَإِلَّا لَمْ يَعْمَلْ . وَأَكْرَهُ أَنْ أَعْبُدَهُ (لَا غَرَضَ لِي) إِلَّا لِخَوْفِ عِقَابِهِ ، فَأَكُونَ كَالْعَبْدِ السَّوِّءِ إِنْ لَمْ يَخَفْ لَمْ يَعْمَلْ . قِيلَ لَهُ : فَلِمَ تَعْبُدُهُ ؟ قَالَ : لِمَا هُوَ أَهْلُهُ بِأَيَادِيهِ عَلَيَّ وَإِنْعَامِهِ .

امام سجاد علیه السلام : من خوش نمی دارم خدا را چنان بپرستم که مقصودی جز پاداش نداشته باشم، تا چونان برده ای باشم آزمند و تسلیم که اگر طمع ورزد می کوشد و الا نه و خوش نمی دارم خدا را چنان بپرستم که [مقصودی] جز هراس از کیفر او در سر نداشته باشم تا چونان برده بدکاری باشم که اگر نهراسد، گامی بر نمی دارد. به حضرت علیه السلام عرض شد: پس چرا خدا را می پرستی؟ فرمود: چون او با نواختن و نعمت دادن به من، شایسته عبادت است .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ ، وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَاجًّا مَاشِيًّا وَرُبَّمَا مَشَى حَافِيًّا ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ الْبَعْثَ وَالنُّشُورَ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ الْعَرْضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذَكَرَهُ شَهَقَ شَهَقَةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا ، وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ

فَرَائِصُهُ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ ،

وَيَسْأَلُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَيَعُودُ بِهِ مِنَ النَّارِ ، وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَقْرَأُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ :
« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا «إِلَّا قَالَ : لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ . وَلَمْ يُرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْوَالِهِ إِلَّا ذَاكِرًا لِلَّهِ
سُبْحَانَهُ .»

امام سجاد علیه السلام : حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان خود، از همه
عابدتر، زاهدتر و با فضیلت تر بود و هرگاه حج می رفت، پیاده و چه بسا پابرهنه می
رفت و هرگاه مرگ و گور را به خاطر می آورد می گریست و هرگاه رستخیز و زنده
شدن را از نظر می گذراند، اشک از دیده می ریخت و هرگاه گذر از صراط را در اندیشه
می آورد گریان می شد و هرگاه عرضه [اعمال] را به خدای متعال به یاد می آورد،
فریادی می کشید که از آن، بی هوش می شد و هرگاه به نماز برمی خاست، گوشت تنش
در برابر خداوند عزوجل، به لرزه می افتاد و هرگاه بهشت و دوزخ را به یاد می آورد
چونان مار گزیده، بی تابی می کرد و از خداوند، بهشت را طلب می کرد و از آتش دوزخ،
به او پناه می برد . او، هرگاه عبارت «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» را از قرآن می خواند می گفت:
لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ و در هیچ حالی دیده نشد، مگر آن که خداوند سبحان را ذکر می گفت .

عنه عليه السلام : كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُصَلِّي ، فَمَرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ
رَجُلٌ فَنَهَاهُ بَعْضُ جُلَسَائِهِ ، فَلَمَّا انصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ قَالَ لَهُ : لِمَ نَهَيْتَ الرَّجُلَ ؟ قَالَ : يَا بْنَ
رَسُولِ اللَّهِ ، حَظَرَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْمِحْرَابِ ، فَقَالَ : وَيْحَكَ ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَقْرَبُ إِلَيَّ
مِنْ أَنْ يَحْظَرَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ أَحَدٌ .

امام سجاد علیه السلام : حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام نماز می گزارد که مردی
از برابر او گذشت . یکی از همنشینانش او را از این کار نهی کرد . چون حضرت علیه
السلام نمازش فارغ شد، به آن مرد فرمود: چرا او را باز داشتی؟ عرض کرد : یابن
رسول الله ، او میان شما و محراب حائل شد . حضرت علیه السلام فرمود : وای بر تو،
خداوند عزوجل به من نزدیکتر از آن است که کسی بتواند میان من و او، حائل شود .

الإمام زين العابدين عليه السلام : لَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ نَظَرَ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ مَعَهُ فَإِذَا هُوَ بِخِلَافِهِمْ ؛ لِأَنَّهُمْ كُلَّمَا اشْتَدَّ الْأَمْرُ تَغَيَّرَتِ أَلْوَانُهُمْ
وَارْتَعَدَتِ فَرَائِصُهُمْ وَوَجَبَتْ قُلُوبُهُمْ . وَكَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ
خَصَائِصِهِ تُشْرِقُ أَلْوَانُهُمْ وَتَهْدَأُ جَوَارِحُهُمْ وَتَسْكُنُ نُفُوسُهُمْ ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ : أَنْظَرُوا ،
لَا يُبَالِي بِالمَوْتِ ! فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ ، فَمَا المَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ
تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ البُؤْسِ وَالضَّرَّاءِ إِلَى الْجَنَانِ الواسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ ، فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ
سِجْنٍ إِلَى قِصْرِ ؟ ! وَمَا هُوَ لِأَعْدَائِكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قِصْرِ إِلَى سِجْنٍ وَعَذَابٍ . إِنَّ أَبِي

حَدَّثَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ ، وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هُوَ لَاءٍ إِلَى جَنَّتِهِمْ وَجِسْرٌ هُوَ لَاءٍ إِلَى جَحِيمِهِمْ ، مَا كَذَبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ .

امام سجاد علیه السلام : چون کار بر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام دشوار شد، همراهیان او بدو نگریستند و او را برخلاف خود یافتند، چه، هرگاه کار دشوار می شد، رنگ آنها تغییر می یافت و گوشت تنشان به لرزه و دلهاشان به تپش می افتاد، در حالی که حسین علیه السلام و برخی از نزدیکان او رنگشان می درخشید و دل و جانشان آرام می گرفت. آنها به یکدیگر می گفتند : ببینید، از مرگ هیچ هراسی ندارد، و حسین علیه السلام بدیشان می فرمود : شکیبایی، ای بزرگ زادگان! مرگ نیست مگر پلی که شما را از بینوایی و سختی به بهشتهای فراخ و نعمتهای جاودان می رساند، کدام یک از شما خوش نمی دارد که از زندان به قصر درآید؟! چنان که مرگ برای دشمنان شما نیست، مگر در آمدن از کاخ به زندان و شکنجه. پدرم به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دنیا، زندان مؤمن و فردوس کافر است و مرگ، پل این جماعت است که آنها را به بهشتشان و اینها را به دوزخشان می رساند و من نه دروغ می گویم و نه به من دروغ گفته شده است .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْطَانَا الْحِلْمَ وَالْعِلْمَ وَالشَّجَاعَةَ وَالسَّخَاوَةَ وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ .

امام سجاد علیه السلام : خداوند متعال به ما شکیبایی و دانش و دلیری و بخشش و مهر در دل مؤمنان را ارمغان داده است .

الإمام زين العابدين عليه السلام : معاشر أصحابي، أوصيكم بالآخرة ولست أوصيكم بالدنيا ، فَإِنَّكُمْ بِهَا مُسْتَوْصُونَ وَعَلَيْهَا حَرِيصُونَ وَبِهَا مُسْتَمْسِكُونَ .
معاشر أصحابي ، إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ وَالْآخِرَةُ دَارٌ مَقَرٌّ ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ ، وَلَا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَسْرَارُكُمْ ، وَأَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ .

امام سجاد علیه السلام : ای گروه اصحاب من! شما را به آخرت سفارش می کنم و به دنیا سفارشتان نمی کنم؛ زیرا خود بدان سفارش شده اید و بدان آزمندید و به دامن آن چنگ افکنده اید .

ای گروه اصحاب من! دنیا، سرای گذر است و آخرت، سرای ماندن، پس از گذرگاه خود برای قرارگاهتان توشه بگیرید و پرده های خود را در پیشگاه کسی که رازهایتان بر او

پوشیده نیست، مَدْرِید و دلہای خود را از دنیا بیرون کنید، پیش از آن کہ کالبدہایتان (پیکرہایتان) از آن بیرون رود .

الإمام زین العابدین علیہ السلام - فی کتابہ إلی مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ الزُّهْرِيِّ يَعْظُهُ - : كَفَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ مِنَ الْفِتَنِ وَرَحِمَكَ مِنَ النَّارِ ، فَقَدْ أَصْبَحْتَ بِحَالٍ يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَكَ بِهَا أَنْ يَرْحَمَكَ ، فَقَدْ أَثَقَلْتِكَ نِعْمَ اللَّهِ بِمَا أَصَحَّ مِنْ بَدَنِكَ وَأَطَالَ مِنْ عُمْرِكَ ، وَقَامَتْ عَلَيْكَ حُجَجُ اللَّهِ بِمَا حَمَلْتَكَ مِنْ كِتَابِهِ ، وَفَقَّهْتَ فِيهِ مِنْ دِينِهِ ، وَعَرَّفَكَ مِنْ سُنَّةِ نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَرَضِي لَكَ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِهَا عَلَيْكَ ، وَفِي كُلِّ حُجَّةٍ اِحْتَجَّ بِهَا عَلَيْكَ الْفَرَضَ بِمَا قَضَى ، فَمَا قَضَى إِلَّا ابْتَلَى شُكْرَكَ فِي ذَلِكَ وَأَبَدَى فِيهِ فَضْلَهُ عَلَيْكَ ، فَقَالَ : « لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ . »

فَانظُرْ أَيَّ رَجُلٍ تَكُونُ عَدَا إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَسَأَلَكَ عَنْ نِعْمِهِ عَلَيْكَ كَيْفَ رَعَيْتَهَا ؟ وَعَنْ حُجَجِهِ عَلَيْكَ كَيْفَ قَضَيْتَهَا ؟ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ قَابِلًا مِنْكَ بِالْتَّعْذِيرِ وَلَا رَاضِيًا مِنْكَ بِالْتَّقْصِيرِ ، هِيَاتَ هِيَاتَ ! لَيْسَ كَذَلِكَ ،

أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ فِي كِتَابِهِ إِذْ قَالَ : « لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ . » وَأَعْلَمَ أَنَّ أَدْنَى مَا كَتَمْتَ وَأَخْفَى مَا احْتَمَلْتَ أَنْ أَنْتَ وَحِشَةُ الظَّالِمِ وَسَهَّلْتَ لَهُ طَرِيقَ الْعِيِّ بِدُنُوكَ مِنْهُ حِينَ دَنَوْتَ وَإِجَابَتِكَ لَهُ حِينَ دُعِيتَ ، فَمَا أَخَوْفَنِي أَنْ تَكُونَ تَبَوُّءُ بِإِثْمِكَ عَدَا مَعَ الْخَوْنَةِ ، وَأَنْ تُسَالَ عَمَّا أَخَذْتَ بِإِعَانَتِكَ عَلَى ظُلْمِ الظَّالِمَةِ ، إِنَّكَ أَخَذْتَ مَا لَيْسَ لَكَ مِنْ أَعْطَاكَ ، وَدَنَوْتَ مِنْ لَمْ يَرُدَّ عَلَى أَحَدٍ حَقًّا وَلَمْ تَرُدَّ بَاطِلًا حِينَ أَدْنَاكَ ، وَأَحْبَبْتَ (وَأَجَبْتَ - خ ل) مَنْ حَادَّ اللَّهَ . أَوْلَيْسَ بِدُعَائِهِ إِيَّاكَ حِينَ دَعَاكَ جَعَلُوكَ قُطْبًا أَدَارُوا بِكَ رَحَى مَظَالِمِهِمْ ، وَجِسْرًا يَعْبرُونَ عَلَيْكَ إِلَى بَلَايَاهُمْ ، وَسُلَّمًا إِلَى ضَلَالَتِهِمْ ؟! دَاعِيًا إِلَى غِيهِمْ ، سَالِكًا سَبِيلَهُمْ ، يُدْخِلُونَ بِكَ الشُّكَّ عَلَى الْعُلَمَاءِ ، وَيَقْتَادُونَ بِكَ قُلُوبَ الْجُهَالِ إِلَيْهِمْ ، فَلَمْ يَبْلُغْ أخصُّ وُزْرَائِهِمْ وَلَا أَقْوَى أَعْوَانِهِمْ إِلَّا دُونَ مَا بَلَغْتَ مِنْ إِصْلَاحِ فَسَادِهِمْ وَاخْتِلَافِ الْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ إِلَيْهِمْ ، فَمَا أَقَلَّ مَا أَعْطَاكَ فِي قَدْرِ مَا أَخَذُوا مِنْكَ ؟! وَمَا أَيْسَرَ مَا عَمَرُوا لَكَ فَكَيْفَ مَا خَرَّبُوا عَلَيْكَ ؟!

فَانظُرْ لِنَفْسِكَ فَإِنَّهُ لَا يَنْظُرُ لَهَا غَيْرُكَ ، وَحَاسِبِهَا حِسَابَ رَجُلٍ مَسْئُولٍ . وَانظُرْ كَيْفَ شُكْرَكَ لِمَنْ عَدَاكَ بِنِعْمِهِ صَغِيرًا وَكَبِيرًا ؟ فَمَا أَخَوْفَنِي أَنْ تَكُونَ كَمَا قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ : « فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا . » إِنَّكَ لَسْتَ فِي دَارِ مَقَامٍ ، أَنْتَ فِي دَارٍ قَدْ آدَنْتَ بِرَحِيلٍ ، فَمَا بَقَاءُ الْمَرْءِ بَعْدَ قُرْنَائِهِ ؟! طُوبَى لِمَنْ كَانَ فِي الدُّنْيَا عَلَى وَجَلٍ ، يَا بُؤْسَ لِمَنْ يَمُوتُ وَتَبَقِيَ ذُنُوبُهُ مِنْ بَعْدِهِ ! إِحْذَرِ فَقَدْ نُبِّئْتَ . وَبَادِرِ فَقَدْ أُجِّلْتَ . إِنَّكَ تُعَامِلُ مَنْ لَا يَجْهَلُ . وَإِنَّ الَّذِي يَحْفَظُ عَلَيْكَ لَا يَغْفُلُ . تَجَهَّزْ فَقَدْ دَنَا مِنْكَ سَفَرٌ بَعِيدٌ ، وَدَاوِ دُنْبَكَ فَقَدْ دَخَلَهُ سُقْمٌ شَدِيدٌ . وَلَا تَحْسَبْ أَنِّي أَرَدْتُ تَوْبِيخَكَ وَتَعْنِيفَكَ وَتَعْيِيرَكَ ، لَكِنِّي أَرَدْتُ أَنْ يَنْعَشَ اللَّهُ مَا (قَدْ) فَاتَ مِنْ

رَأَيْكَ وَيُرَدُّ إِلَيْكَ مَا عَزَبَ مِنْ دِينِكَ ، وَذَكَرْتُ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ : « وَذَكَرَ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ . »

أَغْفَلْتَ ذِكْرَ مَنْ مَضَى مِنْ أَسْنَانِكَ وَأَقْرَانِكَ ، وَبَقِيتَ بَعْدَهُمْ كَقَرْنٍ أَعْصَبَ . أَنْظِرْ هَلْ ابْتَلَوْا بِمِثْلِ مَا ابْتَلَيْتَ ؟ أَمْ هَلْ وَقَعُوا فِي مِثْلِ مَا وَقَعْتَ فِيهِ ؟ أَمْ هَلْ تَرَاهُمْ ذَكَرْتَ خَيْرًا أَهْمَلُوهُ وَعَلِمْتَ شَيْئًا جَهْلُوهُ ؟ بَلْ حَظَيْتَ بِمَا حَلَّ مِنْ حَالِكَ فِي صُدُورِ الْعَامَّةِ وَكَلَّفِهِمْ بِكَ ، إِذْ صَارُوا يَقْتَدُونَ بِرَأْيِكَ وَيَعْمَلُونَ بِأَمْرِكَ ؛ إِنْ أَحَلَّتَ أَحَلَّوْا وَإِنْ حَرَّمْتَ حَرَّمُوا ، وَلَيْسَ ذَلِكَ عِنْدَكَ ، وَلَكِنْ أَظْهَرَهُمْ عَلَيْكَ رَغْبَتَهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ ، [وَ] ذَهَابُ عُلَمَائِهِمْ وَغَلْبَةُ الْجَهْلِ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ ، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ وَطَلْبُ الدُّنْيَا مِنْكَ وَمِنْهُمْ . أَمَا تَرَى مَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الْجَهْلِ وَالْغِرَّةِ وَمَا النَّاسُ فِيهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَالْفِتْنَةِ ؟! قَدْ ابْتَلَيْتَهُمْ وَفَتَنْتَهُمْ بِالشُّغْلِ عَنِ مَكَاسِبِهِمْ مِمَّا رَأَوْا ، فَتَأَقَّتْ نُفُوسُهُمْ إِلَى أَنْ يَبْلُغُوا مِنَ الْعِلْمِ مَا بَلَغْتَ ، أَوْ يُدْرِكُوا بِهِ مِثْلَ الَّذِي أُدْرِكْتَ ، فَوَقَعُوا مِنْكَ فِي بَحْرِ لَا يُدْرِكُ عُمُقَهُ ، وَفِي بَلَاءٍ لَا يُقَدَّرُ قَدْرُهُ ، فَاللَّهُ لَنَا وَلَكَ وَهُوَ الْمُسْتَعَانُ .

أَمَّا بَعْدُ ، فَأَعْرَضَ عَنْ كُلِّ مَا أَنْتَ فِيهِ حَتَّى تَلْحَقَ بِالصَّالِحِينَ ، الَّذِينَ دُفِنُوا فِي أَسْمَائِهِمْ ، لِاصِّقَةَ بَطُونِهِمْ بِظُهُورِهِمْ ، لَيْسَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ ، وَلَا تَفْتِنُهُمُ الدُّنْيَا وَلَا يُفْتِنُونَ بِهَا ، رَغِبُوا فَطَلَبُوا فَمَا لَبِثُوا أَنْ لَحِقُوا . فَإِذَا كَانَتِ الدُّنْيَا تَبْلُغُ مِنْ مِثْلِكَ هَذَا الْمَبْلَغَ - مَعَ كِبَرِ سِنِّكَ وَرُسُوحِ عِلْمِكَ

وَحُضُورِ أَجْلِكَ - فَكَيْفَ يَسْلَمُ الْحَدِيثُ فِي سِنِّهِ ، الْجَاهِلُ فِي عِلْمِهِ ، الْمَافُونُ فِي رَأْيِهِ ، الْمَدْخُولُ فِي عَقْلِهِ ؟! إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ . عَلَى مَنْ الْمَعْوَلُ ؟ وَعِنْدَ مَنْ الْمُسْتَعْتَبُ ؟ نَشْكُو إِلَى اللَّهِ بَيْنًا وَمَا نَرَى فِيكَ ، وَنَحْتَسِبُ عِنْدَ اللَّهِ مُصِيبَتَنَا بِكَ .

فَانظُرْ كَيْفَ شُكْرِكَ لِمَنْ عَدَاكَ بِنِعْمِهِ صَغِيرًا وَكَبِيرًا ؟ وَكَيْفَ إِعْظَامُكَ لِمَنْ جَعَلَكَ بِدِينِهِ فِي النَّاسِ جَمِيلًا ؟ وَكَيْفَ صِيَانَتُكَ لِكِسْوَةِ مَنْ جَعَلَكَ بِكِسْوَتِهِ فِي النَّاسِ سَتِيرًا ؟ وَكَيْفَ قُرْبُكَ أَوْ بُعْدُكَ مِمَّنْ أَمَرَكَ أَنْ تَكُونَ مِنْهُ قَرِيبًا دَلِيلًا ؟ مَا لَكَ لَا تَنْتَبِهَ مِنْ نَعْسَتِكَ وَتَسْتَقِيلُ مِنْ عَثْرَتِكَ ؟!

فَتَقُولَ : وَاللَّهِ مَا أُمْتُ لِلَّهِ مَقَامًا وَاحِدًا أَحْيَيْتُ بِهِ لَهُ دِينًا أَوْ أَمْتُ لَهُ فِيهِ بَاطِلًا ، فَهَذَا شُكْرُكَ مِنْ اسْتِحْمَلِكَ (اسْتَعْمَلَكَ - خ ل) ! مَا أَخَوْفَنِي أَنْ تَكُونَ كَمَنْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ : « أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا » اسْتِحْمَلَكَ كِتَابَهُ وَاسْتَوَدَعَكَ عِلْمَهُ فَأَضَعْتَهَا ، فَنَحْمَدُ اللَّهَ الَّذِي عَافَانَا مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ ، وَالسَّلَامَ .

امام سجاد عليه السلام - در اندرزنامه اش به محمد بن مسلم زهری - : خداوند، ما و تو را از فتنه ها نگهدارد و بر تو، از آتش [دوزخ] رحم کند؛ زیرا تو اینک به حالی در افتاده ای که هرکس تو را بدین حال بیند، سزد که بر تو رحم آورد. چه، نعمتهای خداوند تو را سنگین بار ساخته که تنی سالم و عمری دراز ارزانی ات داشته است. حجت های او، بر تو تمام گشته است، بدان سبب که بار کتابش را، بر دوش تو نهاده [قرآن را می شناسی] و تو را در دینش، فقیه و آگاه ساخته و سنت پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را، به تو

شناسانده است. در هر نعمتی که به تو ارزانی داشته و در هر حجّتی که بدان وسیله، برای حجّت آورده، فریضه ای بر تو واجب گردانیده است و مرادش جز این نیست که سپاسگزاری تو را در آن بیازماید و تفضّلی را که به تو نموده، آشکار گرداند و فرموده است: «اگر سپاس بگذارید، بی گمان [نعمت] شما را افزون گردانم و اگر ناسپاسی کنید، به راستی که عذاب من بسی سخت است» .

پس، بنگر که فردای قیامت چگونه مردی خواهی بود، آن گاه که در پیشگاه خداوند بایستی و او از نعمتهایش بر تو، بپرسد که آنها را چگونه پاس داشتی؟! و از حجّت هایش بر تو بازخواستت کند که آنها را چگونه به جای آوردی؟! هرگز مپندار که خداوند از تو عذر و بهانه ای خواهد پذیرفت و یا به کوتاهی کردنهاى تو رضایت خواهد داد. هیهات، هیهات! نه چنین است. او در کتاب خویش از علما پیمان گرفته، آن جا که فرموده است: «باید آن [حقایق قرآن] را برای مردم بیان کنید و آن را کتمان نکنید» .

بدان که کمترین حقیقتی را که کتمان کرده ای و سبکترین باری را که بر دوش داری، این است که با نزدیک شدن به ستمگر و پذیرش دعوت او، آن گاه که تو را دعوت کرد، مونس تنهایی ستمگرشدهی و راه گمراهی را برایش سهل و هموار ساختی. وه چه می ترسم که فردا [ی قیامت] همراه خیانت کاران به کیفر گناهت گرفتار آیی و از آن چه در برابر یاری رساندن به ستم ستمگران گرفته ای، بازخواست شوی؛ تو چیزی را از کسی که به تو بخشیده است، گرفته ای که از آن تو نیست و به کسی نزدیک شده ای که حقّ احدی را نپرداخته است و تو نیز از زمانی که به او نزدیک گشته ای، از باطلی جلوگیری نکرده ای. تو کسی را به دوستی گرفته ای که با خدا به دشمنی و مخالفت برخاسته است، آیا نه این است که با دعوت او از تو، آن گاه که تو را [به همکاری] دعوت کرد، تو را محوری برای به چرخش درآوردن آسیاب ستمگری هایشان قرار دادند و پلی برای عبور به سوی بلا آفرینی هایشان و نردبانی برای ضلالتشان و مبلغ گمراهی آنان و پوینده راهشان؟! به واسطه تو کاری کرده اند که مسلمانان به علما [ی راستین] نیز به دیده شكّ و بدگمانی بنگرند و به وسیله تو دلهای نادانان را به دنبال خود می کشانند؛ [حتّی] مقربترین وزیران و نیرومندترین یاران آنها هم در درست جلوه دادن تباہکاری های آنان و کشاندن مردم، از خاصّ و عام به سوی آنان به پای تو نرسیدند. چه اندک است آن چه به تو دادند، در مقایسه با آن چه از تو گرفتند؟! و چه ناچیز است آن چه [از دنیا] برای آباد ساختند؟! و چه عظیم است آن چه از تو ویران ساختند [خانه ایمان و آخرت را]؟! پس مراقب نفس خود باش که کسی جز تو آن را نیاید و چونان مردی مسؤول، به حساب نفست رسیدگی کن .

بنگر که چگونه از کسی که تو را در خُردی و بزرگیّت با نعمتهایش پرورانده، سپاس می

گزاری؟ و چه می ترسم که تو آن گونه باشی که خداوند در کتابش فرموده است: «پس، بعد از آنان، جانشینانی وارث کتاب (آسمانی) شدند که متاع این دنیای پست را می گیرند و می گویند: بخشیده خواهیم شد» تو در سرای ماندگاری نیستی؛ تو در سرایی هستی که بانگ رحیل سر داده است؛ مگر انسان پس از همگنائش (که رفته اند) چه اندازه می زید؟! خوشا به حال کسی که در دنیا، هراسناک به سر برد و بدا به حال آن کسی که بمیرد و پس از او، گناهانش بماند.

بر حذر باش، زیرا خبردار شده ای و بشتاب، زیرا مهلتت محدود است. تو با کسی معامله می کنی که نادان نیست و آن که مراقب توست [لحظه ای] غافل نمی شود. آماده شو، زیرا که سفری دور و دراز به تو نزدیک شده است و [درد] گناهت را درمان کن زیرا که مرضی سخت به جانت راه یافته است.

گمان مبر که قصدم توبیخ و سرزنش و نکوهش کردن توست، بلکه می خواهم خداوند، اندیشه از دست رفته ات را جان دهد و دین از کف رفته ات را به تو باز گرداند و این سخن خدای متعال در کتابش را یادآور شوم که فرموده است: «یادآوری کن که یادآوری، مؤمنان را سود می بخشد».

تو یاد آن عده از همسالان و همگنائت را که رفته اند به دست غفلت سپرده ای و پس از آنان، چونان تک شاخ قوچی هستی که شاخ دیگرش شکسته است [تنها و بی یاور مانده ای] بنگر که آیا آنان نیز به همان بلایی گرفتار شدند که تو شده ای؟ یا آیا آنها هم در همان مهلکه ای افتادند که تو افتاده ای؟ و یا آیا فکر می کنی خیری را یادآور شده ای که آنان فرو گذاشتند و چیزی را می دانی که آنان نمی دانستند؟ [نه چنین است] بلکه تو از مقام و منزلتی بهره مند گشته ای که سبب شده است تا در دلهای توده مردم جای گیری و به تو عشق ورزند؛ از اندیشه ات پیروی می کنند و فرمان تو را به کار می بندند؛ اگر تو چیزی را روا شماری، آنان نیز روایش می شمارند و اگر چیزی را ناروا دانی، آنها نیز آن را ناروا می دانند، حال آن که تو از این شایستگی برخوردار نیستی، اما علاقه آنان به آن چه تو داری [علم و دانش] و از دست رفتن علمایشان و چیره آمدن جهل و نادانی بر تو و برایشان و ریاست طلبی و دنیاخواهی تو و آنان، باعث شده است تا از تو پشتیبانی و پیروی کنند. آیا نمی بینی که تو خود گرفتار چه جهل و غفلتی شده ای و مردم دچار چه بلا و فتنه ای گشته اند؟! بی گمان تو آنان را گرفتار کرده ای و به فتنه درافکنده ای و از کار و زندگی بازیشان داشته ای؛ زیرا همه مشتاق آند که در علم و دانش به پایه تو برسند، یا به مانند آن چه تو دست یافته ای، دست یابند، از این رو، به واسطه تو به دریایی که ژرفایش ناپیداست و به بلایی که اندازه اش نامعلوم است در افتادند. خدا به داد ما و تو برسد و اوست که دست مدد به سویش دراز می شود.

پس اینک از این وضعی که داری، روی بگردان تا بدان شایستگی پیبندی که درجامه های ژنده و فرسوده خویش مدفون گشته اند، شکمهایشان [از شدت گرسنگی و روزه داری] به پشتهایشان چسبیده، میان آنان و خداوند حجابی نیست، دنیا فریبشان ندهد و آنها نیز فریفته دنیا نشوند، خواستند و طلبیدند و دیری نپایید که [به خواسته اخروی خود] رسیدند. وقتی دنیا با چون تویی که سالخورده و دانشمند و دم مرگ هستی چنین کند، پس جوان نورسته ای که از دانش بی بهره است و اندیشه ای ناپخته و خردی ناقص دارد، چگونه ایمن ماند؟ **انالله و انا الیه راجعون**. به که باید تکیه کرد؟ و از چه کسی باید عذر خواست؟ از اندوه خود و وضعی که در تو می بینیم به خدا شکوه می کنیم و مصیبتی را که به واسطه تو بر ما وارد شده است به حساب خدا می گذاریم .

پس بنگر که سپاسگزاری تو از کسی که در خردی و بزرگیت تو را با نعمتهایش پرورده، چگونه است؟ و کسی را که به واسطه دینش، تو را در میان مردم خوشنام کرده است، چگونه بزرگ می داری؟ و از خلعت کسی که با پوشاندن آن بر قامت تو، تو را در میان مردم پوشیده [و آبرومند] داشته است، چگونه نگهداری می کنی؟ و نزدیکی یا دوری تو از کسی که به تو فرمان داده است خود را به او نزدیک کنی و در برابرش خوار و فروتن باشی، تا چه حدّ است؟ تو را چه شده که از خواب (غفلت) خود بیدار نمی شوی و از لغزشت توبه نمی کنی و بگویی: به خدا سوگند که من حتی یک بار هم برای خدا به زنده کردن [حکمی از احکام] دین او و میراندن باطلی اقدام نکردم؛ زیرا همین، خود، سپاس گزاری تو از کسی است که این بار [دانش] را بر دوش تو نهاده [به کارت گرفته] است! چقدر می ترسم که تو از آنانی باشی که خداوند متعال در کتابش فرموده است: «نماز را تباه ساختند و از خواهشهای نفسانی پیروی نمودند، پس زودا که کیفر گمراهی را بیابند» . خداوند، کتابش را بر دوش تو نهاد و عملش را به امانت، نزد تو سپرد، اما تو آن را تباه کردی. خدای را سپاس و ستایش می گوئیم که ما را از آن چه تو را بدان گرفتار ساخت، به سلامت داشت، والسلام .

الإمام زين العابدين عليه السلام : **حَطَبَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاسَ حِينَ قُتِلَ عَلِيٌّ ، فَحَمَدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ : . . . وَأَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ ، فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ « : قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا » فَاقْتِرَافُ الْحَسَنَةِ مَوَدَّتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ .**

رسول الله صلى الله عليه و آله : **حُبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُكْفِّرُ الذُّنُوبَ وَيُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ .**

الإمام زين العابدين عليه السلام : قَصِيرَةٌ مِنْ طَوِيلَةٍ : مَنْ أَحَبَّنَا لَا لِدُنْيَا يُصِيبُهَا مَنَا ، وَعَادَى عَدُونَنَا لَا لِشَحْنَاءَ كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ ، أَتَى اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِبْرَاهِيمَ وَعَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ .

الإمام زين العابدين عليه السلام - فِي فَضْلِ كَرْبَلَاءَ وَزِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : يُوْحِي اللَّهُ إِلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ وَالْبَحَارِ وَمَنْ فِيهِنَّ . . . وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَعْدَابِنَ مَنْ وَتَرَ رَسُولِي وَصَفِيِّي ، وَأَنْتَهَكَ حُرْمَتَهُ ، وَقَتَلَ عِزَّتَهُ ، وَنَبَذَ عَهْدَهُ ، وَظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِهِ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ .

الإمام زين العابدين عليه السلام : رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ ، وَحَفَظَةَ دِينِكَ ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنْسِ تَطْهِيرًا بِإِرَادَتِكَ ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ . . اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا ، وَأَعِنَهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ ، وَقَوِّ عَضْدَهُ ، وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ ، وَانصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ ، وَامْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ ، وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ ، وَاجْلُ بِهِ صِدْقَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ ، وَأَبِنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ ، وَأَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنِ صِرَاطِكَ ، وَامْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَلْبِكَ عِوَجًا ، وَالنَّ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ ، وَابْسُ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ ، وَفِي رِضَاهُ سَاعِينَ ، وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ الْيَهُودَ أَحَبُّوا عَزِيرًا حَتَّى قَالُوا فِيهِ مَا قَالُوا ، فَلَا عَزِيرٌ مِنْهُمْ وَلَا هُمْ مِنْ عَزِيرٍ . وَإِنَّ النَّصَارَى أَحَبُّوا عَيْسَى حَتَّى قَالُوا فِيهِ مَا قَالُوا ، فَلَا عَيْسَى مِنْهُمْ وَلَا هُمْ مِنْ عَيْسَى .
وَإِنَّا عَلَى سُنَّةٍ مِنْ ذَلِكَ ، إِنَّ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا سَيُحِبُّونَنَا حَتَّى يَقُولُوا فِينَا مَا قَالَتِ الْيَهُودُ فِي عَزِيرٍ وَمَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ ، فَلَا هُمْ مِنَّا وَلَا نَحْنُ مِنْهُمْ .

الإمام زين العابدين عليه السلام : اِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُحِبَّ زَهْرَةَ الدُّنْيَا وَعَاجِلَهَا لِأَعَدَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِهِ ، وَلَمْ يُرْعِبْهُمْ فِيهَا وَفِي عَاجِلِ زَهْرَتِهَا وَظَاهِرِ بَهْجَتِهَا ، وَإِنَّمَا خَلَقَ الدُّنْيَا وَخَلَقَ أَهْلَهَا لِيَبْلُوَهُمْ فِيهَا أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا لِأَخْرَجَتِهِ ، وَأَيُّمُ اللَّهِ لَقَدْ ضَرَبَ لَكُمْ فِيهِ الْأَمْثَالَ ، وَصَرَّفَ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ .

امام سجاد علیه السلام: حسن بن علی پس از کشته شدن علی برای مردم سخنرانی کرد و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: ... من از خانواده ای هستم که خداوند دوستی آنان را بر هر مسلمانی فرض کرده است. او، تبارك و تعالی، به پیامبرش فرمود: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم مگر دوستی با خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد برای او در ثواب آن خواهیم افزود.» انجام دادن نیکی همان دوستی ما اهل بیت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دوست داشتن ما اهل بیت، گناهان را پاك می کند و حسنات را دو چندان می سازد.

امام سجاد علیه السلام: سخن کوتاه: هرکس ما را دوست بدارد، اما نه به خاطر آن که از قبل ما به دنیایی برسد و دشمن ما را دشمن بدارد، لیکن نه به سبب کینه ای که میان آن دو است، روز قیامت به همراه محمد صلی الله علیه و آله و ابراهیم و علی علیهما السلام به پیشگاه خدا در آید.

امام سجاد علیه السلام - در فضیلت کربلا و زیارت حسین علیه السلام - : خداوند به آسمانها و زمین و کوهها و دریاها و هر موجودی که در آنهاست وحی می فرماید... سوگند به عزت و جلالم که هرکس به رسول و برگزیده ام ستم کند و حرمت او را بشکند و عترتش را بکشد و پیمانش را زیر پا نهد و به اهل بیت او ستم کند، وی را عذابی دهم که هیچ يك از جهانیان را چنان عذابی نچشانم.

امام سجاد علیه السلام: ای پروردگار من، بر پاك تران اهل بیت او درود و صلوات فرست؛ همانان که ایشان را برای امر خود (راهنمایی و هدایت مردم) برگزیدی و خزانه داران دانشت و نگهبانان دینت و جانشینان خود در زمینت و حجت های خویش بر بندگانت قرار دادی و به خواست و اراده خود، آنان را از پلیدی و ناپاکی پاك ساختی و ایشان را وسیله واصل شدن به مقام قرب خود و راه رسیدن به بهشتت قرار دادی... بار خدایا، به ولی خود شکر و سپاس نعمتی را که به او ارزانی داشته ای، الهام فرما و به ما نیز همانند او چنین سپاسی را الهام ده و به او سلطنت و قدرتی یاری گر عطایش فرما و به او پیروزی و فتحی آسان ارزانی دار و با نیرومندترین رکن قدرت خود یاریش ده و پشتش را محکم و بازوانش را توانا گردان و تحت مراقبت خویش قرارش ده و در سایه حفظ خود نگاهش دار و با فرشتگانت یاریش نما و به وسیله لشکر پیروزمند خود، مددش رسان و کتاب خود و حدود و شرایعت و سنتهای پیامبرت را - که درود تو ای پروردگار بر او و خاندانش باد - به وسیله او برپا دار و آن چه را از نشانه های دینت که ستمگران از بین برده اند، به واسطه او زنده گردان و به وسیله او، زنگار ستم (ستمگران) را از

آیین خود بزدای و به وسیله او، سختی و دشواریها را از راه خود دور گردان و به نیروی او، منحرفان از راه خود را از میان بردار و به وسیله او، کسانی را که خواهان کج ساختن راه راست تو هستند، نیست و نابود کن؛ و او را نسبت به دوستان خود، نرمخو و مهربان ساز و دست قدرت وی را بر دشمنانت بگشای و رأفت و مهربانی و عطف و محبتش را نصیب ما گردان و ما را گوش به فرمان و مطیع او قرار ده و چنان کن که در راه خشنودی او بکوشیم و در حمایت و دفاع از او جدیت کنیم و بدین سبب، به تو و رسول تو - که درود تو ای پروردگار بر او و خاندانش - تقرّب جویم .

امام سجاد علیه السلام : یهود، عزیر را چندان دوست داشتند که درباره او گفتند آن چه گفتند [و با این حرفها کار را به جایی رساندند که] نه عزیر از آنان است و نه آنان از عزیر؛ نصارا نیز عیسی را چندان دوست داشتند که درباره او گفتند آن چه گفتند، پس نه عیسی از آنان است و نه آنان از عیسی .

درباره ما نیز همین شیوه پیموده خواهد شد؛ گروهی از شیعیان ما، آن قدر ما را دوست خواهند داشت که راجع به ما همان چیزی را بگویند که یهود درباره عزیر گفتند و نصارا درباره عیسی بن مریم؛ این گروه از ما نیستند و ما نیز از آنان نمی باشیم .

امام زین العابدین علیه السلام : بدانید که خداوند زرق و برق زودگذر دنیا را برای هیچ يك از دوستانش نخواست است و آنان را به دنیا و به زیور گذرای آن و زیبایی ظاهری آن ، ترغیب نکرده است؛ بلکه دنیا را آفرید و اهل آن را خلق کرد تا آنان را در دنیا بیازماید که کدامینشان برای آخرتش بهتر عمل می کنند. به خدا سوگند که او در این باره ، برای شما مثال ها آورده و برای مردمی که خرد ورزند دلایل گوناگون آورده است ؛ و نیرویی نیست ، مگر به واسطه خداوند .

امام زین العابدین علیه السلام : شگفتا ، بس شگفتا از آن که برای سرای نیستی می کوشد و بر سرای ماندگاری چشم می پوشد !

امام زین العابدین علیه السلام - به یارانش - : آیا به شما نرسیده است که عیسی بن مریم علیه السلام به حواریان چه گفت؟ به آنان فرمود: «دنیا، پُلی است . پس ، از آن بگذرید و آبادش مسازید» .

الإمام زین العابدین علیه السلام : العَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَمِلَ لِإِدَارِ الْفَنَاءِ ، وَتَرَكَ دَارَ الْبَقَاءِ

● امام زین العابدین علیه السلام: عجبت از عجب این است برای کسی که برای این دارفانی (دنیای فانی) کار و تلاش می کند و دارباقی (خانه ی ابدی) را ترک کرده و کاری برای آن انجام نمی دهد.

● الإمام زین العابدین علیه السلام - لِأَصْحَابِهِ - : أَمَا بَلَّغَكُمْ مَا قَالَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَوَارِيِّينَ ! قَالَ لَهُمْ : الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ ، فَأَعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا ● ● .

● الإمام زین العابدین علیه السلام : إِنَّ جَمِيعَ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا - بَحْرَهَا وَبَرِّهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا - عِنْدَ وَليِّ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَهْلِ الْمَعْرِفَةِ بِحَقِّ اللَّهِ ، كَفَى الظَّلَالِ ● .

امام زین العابدین علیه السلام : همه آنچه خورشید بر آن طلوع کند ، در خاوران و باختران زمین - از دریاها و خشکی هایش و دشت ها و کوه هایش ، در نزد هر يك از اولیای خدا و به نزد آنان که خدا را به درستی می شناسند، همانند جا به جا شدن سایه هاست .

● الإمام زین العابدین علیه السلام : الدُّنْيَا سَوْقُ الْآخِرَةِ ، وَالنَّفْسُ تَاجِرٌ ، وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ رَأْسُ الْمَالِ ، وَالْمَكْسَبُ الْجَنَّةُ ، وَالْخُسْرَانُ النَّارُ ● .

امام زین العابدین علیه السلام : دنیا ، بازار آخرت است و نفس ، بازرگان است و شب و روز ، سرمایه و سود ، بهشت و زیان ، دوزخ .

● الإمام زین العابدین علیه السلام : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا يَكُونُ بِهِ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَإِذَا كُرِبْتُمْ ● وَاعْتَمَمْتُمْ ● دَعَوْتُمْ اللَّهَ بِهِ فَفَرَّجَ عَنْكُمْ؟ قَالُوا : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ .

قال : قولوا : « لا إله إلا الله ربنا لا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً » ثُمَّ ادعوا بِمَا بَدَأَ لَكُمْ ● .

امام زین العابدین علیه السلام : پیامبر خدا فرمود: «آیا به شما خبر دهم از چیزی که خیر دنیا و آخرت به آن است، و هرگاه ناراحت و اندوهگین شدید ، با آن خدا را بخوانید و خداوند ، غم و رنج شما را بزداید؟»

گفتند: بگو ای پیامبر خدا !

فرمود: «بگویید: " لا إله إلا الله ربنا ، لا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً ؛ جز خدای یکتا که پروردگار

ماست ، خدایی نیست و ما هیچ گونه به وی شَرک نمی ورزیم . "سپس ، هر دعایی که خواستید ، بکنید» .

الإمام زين العابدين عليه السلام : اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمُ مَا يُصَلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ، فَكُنْ بِحَوَائِجِي حَفِيًّا .

امام زين العابدين عليه السلام : بار خدايا! تو می دانی که کار دنیا و آخرت مرا چه چیز به صلاح می آورد . پس حاجت هایم را عطا فرما .

عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي ، وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي ، وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ ضَمِنْتَهَا لِي ، وَلَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ ، وَآمَنْتُ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصَلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ؛ مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ ، أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ .

امام زين العابدين عليه السلام : بار خدايا! همه درخواست هایم را به من عطا فرما، حوائجم را برآور و اجابت را که برایم تضمین کرده ای ، از من دریغ مکن و دعایم را که تو خود به آن دستور داده ای ، از درگاهت محجوب مگردان و هر آنچه را که سبب اصلاح من در دنیا و آخرتم شود ، به من عطا فرما ؛ چه آنهایی را که یاد کردم و یا فراموش نمودم، چه آنهایی را که اظهار کردم و یا نهان داشتم، چه آنهایی را که آشکارا گفتم و یا در دل ، بیان داشتم .

الإمام زين العابدين عليه السلام : كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا سَيِّدِي أَخْبِرْنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . فَكَتَبَ إِلَيْهِ :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنَّ مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ ، وَمَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ . وَالسَّلَامُ .

امام زين العابدين عليه السلام : مردی به پدرم حسین بن علی علیهما السلام نوشت: «سرورم! مرا از خیر دنیا و آخرت ، خبر ده» .

به او نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان. بدان که هر کس خشنودی خدا را بر ناخشنودی مردم برگزیند ، خدا او را از مردم ، بی نیاز می گرداند و هر که خشنودی مردم را با ناخشنودی خدا بجوید ، خداوند ، او را به مردم وا می گذارد. بدرود!» .

الإمام زين العابدين عليه السلام : لَا تَرَكْنُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رُكُونَ مَنْ اتَّخَذَهَا دَارَ قَرَارٍ وَمَنْزِلَ اسْتِيْطَانٍ ، وَاللَّهِ إِنَّ لَكُمْ مِمَّا فِيهَا عَلَيْهَا لَدَلِيلاً وَتَنْبِيْها ؛ مِنْ تَصْرِيْفِ أَيَّامِها وَتَغْيِيرِ انْقِلَابِها وَمَثَلِها . وَتَلَاغِبِها بِأَهْلِها ، إِنَّها لَتَرْفَعُ الْخَمِيْلَ وَتَضَعُ الشَّرِيْفَ ، وَتُورِدُ أَقْواماً إِلَى النَّارِ عَدا ، فَفِي هَذَا مُعْتَبَرٌ وَمُخْتَبَرٌ وَزَاجِرٌ لِمُنْتَبِهٍ .

امام زین العابدین علیه السلام : به آنچه در این دنیاست ، دل مبندید ، چونان دل بستگی کسی که آن را خانه ماندن و منزلگاه همیشگی قرار داده است. به خدا سوگند که در امور این دنیا ، برای شما نشانی و هشدار بر [بی وفایی و ناپایداری] دنیاست: اموری چون کشاکش روزگار ، فراز و نشیب های آن ، کیفرهای عبرت آموزش و به بازی گرفتن اهل خود. دنیا، گم نام را بالا می برد و بلند پایه را پست می گرداند و فردای قیامت ، اقوامی را به آتش می افکند و در این همه ، عبرت و تجربه و مایه بازدارندگی است برای شخص هشیار .

عنه علیه السلام . لِعَصْحَابِهِ . : أَمَا بَلَّغَكُمْ مَا قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَوَارِيِّينَ؟ قَالَ لَهُمْ : أَيْكُمْ يَبْنِي عَلَى مَوْجِ الْبَحْرِ دَارًا؟ تَلَكُمُ الدَّارُ الدُّنْيَا ، فَلَا تَتَّخِذُوهَا قَرَارًا .

امام زین العابدین علیه السلام . به یارانش . : آیا آنچه عیسی بن مریم علیهما السلام به حواریان فرمود: به شما نرسیده است؟ او به آنان فرمود : «... کدام يك از شما بر [روی موج دریا خانه ای می سازد؟ دنیا، چنین خانه ای است. پس، آن را اقامتگاه مگیرید» .

الإمام زین العابدین علیه السلام : الدُّنْيَا دُنْيَاءُ : دُنْيَا بِلَاغٍ ، وَدُنْيَا مَلْعُونَةٌ .

امام زین العابدین علیه السلام : دنیا دو گونه است: دنیای در حد کفاف و دنیای لعنت شده .

الإمام زین العابدین علیه السلام : لَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَظَرَ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ مَعَهُ فَإِذَا هُوَ بِخِلَافِهِمْ ؛ لِأَعْنَهُمْ كُلَّمَا اشْتَدَّ الْأَمْرُ تَغَيَّرَتِ أَلْوَانُهُمْ وَارْتَعَدَتِ فَرَائِصُهُمْ . وَوَجَبَتْ قُلُوبُهُمْ ، وَكَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تُشْرِقُ أَلْوَانُهُمْ وَتَهْدَأُ جَوَارِحُهُمْ وَتَسْكُنُ نُفُوسُهُمْ ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ : أَنْظَرُوا لَا يُبَالِي بِالْمَوْتِ !

فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : صَبِرَا بَنِي الْكِرَامِ ، فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ ، فَأَيْكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَصْرٍ؟! وَمَا هُوَ لِإِعْدَائِكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَصْرِ إِلَى سِجْنٍ وَعَذَابٍ ، إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ ، وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هُوَ لَإِ إِلَى جَنَاتِهِمْ ، وَجِسْرٌ هُوَ لَإِ إِلَى جَحِيمِهِمْ ، مَا كَذَبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ .

امام زین العابدین علیه السلام : [در کربلا] چون کار بر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام سخت شد ، همراهانش به او نگریستند ، دیدند که ایشان به خلاف ایشان است؛ چرا که هرچه کار سخت تر می شد ، رنگ از چهره آنان بر می گشت و بدن هایشان به

لرزه و قلب هایشان به تپش می افتاد ؛ اما حسین علیه السلام و عده ای از یاران خاص او ، رنگ چهره شان روشن می شد و بدن هایشان آرام می گرفت و دل هایشان تسکین می یافت. همراهان به یکدیگر گفتند: ببینید، از مرگ باکی ندارد !

حسین علیه السلام به ایشان فرمود: «صبور باشید ، ای بزرگ زادگان؛ زیرا مرگ ، چیزی نیست ، جز پلی که شما را از رنج و سختی به سوی بهشت های پهناور و خوشی و آرامش همیشگی عبور می دهد. پس کدام يك از شما دوست ندارد که از زندانی به کاخی منتقل شود؟ و برای دشمنان شما ، مرگ چیزی نیست ، جز همانند کسی که از کاخی به زندان و شکنجه گاهی منتقل شود. پدرم از پیامبر خدا برایم حدیث کرد که: «دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ ، پل آنان به سوی بهشتشان و پل اینان به سوی دوزخشان است. هرگز دروغ نگفته ام و به من ، دروغ گفته نشده است» .

الإمام زين العابدين عليه السلام : وَاللَّهِ مَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ إِلَّا كَكَفَّتِي المِيزَانِ ؛ فَأَيُّهُمَا رَجَحَ ذَهَبٌ بِالْآخِرِ .

امام زین العابدین علیه السلام : به خدا سوگند ، دنیا و آخرت ، درست مانند دو کفه ترازویند که هرکدام سنگین تر شود ، دیگری سبک تر می شود .

الإمام زين العابدين عليه السلام : مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنَّ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أُهْدِيَ رَأْسُهُ [إِلَى] [بَغِيٍّ فِي طَسْتٍ مِنْ ذَهَبٍ ، فِيهِ تَسْلِيَةٌ لِحُرٍّ فَاضِلٍ يَرَى النَّاقِصَ الدَّنِيِّ يَظْفُرُ مِنَ الدُّنْيَا بِالْحَظِّ السَّنِيِّ ، كَمَا أَصَابَتْ تِلْكَ الْفَاجِرَةَ تِلْكَ الْهَدِيَّةَ الْعَظِيمَةَ .

امام زین العابدین علیه السلام : از نشانه های بی ارزشی دنیا در نزد خداوند متعال، این است که سر یحیی بن زکریا علیه السلام در تشتی از طلا به يك روسپی پیشکش شد، و این خود ، مایه تسلی خاطر هر آزاده بافضیلتی است که می بیند يك فرد بی کمال پست ، از دنیا به بهره وافر می رسد، چنان که آن روسپی به آن پیشکش گران سنگ دست یافت .

عنه عليه السلام : خَرَجْنَا مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا نَزَلَ مَنْزِلًا وَلَا ارْتَحَلَ مِنْهُ إِلَّا ذَكَرَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَتْلَهُ ، وَقَالَ يَوْمًا : وَمِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنَّ رَأْسَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أُهْدِيَ إِلَى بَغِيٍّ مِنْ بَغَايَا بَنِي إِسْرَائِيلَ .

امام زین العابدین علیه السلام : با حسین علیه السلام به راه افتادیم. ایشان در هیچ منزلی فرود نمی آمد و از آن نمی کوچید، مگر آن که از یحیی بن زکریا علیه السلام و کشته شدن او یاد می کرد. روزی فرمود: «از بی ارزشی دنیا در نزد خداست که سر یحیی بن زکریا علیه السلام به فاحشه ای از فاحشه های بنی اسرائیل پیشکش شد» .

الإمام زين العابدين عليه السلام - لَمَّا سُنِلَ عَن أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ - : مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلُ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا ، وَإِنَّ لَذَلِكَ لَشُعْبًا كَثِيرَةً ، وَلِلْمَعَاصِي شُعْبًا : فَأَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ الْكِبْرُ ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ حِينَ أَبِي وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ، وَالْحِرْصُ ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ آدَمَ وَحَوَّاءَ حِينَ قَالَ اللَّهُ لَهُمَا : «كُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» ، فَأَخَذَا مَا لَا حَاجَةَ بِهِمَا إِلَيْهِ ، فَدَخَلَ ذَلِكَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَذَلِكَ أَنْ أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُ ابْنُ آدَمَ مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ ، ثُمَّ الْحَسَدُ ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ ابْنِ آدَمَ حَيْثُ حَسَدَ أَخَاهُ فَقَتَلَهُ ، فَتَشَعَّبَ مِنْ ذَلِكَ : حُبُّ النِّسَاءِ ، وَحُبُّ

الدُّنْيَا ، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ ، وَحُبُّ الرَّاحَةِ ، وَحُبُّ الْكَلَامِ ، وَحُبُّ الْعُلُوِّ وَالثَّرْوَةِ ، فَصِرْنَ سَبْعَ خِصَالٍ ، فَاجْتَمَعَنَ كُلُّهُنَّ فِي حُبِّ الدُّنْيَا ، فَقَالَ الْأَنْبِيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بَعْدَ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ : حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ .

امام زين العابدين عليه السلام - در پاسخ به سؤال از برترین اعمال در نزد خداوند- : بعد از شناخت خداوند و شناخت پیامبر او صلى الله عليه و آله ، هیچ عملی برتر از نفرت از دنیا نیست، و برای آن ، شاخه های بسیاری است ، چنان که گناهان نیز شاخه هایی دارند و نخستین چیزی که خدا با آن نافرمانی شد ، تکبر بود و آن ، نافرمانی شیطان بود ، آن گاه که سرپیچی و گردن فرازی کرد و از کافران شد. و [دوم ،] آزمندی بود و آن ، نافرمانی آدم و حوا بود ، آن گاه که خداوند به آن دو فرمود : «از هر چه می خواهید ، بخورید ؛ ولی به این درخت ، نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید بود» ؛ اما آن دو [از سر آزمندی ،] چیزی را برداشتند که بدان نیازی نداشتند، و این خصلت به نسل آنها راه یافت تا روز قیامت. از همین رو ، آدمیزاد ، به بیشتر آنچه می طلبد ، نیازی ندارد. و [سوم ،] حسد بود و آن ، نافرمانی پسر آدم بود ، آن گاه که به برادرش حسادت ورزید و او را کشت .

و از این خصلت ها ، زن دوستی، دنیادوستی، ریاست خواهی، راحت طلبی، شهوت کلام، حبّ جاه و ثروت ، نشأت گرفت. پس، هفت خصلت شدند که همگی در دنیادوستی گرد آمده اند. از این رو، پیغمبران و دانشمندان - که این نکته را شناخته اند - گفته اند: دنیادوستی ، منشأ هر گناهی است .

الإمام زين العابدين عليه السلام : مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ أَفْضَلُ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا .

امام زين العابدين عليه السلام : بعد از شناخت خداوند و شناخت پیامبر او، هیچ کاری برتر از بیزاری از دنیا نیست .

الإمام زين العابدين عليه السلام : ما أثر قوم قَطُّ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ، إِلَّا سَاءَ مُنْقَلَبُهُمْ
وسَاءَ مَصِيرُهُمْ .

امام زين العابدين عليه السلام : هرگز هیچ مردمی دنیا را بر آخرت برنگزیند ، مگر آن
که فرجامی بد و سرنوشتی ناگوار یافتند .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ عِلْمَةَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ :
تَرْكُهُمْ كُلَّ خَلِيطٍ وَخَلِيلٍ ، وَرَفْضُهُمْ كُلَّ صَاحِبٍ لَا يُرِيدُ مَا يُرِيدُونَ . أَلَا وَإِنَّ الْعَامِلَ لِثَوَابِ
الْآخِرَةِ هُوَ الزَّاهِدُ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا .

امام زين العابدين عليه السلام : نشانه دنیاگريزان آخرت گرای ، ترك هر معاشر و دوستی
، و طرد هر هم صحبتی است که خواسته اش با خواسته آنان ، یکی نیست . آگاه باشید آن
که برای پاداش و آخرت کار کند ، به زیب و زیور نقد دنیا ، بی رغبت است .

الإمام زين العابدين عليه السلام . لَمَّا سُئِلَ عَنِ الزُّهْدِ . : عَشْرَةَ أَشْيَاءَ : فَأَعْلَى دَرَجَةِ
الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ ، وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ ، وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَدْنَى
دَرَجَةِ الرِّضَا .

أَلَا وَإِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ « لَكَيْلًا تَأْسَوْنَ عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا
بِمَا آتَاكُمْ . »

امام زين العابدين عليه السلام - در پاسخ به سؤال از زهد - : زهد ، ده درجه دارد :
بالاترين درجه زهد ، پايين ترين درجه وَرَع است ، و بالاترين درجه وَرَع ، پايين ترين
درجه يقين است ، و بالاترين درجه يقين ، پايين ترين درجه رضاست .
آگاه باشید که زهد در يك آیه از کتاب خداوند خلاصه شده است : «تا بر آنچه از دست
می دهید ، افسوس نخوريد و برای آنچه خدا به شما می دهد ، شادمان نشويد» .

الإمام زين العابدين عليه السلام . مِمَّا كَانَ يَعْظُ بِهِ النَّاسَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ . : إِنْ هَدُوا فِيمَا زَهَّدَكُمْ اللَّهُ فِيهِ مِنْ عَاجِلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا .

امام زين العابدين عليه السلام - از اندرزهای ایشان به مردم در مسجد پیامبر خدا - : از
این زندگی کنونی دنیا که خداوند شما را به زهد در آن ترغیب کرده است ، دل بر کنید .

عنه عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ ارْتَحَلَتْ مُدْبِرَةً ، وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ ارْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً ، وَلِكُلِّ
وَاحِدَةٍ مِنْهَا بَنُونَ ، فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا ، أَلَا وَكُونُوا مِنَ
الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ .

امام زین العابدین علیه السلام : دنیا کوچ کرده است و می رود و آخرت ، کوچ کنان می آید، و برای هر یک از آن دو ، فرزندان است. پس، از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید. هان! از دنیا گریزانِ آخرت خواه باشید .

الإمام زین العابدین علیه السلام :

وفيدون ما عاينت من فجعاتها إلى رفضها داع وبالزهد أمر
فجد ولا تغفل فعيشك زائل وأنت إلى دار المنية صائر
ولا تطلب الدنيا فإن طلبها وإن نلت منها غبه لك ضائر

امام زین العابدین علیه السلام :

در کمترین ناملايمات دنیا که دیده ای / دعوتگری است به طرد آن ، و دستور دهنده ای است به ترك آن ، پس، بکوش و غافل مشو؛ زیرا زندگی تو ، به سر آمدنی است / و تو به سرای مرگ ، ره سپاری . و دنیا را مَطْلَب ، که طلبیدن دنیا / اگر چه به چیزی از آن برسی ، عاقبت برایت زیانبار است .

الإمام زین العابدین علیه السلام - مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ - : وَأَنْزَعَ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ ، وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ ، وَتَذْهَلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعایش در روز عرفه - : دوستی دنیایِ دون را از دلم بر کن، که از [دستیابی به] آنچه نزد توست ، باز می دارد، و از جستن وسیله رسیدن به تو مانع می شود، و از نزدیک شدن به تو غافل می سازد .

عنه عليه السلام : إلهي أسألك بحقك الواجب على جميع خلقك . . . أن تسلي نفسي عن الدنيا بمخافتك ، وأن تُثنيني بالكثير من كرامتك برحمتك .

امام زین العابدین علیه السلام : معبود من! به آن حق تو که بر همه آفریدگانت واجب است ، از تو درخواست می کنم... که با افکندن خوفت در دلم ، دنیا را از یادم ببری، و به مهربانی ات به کرامت (احسان) فراوانت بازم گردانی .

عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاقْبِضْ عَلَى الصِّدْقِ نَفْسِي ، وَاقْطَعْ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي ، وَاجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ .

امام زین العابدین علیه السلام : بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و جانم را بر راستی [در پندار و گفتار و کردار] بگیر، و نیازم را از دنیا قطع کن، و مرا به آنچه نزد توست ، راغب نما تا به دیدارت مشتاق گردم .

عنه عليه السلام - من كلام له كان يعظ به الناس في كل جمعة ، يقول في آخره - : أسأل الله العون لنا ولكم على تزود التقوى والزهد فيها ، جعلنا الله وإياكم من الزاهدين في عاجل زهرة الحياة الدنيا ، الراغبين لأجل ثواب الآخرة ، فإتما نحن به وله ، وصلى الله على محمد النبي وآله وسلم .

امام زين العابدين عليه السلام - در پایان سخنانی که هر جمعه مردم را با آنها موعظه می کرد - : از خداوند ، درخواست می کنم که ما و شما را در اندوختن توشه پرهیزگاری و دل برکندن از دنیا کمک کند، و ما و شما را از زهدورزان (صاحبان زهد) به زرق و برق کنونی زندگی دنیا ، و از راغبان به پاداش آینده آخرت قرار دهد؛ چرا که ما وابسته به او و از آن اویسیم. سلام خداوند بر محمد پیامبر و خاندان او باد !

الإمام زين العابدين عليه السلام : اللهم صل على محمد وآله ، وارزقني الرغبة في العمل لك لا آخرتي حتى أعرف صدق ذلك من قلبي ، وحتى يكون الغالب عليّ الزهد في دنيائي .

امام زين العابدين عليه السلام : خدایا! بر محمد و آل محمد ، درود فرست و رغبت به کار خدایسندانه برای آخرتم را روزی ام کن، به طوری که درستی آن را با قلبم بشناسم، و به طوری که زهدورزی به دنیا، بر من چیره باشد .

الإمام زين العابدين عليه السلام : اللهم صل على محمد وآله ، واجعل ثنائي عليك ومدحي إياك وحمدي لك في كل حالاتي ، حتى لا أفرح بما آتيتني من الدنيا ، ولا أحزن على ما منعتني فيها .

امام زين العابدين عليه السلام : خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، و مرا در همه حال به تمجید و ستایش و سپاس گزاری از خودت بگمار تا برای آنچه از دنیا به من داده ای ، شادمان نگردم، و برای آنچه از دنیا به من نداده ای ، اندوهگین نشوم .

الإمام زين العابدين عليه السلام : اللهم حبب إليّ صحبة الفقراء ، وأعني على صحبتهم بحسن الصبر ، وما زويت عني من متاع الدنيا الفانية فأنخره لي في خزائلك الباقية .

امام زين العابدين عليه السلام : بار خدایا! مرا دوستدار همنشینی با فقیران گردان، و کمک کن که در همنشینی با آنان خوب شکیبایی کنم، و آنچه را از متاع دنیای فانی از من دریغ کرده ای ، در گنجینه های جاویدانت برایم اندوخته کن .

الإمام زين العابدين عليه السلام - من دعائه يوم الثلاثاء - : اللهم أصلح لي ديني ؛ فإنه عصمة أمري ، وأصلح لي آخرتي ؛ فإنها دار مقري وإليها من مجاورة النائم مفري .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعای روز سه شنبه - : بارخدايا! دينم را براي درست گردان ؛ چرا که آن ، نگهبان امور من است ، و آخرتم را براي درست گردان ؛ چرا که آن ، سرای ماندن من و گریزگاه من از همسایگی با فرومایگان است .

عنه عليه السلام : مَعَاشِرَ أَصْحَابِي ، الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ مَقَرٍّ ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ .

امام زین العابدین علیه السلام : ای گروه یاران من! دنیا سرای گذر است و آخرت ، سرای ماندن . پس ، از گذرگاه خویش برای اقامتگاهتان توشه بگیرید .

الإمام زین العابدین علیه السلام - مِنْ دُعَائِهِ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ - : اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ ، وَتَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ ، فَأَجْرِنِي مِنْ فُضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ ؛ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ ، وَالرُّسُلِ الْمُكْرَمِينَ ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعایش در نماز شب - : بارخدايا! همچنان که در این سرای رفتنی و در حضور همگنان ، با گذشت خودت [گناهان] مرا پوشاندی و مرا غرق در فضل و لطف نمودی ، از رسوایی های سرای ماندگاری ، در هنگام ایستادن در محضر فرشتگان مقرب و فرستادگان گرامی و شهدا و نیکان نیز پناهم ده .

الإمام زین العابدین علیه السلام : الدُّنْيَا سِنَةٌ وَالْآخِرَةُ يَقْظَةٌ ، وَنَحْنُ بَيْنَهُمَا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ .

امام زین العابدین علیه السلام : دنیا خواب است و آخرت ، بیداری ، و ما [در فاصله] میان این دو ، خواب هایی آشفته می بینیم .

الإمام زین العابدین علیه السلام - مُخَاطَبًا أَصْحَابَهُ يَوْمًا - : إِخْوَانِي ، أَوْصِيكُمْ بِدَارِ الْآخِرَةِ ، وَلَا أَوْصِيكُمْ بِدَارِ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّكُمْ عَلَيْهَا حَرِيصُونَ وَبِهَا مُتَمَسِّكُونَ .

امام زین العابدین علیه السلام - روزی ، خطاب به یارانش - : برادرانم! من شما را به سرای آخرت سفارش می کنم . و به سرای دنیا سفارشتان نمی کنم ؛ زیرا که شما [خود] به خود [به دنیا حریص هستید و به آن پایبندید] .

الإمام زین العابدین علیه السلام - فِي الدُّعَاءِ - : وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي .

امام زین العابدین علیه السلام : [خدایا!] پروای از خود را در دنیا ده توشه ام گردان !

الإمام زين العابدين عليه السلام : مَنْ تَعَزَّى عَنِ الدُّنْيَا بِثَوَابِ الآخِرَةِ فَقَدْ تَعَزَّى عَنِ حَقِيرِ بِخَطِيرٍ ، وَأَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ مَنْ عَدَّ فَائِثَهَا سَلَامَةً نَالَهَا وَغَنِيمَةً أُعِينَ عَلَيْهَا .

امام زين العابدين عليه السلام : کسی که به خاطر ثواب آخرت ، در برابر [از دست دادن] دنیا شکیبایی ورزد ، هر آینه به خاطر امر مهمی ، در برابر چیزی حقیر ، شکیبایی ورزیده است . از این مهم تر ، کسی است که آنچه را از دنیا از دستش رفته ، سلامتی می داند که به آن دست یافته و غنیمتی می شمارد که برای [به دست آوردن] آن ، یاری شده است .

عنه عليه السلام - في الدعاء - : اللَّهُمَّ وَمَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَأَوْقِعِ النِّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً ، وَاجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهَا بَقَاءً . وَإِذَا هَمَمْنَا بِهِمَّيْنِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا وَيُسْخِطُكَ الآخَرَ عَلَيْنَا ، فَمَلِّ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ عَنَّا ، وَأَوْهِنِ قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا ، وَلَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نُفُوسِنَا وَاخْتِيَارِهَا ؛ فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَقَّعْتَ ، أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ .

امام زين العابدين عليه السلام - در دعا - : بارخدايا! هر گاه میان دو نقصان ، یکی در دین و یکی در دنیا ، قرار گرفتیم ، نقصان را در همانی قرار بده که زودگذرتر است و توبه را در همانی قرار بده که ماندگارتر است . و هر گاه میان دو خواست قرار گرفتیم که یکی از آن دو ، تو را از ما خشنود می سازد و آن دیگری ، تو را بر ما خشمگین می نماید ، ما را به آئی متمایل گردان که تو را از ما خشنود می سازد و نیروی ما را به آن يك که تو را بر ما خشمگین می نماید ، سست بگردان و در آن ، ما را به اختیار خودمان وا مگذار ؛ زیرا که نفس های ما ، اگر توفیق خود را یارشان نگردانی ، باطل را برمی گزینند و در صورتی که تو رحم نکنی ، به بدی فرمان می دهند .

عنه عليه السلام - في مُنَاجَاةِ العَارِفِينَ - : إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَوَشَّحَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ ... وَاسْتَقَرَّ بِإِدْرَاكِ السُّؤُولِ وَنَيْلِ المَأمُولِ قَرَارُهُمْ ، وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ .

امام زين العابدين عليه السلام - در مناجاة العارفين - : معبود من! ما را از کسانی قرار بده که باغ های سینه های آنان، کمر بند مرصع نشان شوق به تو را بر کمر بسته اند ... و نهاد آنان با رسیدن به خواسته شان و نیل به آرزویشان آرام گرفته است و با فروختن دنیا به آخرت ، تجارتی سودآور کرده اند .

عنه عليه السلام - من دُعَائِهِ فِي وَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ - : وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ ، تُرِيدُ رِبْحَهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ وَفَوْزَهُمْ بِالْوِفَادَةِ عَلَيْكَ وَالزِّيَادَةَ مِنْكَ فَقُلْتَ

تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَيْتَ : مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا . « ، وَقُلْتَ » : مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَن يَشَاءُ . « ، وَقُلْتَ » : مَن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً . « ، وَمَا أَنْزَلْتَ مِنَ نَظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ مِن تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ .

امام زین العابدین علیه السلام - از دعای ایشان در وداع با ماه رمضان - : و تو کسی هستی که در معامله با بندگان ، همواره به سود آنان ، بر بها می افزایی و می خواهی که در سودای با تو ، آنان سود برند و کامیاب و با دست پُر از جانب تو ، به پیشگاهت درآیند . پس ، تو - که خجسته نام و بلندمرتبه ای - فرمودی : « هر کس کار نیکی بیاورد ، ده برابر به او پاداش داده می شود و هر که بدی بیاورد ، تنها همانند آن کیفر می بیند » و نیز فرمودی : « مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالُ خُودِ رَا دَر رَاهِ خُودِ أَنْفَاقِ مِي كُنْدُ ، مَثَلُ دَانِه اِي اِسْتِ كِه هَفْتِ خُوشِه بَرَأُورِدِ وَ دَر هَر خُوشِه اِي ، صَد دَانِه بَاشِد . خُودِ پَادَاشِ هَر كَسِ رَا كِه بَخُوَاهِد ، چَند بَرَابَر مِي كُنْد » و نیز فرمودی : « کیست که به خدا قرض الحسنه بدهد تا خدا بر آن ، چند برابر بیشتر بیفزاید؟ » و امثال این آیات که در قرآن درباره چند برابر کردن حسنات ، فرو فرستاده ای .

الإمام زین العابدین علیه السلام : لَا تُعَادِيَنَّ أَحَدًا وَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّهُ لَا يَضُرُّكَ ، وَلَا تَزْهَدَنَّ فِي صَدَاقَةِ أَحَدٍ وَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُكَ ؛ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَتَى تَرْجُو صَدِيقَكَ ، وَلَا تَدْرِي مَتَى تَخَافُ عَدُوَّكَ . وَلَا يَعْذِرُ إِلَيْكَ أَحَدٌ إِلَّا قَبِلْتَ عُذْرَهُ وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ كَاذِبٌ .

امام سجاد علیه السلام : با هیچ کس دشمنی مکن ، گرچه گمان کنی به تو زیانی نمی رساند و نسبت به دوستی هیچ کس ، بی رغبتی نشان مده ، گرچه گمان کنی به تو سودی نمی رساند؛ زیرا تو نمی دانی که کی به دوستت نیازمندی و کی از دشمنت هراسان . هرگاه کسی از تو عذرخواهی کرد ، عذرش را بپذیر ، گرچه بدانی که دروغ می گوید .

الإمام زین العابدین علیه السلام : الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ ، وَيُنْمِي الرِّزْقَ ، وَيُنْسِي فِي الْأَجْلِ ، وَيُحِبُّ إِلَى الْأَهْلِ ، وَيُدْخِلُ الْجَنَّةَ .

امام سجاد علیه السلام : گفتار نیک ، دارایی را افزون می کند ، روزی را فراوان می سازد ، مرگ را به تأخیر می اندازد ، [انسان را] محبوب خانواده می کند و [او را] به بهشت ، وارد می سازد .

الإمام زین العابدین علیه السلام : اللَّهُمَّ اقْذِفْ فِي قُلُوبِ عِبَادِكَ مَحَبَّتِي . . . وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ ، أَحِبَّنِي وَحَبَّبْنِي ، وَحَبَّبْ إِلَيَّ مَا تُحِبُّ مِنَ الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ ؛ حَتَّى أَدْخُلَ فِيهِ بِلَدَّةٍ .

امام سجاد علیه السلام : بارالها ! دوستی مرا در دل‌های بندگانت بیفکن ... و مرا از غافلان قرار مده . دوستم بدار و محبوبم کن و هر گفتار و کرداری را که خود دوست داری ، محبوبم ساز ، تا با لذت بدان بپردازم .

عنه علیه السلام - عِنْدَمَا زَارَ قَبْرَ جَدِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - :اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ ، مَوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ .

امام سجاد علیه السلام - چون آرامگاه جدش امیر مؤمنان را زیارت کرد - :بارالها ! جانم را مطمئن و پذیرای سرنوشت ، خشنود به قضایت ، شیفته یاد و دعایت ، دوستدار دوستان برگزیده ات ، محبوب در زمین و آسمانت، و صبور به هنگام فرود آمدن بلایت ، قرار ده .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِيَّاكُمْ وَصُحْبَةَ الْعَاصِينَ ، وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِينَ ، وَ مُجَاوِرَةَ الْفَاسِقِينَ ، إِحْذَرُوا فِتْنَتَهُمْ ، وَ تَبَاعَدُوا مِنْ سَاحَتِهِمْ .

امام سجاد علیه السلام : از مصاحبت با معصیت کاران ، یاری ستمگران و همنشینی فاسقان ، بپرهیزید . از فتنه شان برحذر باشید و از عرصه شان دوری کنید .

الإمام زين العابدين عليه السلام : لَا يَقُولُ رَجُلٌ فِي رَجُلٍ مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَعْلَمُ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَقُولَ فِيهِ مِنَ الشَّرِّ مَا لَا يَعْلَمُ ، وَ لَا اصْطَحَبَ اثْنَانِ عَلَى غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَتَفَرَّقَا عَلَى غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ .

امام سجاد علیه السلام : کسی ندانسته درباره دیگری به نیکی سخنی نمی گوید ، مگر آن که نزدیک است ندانسته در باره همو به بدی سخن بگوید . هرگاه دو تن بر غیر طاعت خدا با یکدیگر دوستی کنند ، نزدیک است که بر غیر طاعت خدا از یکدیگر جدا شوند .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ الْمَلَائِكَةَ إِذَا سَمِعُوا الْمُؤْمِنَ يَدْعُو لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بَطَّحُوا أَوْ يَذْكُرُهُ بِخَيْرٍ قَالُوا : نِعَمَ الْأَخُ أَنْتَ لِأَخِيكَ ، تَدْعُو لَهُ بِالْخَيْرِ وَهُوَ غَائِبٌ عَنْكَ ، وَتَذْكُرُهُ بِخَيْرٍ ، قَدْ أَعْطَاكَ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ مِثْلِي مَا سَأَلْتَ لَهُ ، وَأَتَى عَلَيْكَ مِثْلِي مَا أَتَيْتَ عَلَيْهِ ، وَلَكَ الْفَضْلُ عَلَيْهِ . وَإِذَا سَمِعُوهُ يَذْكُرُ أَخَاهُ بِسَوْءٍ وَيَدْعُو عَلَيْهِ قَالُوا لَهُ : بئسَ الْأَخُ أَنْتَ لِأَخِيكَ ، كُفَّ أَيْهَا الْمَسْتَرُّ عَلَى ذُنُوبِهِ وَعَوْرَتِهِ ، وَارْبَعٌ عَلَى نَفْسِكَ ، وَاحْمَدِ اللَّهَ الَّذِي سَتَرَ عَلَيْكَ ، وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَّمَ بِعَبْدِهِ مِنْكَ .

امام سجاد علیه السلام : هرگاه ملائکه بشنوند که مؤمنی در غیاب برادر مؤمنش برای او دعا می نماید و یا به نیکی از او یاد می کند ، می گویند : «تو برای برادرت ، نیک برادری

هستی . در حالی که غایب است ، برایش دعا می نمایی و از او به نیکی یاد می کنی .
خداوند عز و جل ، به تو دو برابر آنچه را برای او درخواست کرده ای ، عطا کرد و دو برابر آنچه او را ستوده ای ، تو را ستود و تو را بر او برتری است» .

اما هرگاه بشنوند که مؤمنی از برادرش به بدی یاد می کند و یا او را نفرین می نماید ، به او می گویند : «تو برای برادرت ، بد برادری هستی . ای آن که گناهانش و زشتی اش را پوشانده اند ! باز ایست و به خودت رحم کن و خدا را که [گناهانت را] برایت پوشانده است ، سپاس گوی و بدان که خداوند عز و جل ، از تو به بنده اش آگاه تر است» .

الإمام زين العابدين عليه السلام : أَمَا حَقُّ الْخَلِيطِ فَإِنَّ لَا تَغْرَهُ ، وَلَا تَغْشَهُ ، وَلَا تُكْذِبُهُ ، وَلَا تُغْفَلُهُ ، وَلَا تَخْدَعُهُ ، وَلَا تَعْمَلْ فِي انْتِقَاضِهِ عَمَلَ الْعَدُوِّ الَّذِي لَا يَبْقَى عَلَى صَاحِبِهِ ، وَإِنْ أَطْمَأَنَّ إِلَيْكَ اسْتَقْصَيْتَ لَهُ عَلَى نَفْسِكَ ، وَعَلِمْتَ أَنَّ غَيْبَ الْمُسْتَرْسِلِ رَبًّا .

امام سجاد علیه السلام : اما حق دوست آمیزگار ، آن است که او را فریفته اش نکنی ، به او نیرنگ نزنی ، او را تکذیب نکنی ، او را غافل نسازی ، او را نفریبی و همچون دشمن که بر ضد رقیب خود می کوشد ، بر ضدش نکوشی و اگر به تو اعتماد کرد ، هرچه می توانی برایش انجام دهی و بدانی که فریفتن آن که به شخص اعتماد کرده است ، [گناهش مانند] ربا خواری است .

عنه عليه السلام : أَمَا حَقُّ الصَّاحِبِ فَإِنَّ تَصَحُّبَهُ بِالْفَضْلِ مَا وَجَدْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ، وَإِلَّا فَلَا أَقْلَ مِنَ الْإِنصَافِ . وَأَنْ تُكْرِمَهُ كَمَا يُكْرِمُكَ ، وَتَحْفَظُهُ كَمَا يَحْفَظُكَ . وَلَا يَسْبِقُكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ إِلَى مَكْرَمَةٍ ، فَإِنْ سَبَقَكَ كَفَاتَهُ . وَلَا تُقْصِرَ بِهِ عَمَّا يَسْتَحِقُّ مِنَ الْمَوَدَّةِ . تُلْزِمُ نَفْسَكَ نَصِيحَتَهُ ، وَحَيَاظَتَهُ ، وَمُعَاضَدَتَهُ عَلَى طَاعَةِ رَبِّهِ ، وَمَعُونَتِهِ عَلَى نَفْسِهِ فِيمَا لَا يَهُمُّ بِهِ مِنْ مَعْصِيَةِ رَبِّهِ . ثُمَّ تَكُونُ (عَلَيْهِ) رَحْمَةً ، وَلَا تَكُونُ عَلَيْهِ عَذَابًا .

امام سجاد علیه السلام : اما حق هم صحبت ، آن است که هرچه می توانی به او خوبی کنی ، وگرنه ، دست کم ، انصاف را مراعات کنی و همان گونه که تو را گرامی می دارد ، گرامی اش بداری و آن گونه که تو را حفظ می کند ، حفظش کنی، و در هیچ گرمی بر تو پیش دستی نکند و اگر چنین کرد ، آن را جبران کنی و در برآوردن حق دوستی او کوتاهی نکنی . بر خود ، لازم بدانی که نیکخواه و حامی و پشتیبان او در فرمانبری پروردگارش باشی و او را در آنچه به نافرمانی پروردگارش نمی انجامد ، یاری دهی و برای او مایه رحمت باشی ، نه مایه رنج .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في مُنَاجَاتِهِ - : سَيِّدِي ، أَنْتَ أَنْقَذْتَ أَوْلِيَائَكَ مِنْ حَيْرَةِ الشُّكُوكِ ، وَأَوْصَلْتَ إِلَى نُفُوسِهِمْ حَبْرَةَ الْمُلُوكِ ... وَعَقَدْتَ عَزَائِمَهُمْ بِحَبْلِ مَحَبَّتِكَ .

امام سجّاد علیه السلام : سرورم! تو دوستانت را از حیرت شك ها رهایی بخشیدی و به جان هایشان شادمانی پادشاهان را رساندی ... و اراده شان را با رشته دوستی خودت استوار کردی .

عنه عليه السلام - في الدعاء - : إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِمَنْ حَمَلْتَهُ مِنْ نِعْمِكَ مَا حَمَلْتَنَا أَنْ يَغْفَلَ عَن شُكْرِكَ ، وَأَنْ يَتَشَاغَلَ بِشَيْءٍ غَيْرِكَ ، يَا مَنْ هُوَ عَوْضٌ عَن كُلِّ شَيْءٍ وَلَيْسَ مِنْهُ عِوَضٌ .

امام سجّاد علیه السلام - در دعا - : به راستی برای آن کس که از نعمت هایی که به ما دادی به وی [نیز] عنایت کرده ای ، سزاوار نیست که از سپاسگزاری ات غفلت ورزد ، و به کسی جز تو مشغول گردد . ای کسی که جایگزین همه چیزی ، و چیزی جایگزین تو نیست !

الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعَائِهِ - : إلهي وسَيِّدي ، هَدَأْتَ الْعُيُونَ ، وَغَارَتِ النُّجُومُ ، وَسَكَنتِ الْحَرَكَاتُ مِنَ الطَّيْرِ فِي الْوُكُورِ وَالْحَيْتَانِ فِي الْبُحُورِ ، وَأَنْتَ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ ، وَالْقِسْطُ الَّذِي لَا تَمِيلُ ، وَالِدَائِمُ الَّذِي لَا يَزُولُ ، أَغْلَقْتَ الْمُلُوكَ أَبْوَابَهَا ، وَدَارَتِ عَلَيْهَا حُرَّاسُهَا ، وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ لِمَنْ دَعَاكَ يَا سَيِّدِي ، وَخَلَا كُلُّ حَبِيبٍ بِحَبِيبِهِ ، وَأَنْتَ الْمَحْبُوبُ إِلَيَّ .

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - : بارالها ! سرورا ! چشم ها آرام گرفت ، ستاره ها فرو رفت ، جنبش پرندگان در آشیانه ها و ماهی ها در دریاها آرام گرفت ، و تو دادگری هستی که ستم نمی کند و عدلی هستی که [از حق ،] منحرف نمی شود و پایداری هستی که زائل نمی شود . پادشاهان ، درهای خود را بسته اند و نگهبانان ، برگرد آنها در گردش اند ؛ اما در [رحمت] تو - ای سرورم ! - برای آن که بخواند ، گشوده است . هر دوستی ، با محبوبش خلوت کرده است و تو محبوب منی !

عنه عليه السلام - أيضا - : إلهي، لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ ، وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ . . مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ ، وَلَا صَرَفْتُ وَجْهَ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنكَ ، وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي .

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - : بارالها ! اگر مرا به زنجیر کشی و عطای خود را در میان شاهدان از من بازداری ، ... امیدم را از تو نخواهم بُرید و چهره ام را که به گذشتت امیدوار است ، از تو نخواهم گرداند و محبتت از قلبم بیرون نخواهد رفت .

عنه عليه السلام - في زيارة أمين الله - : اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَةِ ، وَسُئِلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةً .

امام سجّاد علیه السلام - در زیارت امین الله - : بارالها ! دل های خاشعان ، شیفته توست و راه ها برای راغبان به تو ، هموار است .

عنه عليه السلام - في مُنَاجَاتِهِ - : سَيِّدِي ، أَنْتَ دَلِيلُ مَنْ انْقَطَعَ دَلِيلُهُ ، وَأَمَلُ مَنْ امْتَنَعَ تَأْمِيلُهُ ، فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي حَالَتْ بَيْنَ دُعَائِي وَإِجَابَتِكَ فَلَمْ يَحُلْ كَرَمُكَ بَيْنِي وَبَيْنَ مَغْفِرَتِكَ ، وَإِنَّكَ لَا تُضِلُّ مَنْ هَدَيْتَ ، وَلَا تُذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ ، وَلَا يَفْتَقِرُ مَنْ أُغْنَيْتَ ، وَلَا يَسْعُدُ مَنْ أَشْقَيْتَ ، وَعِزَّتِكَ لَقَدْ أَحْبَبْتُكَ مَحَبَّةً اسْتَقَرَّتْ فِي قَلْبِي حَلَاوَتُهَا ، وَأَنْسَتَ نَفْسِي بِبِشَارَتِهَا ، وَمُحَالٌ فِي عَدَلِ أَقْضِيَّتِكَ أَنْ تَسُدَّ أَسْبَابَ رَحْمَتِكَ عَن مُعْتَقِدِي مَحَبَّتِكَ .

امام سجّاد علیه السلام - در نیایشش - : سرورا ! تو راهنمای کسی هستی که بی راهنما شده و امید کسی هستی که امیدش ناامید گشته است . پس اگر گناهانم میان دعایم و اجابت تو حایل شده است ، کرم تو میان من و بخششت حایل نشده است . تو آن را که هدایت کرده ای ، گمراه نمی سازی و آن را که با او دوستی کرده ای ، خوار نمی کنی . آن که بی نیازش ساخته ای ، درویش نمی شود و آن که شوربختش کرده ای ، نیک بخت نمی شود . سوگند به عزّت که چنان دوستت می دارم که شیرینی آن ، در قلبم جایگیر شده و جانم به مزده آن ، انس گرفته است . از داوری های عادلانه تو محال است که اسباب رحمت خویش را بر گره زندگان رشته محبت خودت ببندی .

عنه عليه السلام - في دُعَائِهِ - : إِلَهِي وَسَيِّدِي ، وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَنْيِنِ طَالِبَتْنِي بِذُنُوبِي "لَا طَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ ، وَلَنْيِنِ طَالِبَتْنِي بِلُؤْمِي لَا طَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ ، وَلَنْيِنِ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لَا أُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ" .

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - : ای اله و سرورم ! به عزّت و جلالت سوگند ، اگر مرا با گناهانم بازخواست کنی ، تو را به بخششت بازخواست خواهم کرد و اگر مرا به پستی ام بازخواست کنی ، تو را به کرامتت بازخواست خواهم کرد و اگر مرا به دوزخ درآوری ، دوزخیان را از دوستی ام نسبت به تو با خبر خواهم ساخت .

الإمام زين العابدين عليه السلام : أَوْحَى اللَّهُ عَزُّ وَجَلُّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَبِّبْنِي إِلَى خَلْقِي ، وَحَبِّبِ الْخَلْقَ إِلَيَّ .

قال : يَا رَبِّ كَيْفَ أَفْعَلُ ؟

قال : ذَكَّرْهُمْ آلَائِي وَنِعْمَائِي لِيُحِبُّونِي ، فَلَنْ تَرُدَّ أَبْقَا عَنْ بَابِي أَوْ ضَالًّا عَن فِنَائِي أَفْضَلُ لَكَ مِنْ عِبَادَةِ مِائَةِ سَنَةٍ بِصِيَامِ نَهَارِهَا وَقِيَامِ لَيْلِهَا .

امام سجّاد علیه السلام : خداوند عز و جل به موسی علیه السلام وحی کرد : «مرا محبوب خلقم گردان و خلقم را محبوب من گردان» .

موسی علیه السلام گفت : پروردگارا ! چگونه این کار را انجام دهم ؟
فرمود : «نعمت ها و عطاهاى مرا به آنان یادآورى کن ، تا مرا دوست بدارند ، که اگر شخص گریزان از درگاهم و یا گم شده از آستانم را بازگردانى و هدایت نمایی ، از عبادت صد ساله ای که روزهایش را روزه دار و شب هایش را شب زنده دار باشی ، برایت برتر است» .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعَاءِ يَوْمِ عَرَفَةَ - :يا أَمَلِي ، يا رَجَائِي ، يا خَيْرَ مُسْتَعَاثٍ ، يا أَجْوَدَ الْمُعْطِينَ ، يا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ ، يا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَجَائِي وَثِقَتِي وَمُعْتَمَدِي ، ويا نُحْرِي وَظَهْرِي وَعُدَّتِي وَغَايَةَ أَمَلِي وَرَغْبَتِي .

امام سجّاد عليه السلام - در دعای روز عرفه - :ای آرزویم ! ای امیدم ! ای بهترین فریادرس ! ای بخشنده ترین بخشندگان ! ای آن که رحمتش بر غضبش پیشی گرفته است ! ای سرورم ، مولایم ، امیدم ، تکیه گاهم و مایه اطمینانم ! ای پشتوانه و پشتیبان و ساز و برگ و نهایت آرزو و خواسته ام !

عنه عليه السلام - في مُنَاجَاتِهِ - :إلهي ... يا مُنْتَهَى أَمَلِ الْآمِلِينَ ، ويا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ ، ويا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ ، ويا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ ... لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي ، وَإِلَيْكَ تَضَرُّعِي وَابْتِهَالِي .

امام سجّاد عليه السلام : بارالها ! . . . ای نهایت آرزوی آرزومندان ! ای نهایت درخواستِ درخواست کنندگان ! ای غایت خواسته خواستاران ! ای والاترین امید امیدواران ... ! فروتنی ام برای تو و درخواستم از توست و مویه و زاری ام به سوی توست .

عنه عليه السلام :

أُحْرِقُنِي بِالنَّارِ يا غَايَةَ الْمُنَى؟!فَأَيْنَ رَجَائِي! ثُمَّ أَيْنَ مَحَبَّتِي! !

امام سجّاد عليه السلام : ای منتهای آرزو ! آیا مرا به آتش می سوزانی ؟ / پس امیدم چه می شود ؟ پس آن گاه ، دوستی ام چه می شود ؟

الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ فِي التَّحْمِيدِ لِلَّهِ عِزِّ وَجَلِّ - :إِبْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا ، وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا ، ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ .

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش در ستایش خدای عز و جل - :خلق را با قدرت خود ، بی هیچ سابقه ای بیافرید و آنان را بر طبق مشیت خود ، صورت داد . سپس آنان را در راه اراده اش پیش برد و در راه دوستی اش برانگیخت .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في مُنَاجَاتِهِ - :يا مَنْ أَنَسَ العارفينَ بِطولِ مُنَاجَاتِهِ ، وَأَلْبَسَ الخائِفينَ ثوبَ مُوالِاتِهِ .

امام سجّاد علیه السلام : ای آن که عارفان را با رازگویی بلند خویش ، مانوس ساخت و بر خائفان ، لباس دوستی خود پوشاند !

الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعائِهِ - :اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَنَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الغَفْلَةِ ، وَاسْتَعْمِنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ المُهْلَةِ ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً ، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

امام سجّاد علیه السلام : بارالها ! بر محمد و آل محمد ، درود فرست و به هنگام غفلت ، مرا با یاد خود ، هشیار ساز . به روزگار مهلت ، مرا در راه طاعت خود به کار گیر و راه آسانی به سوی دوستی ات برابم بگشا که با آن ، خیر دنیا و آخرت را بر من کامل گردانی .

الإمام زين العابدين عليه السلام - أيضا - :اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ ، وَاشغَلْهُ بِذِكْرِكَ .

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - :بارالها ! بر محمد و آل محمد درود بفرست و قلبم را برای محبتت پرداز ؛ و آن را به یاد خود مشغول بدار .

عنه عليه السلام - أيضا - :اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ ، أَوْ زَالَ عَن مَحَبَّتِكَ ؛ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي ، وَلَحَظَاتِ عَيْنِي ، وَحِكَايَاتِ لِسَانِي .

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - :بارالها ! من از هرچه با اراده تو مخالفت دارد و یا از محبت تو به دور است ، به سویت توبه می کنم ؛ از آنچه در دلم می گذرد ، و از نگاه های چشمم و از گفته های زبانم .

عنه عليه السلام - في مُنَاجَاتِهِ - :اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ جَدَّوْا فِي قَصْدِكَ فَلَمْ يَنْكَلُوا ، وَ سَلَكُوا الطَّرِيقَ إِلَيْكَ فَلَمْ يَعْذِلُوا ، وَاعْتَمَدُوا عَلَيْكَ فِي الْوُصُولِ حَتَّى وَصَلُوا ، فَرَوَيْتَ قُلُوبَهُمْ مِنْ مَحَبَّتِكَ ، وَأَنْسَتَ نُفُوسَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ .

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - :بارالها ! مرا از کسانی قرار ده که برای دیدنت جدّیت به خرج دادند و باز نماندند و راه تو را پیمودند و از آن ، منحرف نشدند و برای رسیدن ، به تو اعتماد کردند ، تا آن که رسیدند . پس دل هایشان را از محبّت خود ، سیراب ساختی و جان هایشان را به معرفت خویش ، مانوس کردی .

عنه عليه السلام - في دُعائه - :اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاحْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا ، وَمِنْ خَلْفِنَا ، وَعَنْ أَيْمَانِنَا ، وَعَنْ شَمَائِلِنَا ، وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا ، حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ ، هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ ، مُسْتَعْمِلًا لِمَحَبَّتِكَ .

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - :بارالها ! بر محمد و آل محمد، درود بفرست و ما را از پیش و پس ، چپ و راست و از همه سویمان حفظ کن ؛ حفظ کردنی که از معصیت بازدارد، به سوی طاعتت هدایت کند و دوستی ات را به کار گیرد .

عنه عليه السلام - أيضا - :اللَّهُمَّ . . . وَاعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ .

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - :بارالها ! ... دیده دل هایمان را از آنچه مخالف دوستی توست ، کور گردان .

عنه عليه السلام - أيضا - :اللَّهُمَّ . . . لَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ ، وَلَا الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ ، وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ .

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - :بارالها ! ... مرا به کاهلی در عبادتت ، کوری از راهت و بیرون شدن از طریق محبّتت ، مبتلا مکن .

عنه عليه السلام - مُنَاجَاتِهِ - :إِلٰهِي ، فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَوَشَّحَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ ، وَأَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ ، فَهَمُّ إِلَى أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَاوُونَ ، وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ يِرْتَعُونَ ، وَمِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَاسِ الْمَلَاظَفَةِ يَكْرَعُونَ ، وَشَرَائِعِ الْمُصَافَاةِ يَرِدُونَ .

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - :بارالها ! ما را از کسانی قرار ده که درختان شوق به تو در بوستان سینه هایشان آراسته شد و آتش محبّتت، دل هایشان را بی قرار ساخت . پس آنان در آشیانه های اندیشه ها جای گرفته اند و در باغ های قرب و مکاشفه می خرامند و از حوض های محبّت ، با جام های ملاطفت می نوشند و به سرچشمه های صفا و یک رنگی وارد می شوند .

عنه عليه السلام - في دُعائه - : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا ، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِشَوْقِ إِلَيْكَ ، وَبِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ .

امام سجاد عليه السلام - در دعایش - : بارالها ! بر محمد و آل محمد ، درود بفرست و مرا همنشین آنان قرار ده و یاور آنان ساز و با شوق به سویت و توفیق انجام دادن آن عملی که دوست می داری و خشنود می شوی ، بر من منت بگذار ، که تو بر هر چیزی توانایی و این کار ، بر تو آسان است .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعائه - : قَد قُلْتِ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَتُحِبُّ التَّوَّابِينَ ، فَأَقْبِلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتِ ، وَاعْفُ عَنِ سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمَنْتِ ، وَأَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتِ .

امام سجاد عليه السلام - در دعا - : بارالها ! در کتاب استوارت فرمودی که توبه را از بندگانت می پذیری و از گناهان درمی گذری و توبه کاران را دوست می داری . پس همان گونه که وعده داده ای ، توبه ام را بپذیر و همان گونه که تضمین کرده ای ، از گناهانم درگذر و همان گونه که شرط کرده ای ، دوستی ات را بر من مقرر دار .

عنه عليه السلام - أيضا - : أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ يَا إِلَهِي . . . فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْ نِدَامَتِي عَلَى مَا وَقَعْتُ فِيهِ مِنَ الزَّلَّاتِ وَعَزْمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْرِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تَوْجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ ، يَا مُحِبَّ التَّوَّابِينَ .

امام سجاد عليه السلام - در دعا - : بارالها ! از تو پوزش می خواهم پس بر محمد و آل محمد ، درود فرست و پشیمانی ام را از لغزش هایی که دچار آن شدم و عزم را بر وا گذاشتن گناهانی که با آنها رویاروی می شوم ، توبه ای قرار ده که محبتت را برابم در پی بیاورد ، ای دوستدار توبه کاران !

عنه عليه السلام - أيضا - : اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ... وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ أَوْجِبَتْ لَهُمْ مَحَبَّتَكَ ، وَقَبِلَتْ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةَ طَاعَتِكَ ، يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ .

امام سجاد عليه السلام - در دعا - : بارالها ! ترس از کیفر موعود را روزی ما گردان ... و ما را نزد خود ، از توبه کارانی قرار ده که محبتت را بر آنان مقرر داشتی و بازگشتشان را به فرمانبری ات پذیرفتی ، ای عادل ترین عادلان !

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ أَحَبَّ عِبِيدِي إِلَيَّ التَّقِيُّ الطَّالِبُ لِلثَّوَابِ الْجَزِيلِ ، اللَّازِمُ لِلْعُلَمَاءِ ، التَّابِعُ لِلْحُلَمَاءِ ، الْقَابِلُ عَنِ الْحُكَمَاءِ .

امام سجاد علیه السلام : محبوب ترین بندگاتم نزد من ، شخص پرهیزگارِ جوینده پاداشِ بسیار ، ملازمِ عالمان ، پیرو بردباران و پذیرنده از حکیمان است .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعَائِهِ فِي الإِعْتِرَافِ - : أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا . .
تَوْبَةً . . . عَالِمٌ بِأَنَّ العَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ العَظِيمِ لَا يَتَعَاطَمُكَ . . . وَأَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ
الإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ ، وَجَانِبَ الإِصْرَارِ ، وَلَزِمَ الإِسْتِغْفَارَ .

امام سجاد علیه السلام - ضمن نیایش در اعتراف به قصور و تقصیر - : در این جایگاهم به سویت توبه می کنم ؛ توبه کسی که می داند گذشت از گناه بزرگ ، بر تو دشوار و بزرگ نمی نماید ... و این که محبوب ترین بندگانت نزدت ، کسی است که گردنِ فرازی در برابر تو را واگذارد و پافشاری [بر گناه] را رها کند و پایبند استغفار گردد .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعَائِهِ - : وَانزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَا ؛ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ ، وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الوَسِيلَةِ إِلَيْكَ ، وَتُذْهِلُّ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ .

امام سجاد علیه السلام - در دعایش - : دوستی دنیای پست را از قلبم برکن که از آنچه نزد توست ، باز می دارد و مانع طلب وسیله برای رسیدن به تو می گردد و نزدیک شدن به تو را از یاد می برد .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ دَانِيَالَ : إِنَّ أَمَقَّتْ عَيْدِي إِلَى الجَاهِلِ المُسْتَخِفِّ بِحَقِّ أَهْلِ العِلْمِ ، التَّارِكِ لِلإِقْتِدَاءِ بِهِمْ .

امام سجاد علیه السلام : خداوند متعال به دانیال علیه السلام وحی کرد : «دشمن ترین بندگاتم در نزد من ، نادانی است که حق عالمان را سبک می شمارد و از پیروی آنان ، تن می زند» .

عنه عليه السلام : أَلَا وَإِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يَقْتَدِي بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَلَا يَقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ .

امام سجاد علیه السلام : هان ! دشمن ترین مردم در نزد خدا ، کسی است که سنت امامی را سرمشق خود قرار می دهد ، اما کردارش را سرمشق خود قرار نمی دهد .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في سُجُودِهِ - : اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الأَشْيَاءِ إِلَيْكَ ؛ وَهُوَ الإِيمَانُ بِكَ ، مِمَّا مِنْكَ عَلَيَّ ، لَا مِمَّا مِنِّي عَلَيْكَ . وَتَرَكَتُ

مَعْصِيَتِكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ ؛ وَهُوَ أَنْ أَدْعُو لَكَ وَوَلَدًا أَوْ أَدْعُو لَكَ شَرِيكًا ، مَنَّا مِنْكَ عَلَيَّ ، لَا مَنَّا مِنِّي عَلَيْكَ .

امام سجاد علیه السلام - در سجده اش - :بارالها ! اگر تو را گاهی نافرمانی کردم ، در مورد محبوب ترین چیزها در نزدت - یعنی ایمان به تو - ، از تو فرمان بردم ، و تو را بدین سبب بر من منت است و مرا بر تو منتی نیست ؛ و در مورد منفورترین چیزها در نزدت - یعنی این که برایت فرزندی یا شریکی قرار دهم و بخوانم - ،(مرتکب این گناهان نشدم و) نافرمانی تو را نکردم ؛ و تو را بدین سبب بر من منتی است و مرا بر تو منتی نیست .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في مُنَاجَاةِ الذَّاكِرِينَ - :إِلَهِي . . . أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ ، وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ أُنْسِكَ ، وَمِنْ كُلِّ سُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ .

امام سجاد علیه السلام - در «مناجاةُ الذاکرین» - :بارالها ! ... از هر لذتی جز یاد تو ، از هر آسایشی جز همدمی تو ، از هر شادمانی ای جز نزدیکی به تو ، و از هر کاری جز فرمانبری ات، به درگاه تو آمرزش می خواهم .

عنه عليه السلام - في مُنَاجَاةِهِ - :يَا مَنْ أَنَسَ الْعَارِفِينَ بِطَوْلِ مُنَاجَاةِهِ ، وَالْبَسَ الْخَائِفِينَ ثَوْبَ مُوَالَاةِهِ .

امام سجاد علیه السلام - در نیایشش - :ای آن که با رازگویی طولانی اش ، همدم عارفان گشت و لباس دوستی اش را بر تن ترسیدگان پوشاند !

عنه عليه السلام - في دُعَايِهِ - :اللَّهُمَّ . . . أَلْبَسَ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ ، وَهَبْ لِي الْإِنْسَانَ بِكَ وَبِأَوْلِيَانِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ .

امام سجاد علیه السلام - در دعایش - :بارالها ! ... قلبم را از وحشت آفریدگان بدت بپوشان و انس به خود و دوستان و فرمانبرانت را به من ببخش .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في مُنَاجَاةِ الْعَارِفِينَ - :إِلَهِي ، فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَوَشَّحَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ ، وَأَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ . . . وَقَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ .

امام سجاد علیه السلام - در «مناجاةُ العارفین» - :بارالها ! ما را از کسانی قرار ده که درختان شوق تو در باغ سینه هاشان، شاخه گسترده و آتش محبتت ، دل هایشان را فرا گرفته است ... و چشمانشان با نگریستن به تو روشن گشته است .

عنه عليه السلام - في مُنَاجَاةِ الْمُحِبِّينَ - :إلهي ، مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا ! وَمَنْ ذَا الَّذِي أُنِسَ بِقُرْبِكَ فَابْتَغَى عَنْكَ حَوْلًا ! إلهي ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنِ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوِلَايَتِكَ ، وَأَخْلَصْتَهُ لُودِكَ وَمَحَبَّتِكَ ، وَشَوَّقْتَهُ إِلَى لِقَائِكَ ، وَرَضَيْتَهُ بِقَضَائِكَ ، وَمَنْحْتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ ، وَحَبَوْتَهُ بِرِضَاكَ ، وَأَعَدْتَهُ مِنْ هَجْرِكَ وَقَلَاكَ ، وَبَوَّأْتَهُ مَقْعَدَ الصِّدْقِ فِي جِوَارِكَ ، وَخَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ ، وَأَهْلَيْتَهُ لِعِبَادَتِكَ ، وَهَيَّمْتَهُ لِإِعْرَادَتِكَ ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ ، وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ ، وَفَرَّغْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ ، وَرَغَّبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ ، وَالْهَمَمْتَ ذِكْرَكَ ، وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ ، وَشَغَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ ، وَاخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاتِكَ ، وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ .

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَابَّهُمُ الْإِرْتِيَاخُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ ، وَدَهْرُهُمُ الزَّفْرَةُ وَالْأَيْنُنُ ، جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ ، وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ ، وَدُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ خَشْيَتِكَ ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ ، وَأَفْنِدْتُهُمْ مُنْخَلَعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ .

يا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّيهِ رَائِقَةٌ ، وَسُبُحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ ، يَا مَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ ، وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ ، أَسْأَلُكَ حُبَّكَ ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ ، وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَى قُرْبِكَ ، وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ ، وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاكَ قَائِدًا إِلَى رِضْوَانِكَ ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِدًا عَنِ عِصْيَانِكَ ، وَآمِنُنُ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ ، وَانْظُرْ بَعَيْنِ الْوَدِّ وَالْعَطْفِ إِلَيَّ ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْإِسْعَادِ وَالْحُظُوءَةِ عِنْدَكَ ، يَا مُجِيبُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

امام سجاد عليه السلام - در «مناجاة المحبين» - :بارالها ! چه کسی شیرینی محبت تو را چشید و پس از آن ، در پی جایگزینی برایت برآمد ؟ چه کسی به نزدیکی با تو انس گرفت و پس از آن ، خواستار جابه جایی از کنارت شد ؟ بارالها! ما را از کسانی قرار ده که برای نزدیکی و دوستی ات برگزیدی ، و برای محبت و دوستی ات خالصشان ساختی ، و به دیدارت مشتاقشان کردی ، و به قضایت خشنودشان نمودی ، و نگرستن به رخسارت را به آنان بخشیدی ، و خشنودی ات را به آنان عطا کردی ، و از دوری و هجرانت ایمنشان ساختی ، و در کنارت در جایگاهی راستین جایشان دادی ، و شناختت را ویژه ایشان ساختی ، و آنان را اهلیت عبادتت دادی و شیفته اراده ات کردی ، و برای مشاهده خودت برگزیدی و چهره ات را برایشان بی پرده ساختی و دلشان را به دوستی خودت پرداختی و آنان را خواستار آنچه نزدت هست ، نمودی ، و یادت را به آنان الهام نمودی ، و آنان را وادار به شکرگزاری ات کردی و به فرمانبری ات مشغولشان ساختی ، و آنان را از صالحان خلقت قرار دادی و آنان را برای رازگویی ات برگزیدی و هر آنچه آنان را از تو ببرد ، از آنان بریدی . بارالها ! ما را از کسانی قرار ده که عادتشان شادابی و شوق به تو باشد و روزگارشان

در سوز و گداز و ناله [از هجران تو] به سر شود . پیشانی هایشان برای عظمت تو به سجده درآمده ، چشمانشان در خدمت به تو شب ها بیدار مانده، اشک هایشان از هراس تو ریزان است، قلب هایشان به محبت پیوسته ، و دل هایشان از هیبت و شکوه تو برگزیده است .

ای آن که روشنی های قداستش برای چشمان دوستدارانش می درخشد و درخشش های رخسارش برای دل های شناسندگانش شوق آور است ! ای امید دل های مشتاقان و ای نهایت آرزوهای دوستداران ! دوستی تو را و دوستی آنان را که دوستت دارند و دوستی هر آن عملی را که مرا به نزدیکی تو می رساند ، از تو مسئلت می کنم . از تو می خواهم که خودت را نزد محبوب تر از هر آنچه جز توست ، قرار دهی و دوستی مرا نسبت به خودت ، راهبر به سوی خشنودی ات و شوق مرا به تو ، بازدارنده از نافرمانی ات قرار دهی . بر من منت بگذار تا به تو بنگرم ، و با نگاه دوستی و توجه به من بنگر و رخسارت را از من برمگردان و مرا از سعادت‌مندان و بهره مندان نزد خودت قرار بده ، ای اجابت کننده و ای مهربان ترین مهربانان !

الإمام زين العابدين عليه السلام - في الدعاء - : **وَأَنْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً ، أَكْمَلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .**

امام سجّاد علیه السلام - در دعا - : **و به سوی محبتت ، راهی آسان برایم بگشا که بدان ، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل گردانی .**

الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعَائِهِ - : **مَوْلَايَ وَ اِرْحَمْنِي فِي حَشْرِي وَ نَشْرِي ، وَ اجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مَوْقِفِي ، وَ فِي أَحْبَائِكَ مَصْدَرِي ، وَ فِي جِوَارِكِ مَسْكَنِي ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .**

امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - : **سرورم ! در روزی که مرا زنده می کنی و برای حساب حاضر می کنی ، بر من رحم کن و ایستادتم را در کنار دوستانت و بازگشتم را همراه دوستدارانت و مسکنم را در جوارت قرار ده ، ای پروردگارِ عالمیان !**

عنه عليه السلام - في المُنَاجَاةِ الْمُسَمَّاةِ بِالصُّغْرَى - : **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ . وَ اجْعَلْنَا بِخِدْمَتِكَ لِلْعِبَادِ وَ الْأَبْدَالِ فِي أَقْطَارِهَا طُلَابًا ، وَ لِلْخَاصَّةِ مِنْ أَصْفِيَائِكَ أَصْحَابًا ، وَ لِلْمُرِيدِينَ الْمُتَعَلِّقِينَ بِبَابِكَ أَحْبَابًا .**

امام سجّاد علیه السلام - در مناجات موسوم به «مناجات کوتاه» - : **بارالها ! بر محمد و آل محمد ، درود فرست و ما را در راه خدمتت ، جوینده عابدان و عارفان در سراسر**

زمین و یارانی برای اولیای خاص خودت و دوستانی برای خواستارانت که به در [رحمت
[تو درآویخته اند ، قرار ده .

الكافي عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام زين العابدين عليه السلام : إذا جمع الله عز و
جلالاً أولين والآخريين قام مُنادٍ فنادى يُسمعُ النَّاسَ ، فيقولُ : أينَ الْمُتَحَابِّونَ فِي اللَّهِ ؟ قالَ :
فَيَقُومُ عُتُقُ مِنَ النَّاسِ ، فيقالُ لَهُمْ : اذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ . قالَ : فَتَلْقَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ
فَيَقُولُونَ : إِلَى أَيْنَ ؟ فَيَقُولُونَ : إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ . قالَ : فَيَقُولُونَ : فَأَيُّ ضَرْبٍ أَنْتُمْ
مِنَ النَّاسِ ؟ فَيَقُولُونَ : نَحْنُ الْمُتَحَابِّونَ فِي اللَّهِ . قالَ : فَيَقُولُونَ : وَأَيُّ شَيْءٍ كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ
؟ قالوا : كُنَّا نَحِبُّ فِي اللَّهِ ، وَنُبْغِضُ فِي اللَّهِ . قالَ : فَيَقُولُونَ : نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ .

الكافي - به نقل از ابوحمزه ثمالی ، از امام سجاد علیه السلام - : چون خداوند ، اولین و
آخرین خلق را گرد آورد ، مُنادی ای برمی خیزد و در حالی که مردم را می شنواند ، می
گوید : «دوستانِ خدایی کجایند؟» .

گروهی از مردم برمی خیزند . به آنان گفته می شود : «بی حسابرسی به بهشت درآیید» .

فرشتگان ، آنان را می بینند و می پرسند : «کجا؟» .

پاسخ می دهند : بی حسابرسی به سوی بهشت [می رویم] .

از آنان می پرسند : «از کدام گروه مردمان هستید؟» .

پاسخ می دهند: ما دوستانِ خدایی هستیم .

پس می پرسند : «اعمالتان چه بود؟» .

پاسخ می دهند : در راه خدا دوست می داشتیم و در راه خدا دشمن می داشتیم .

فرشتگان می گویند : «چه نیک است پاداش عاملان [به خیر]!» .

الإمامُ زينُ العابدينَ عليه السلامُ : لا حَسَبَ لِقُرَشِيٍّ ولا عَرَبِيٍّ إِلا بِتَوَاضِعٍ ، ولا كَرَمٍ إِلا
بِتَقْوَى .

امام زين العابدين عليه السلام : هیچ افتخاری برای فرد قریشی و یا عرب نیست، مگر به
فروتنی و هیچ کرامتی نیست مگر به تقوا .

الإمامُ زينُ العابدينَ عليه السلامُ - لَمَّا سُئِلَ عَن جَمِيعِ شَرَايِعِ الدِّينِ - : قَوْلُ الْحَقِّ ، وَالْحُكْمُ
بِالْعَدْلِ ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ .

امام زين العابدين عليه السلام - در پاسخ به این سؤال که : چکیده شرایع دین چیست؟ -

فرمود : حق گویی، دآوری عادلانه، و وفای به عهد .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام - كان يقولُ - : ابن آدم، لا تزالُ بخيرٍ ما كان لك و اعظُ من نفسك ، وما كانتِ المُحاسبَةُ مِنْ هَمِّكَ ، وما كانَ الخَوْفُ لَكَ شِعْراً ، والحُزنُ لَكَ دِثاراً . ابن آدم ، إِنَّكَ مَيِّتٌ وَمَبْعُوثٌ وَمَوْقُوفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمَسْئُولٌ فَأَعِدَّ جَوَاباً .

امام زين العابدين عليه السلام - بارها - می فرمود: ای فرزند آدم! تا زمانی که واعظی درونی داری و به محاسبه نفس اهتمام می ورزی و ترس جامه زیرین تو باشد و اندوه بالاپوشت ، پیوسته در خیر و صلاح خواهی بود. ای فرزند آدم! تو می میری و برانگیخته می شوی؛ و نیز در برابر خداوند عز و جل نگر داشته می شوی و بازخواست می شوی؛ پس جوابی آماده کن .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : الِوَرَعُ نِظَامُ الْعِبَادَةِ ، فَإِذَا انْقَطَعَ ذَهَبَتِ الدِّيَانَةُ ؛ كما إذا انْقَطَعَ السِّلْكُ أَتْبَعَهُ النُّظَامُ .

امام زين العابدين عليه السلام : پارسایی، رشته عبادت است، اگر این رشته پاره شود دینداری از بین می رود، همچنان که اگر نخ [مهره و تسبیح و گردنبند و امثال آن] پاره گردد رشته از هم می پاشد .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام - في الدعاء - : أسألك من الشهادة أقسطها ، ومن العبادة أنشطها ... ومن الهمم أعلاها .

امام زين العابدين عليه السلام - در دعا - گفت: [بارخدیا!] از گواهی و شهادت، عادلانه ترین آن را از تو مسألت دارم و از عبادت ، با نشاط ترین آن را... و از همت ، عالیترین آن را .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : لا عملَ إلا بنية .

امام زين العابدين عليه السلام : عمل جز به نیت نیست .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ عِلَّةِ كَوْنِ الْمُتَهَجِّدِينَ بِاللَّيْلِ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْها - : لَأَنَّهْمُ خَلَوْا بِاللَّهِ فَكَسَاهُمُ اللَّهُ مِنْ نُورِهِ .

امام زين العابدين عليه السلام - در پاسخ به این سؤال که : چرا شب زنده داران نیکوروی ترین مردمان هستند؟ - فرمود : چون آنان با خدا خلوت کرده اند و خداوند از نور خود بر [قامت] آنان پوشانده است .

قرآن:

(أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ

بَخَارَجَ مِنْهَا كَذَلِكَ زَيْنٌ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . ()
(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا
تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ .)

«آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود، چون کسی است که گویی در تاریکی هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه کار کافران برایشان تزیین شده است.» .

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به وسیله آن راه سپرید و بر شما ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است.» .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي الدَّعَاءِ - : وَهَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ ،
وَأَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ ، وَأَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَالشُّبُهَاتِ .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعا - گفت : و مرانوری بخش تا با آن در میان مردم گام بردارم و به واسطه آن در تاریکی ها راه یابم و در پرتو آن از شک و شبهات به درآیم .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ الْإِنْفَاقَ عَلَى قَدْرِ الْإِقْتَارِ .

امام زین العابدین علیه السلام : از خصلت های مؤمن، انفاق کردن به اندازه تنگدستی است .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمُنَافِقُ يَنْهَى وَلَا يَنْتَهِي ، وَيَأْمُرُ بِمَا لَا يَأْتِي ، إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ اعْتَرَضَ ، وَإِذَا رَكَعَ رَبَضَ ، وَإِذَا سَجَدَ نَقَرَ ، وَإِذَا جَلَسَ شَعَرَ ، يُمَسِي وَهَمُّهُ الطَّعَامُ وَهُوَ مُفْطِرٌ ، وَيُصْبِحُ وَهَمُّهُ النَّوْمُ وَلَمْ يَسْهَرْ ، إِنْ حَدَّثَكَ كَذِبَكَ ، وَإِنْ وَعَدَكَ أَخْلَفَكَ ، وَإِنْ ائْتَمَّنْتَ خَانَكَ ، وَإِنْ خَالَفْتَهُ اغْتَابَكَ .

امام زین العابدین علیه السلام : منافق نهی می کند و خود نهی نمی پذیرد، به آنچه دستور می دهد خودش عمل نمی کند، چون به نماز ایستد به چپ و راست می نگردد، چون رکوع کند خود را به زمین اندازد، چون سجده کند [مانند پرندگان] منقار به زمین زند و چون بنشیند نیم خیز نشیند ، چون شب شود با اینکه روزه نداشته است همه اش به فکر خوردن غذاست و در روز با آنکه شب زنده داری نکرده است، هم و غمش خفتن است .
اگر سخنی (حدیثی) (به تو گوید، دروغ گوید و اگر به تو وعده ای دهد، خلف وعده کند و

اگر به او اعتماد کنی و امانتی سپاری به تو خیانت کند و اگر با او مخالفت کنی، پشت سرت بدگویی کند .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي الْمُنَاجَاةِ - :إِلَهِي ، إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً ، وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً ، وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً ، ... كَثِيرَةَ الْعِلَلِ ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ ، إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعَ ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمَنَّعَ ، مَيَّالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ ، مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ ، وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ .

امام زین العابدین علیه السلام - در مناجات - گفت: الهی، به تو شکایت می کنم از نفسی که همواره به بدی فرمان می دهد و به سوی گناه می شتابد و به معاصی تو آزمند است... پر عذر و بهانه است و آرزوی دراز دارد، اگر به او گزند رسد بی تاب می کند و اگر خیر و برکتی رسدش بخل می ورزد، شیفته بازی و سرگرمی است، آکنده از غفلت و بی خبری است، مرا به سوی گناه می شتاباند و در کار توبه، به من وعده امروز و فردا می دهد .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَثْرَةُ النَّصِيحِ يَدْعُو إِلَى التَّهْمَةِ .

امام زین العابدین علیه السلام : نصیحت زیاد باعث بدبینی و تهمت می شود .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي احْتِجَاجِهِ مَعَ قُرَشِيِّ يَصِفُ فِيهِ تَزْوِيجَ هَابِيلَ بِلُوزَا أُخْتِ قَابِيلَ ، وَتَزْوِيجَ قَابِيلَ بِأَقْلِيمَا أُخْتِ هَابِيلَ ، فَقَالَ لَهُ الْقُرَشِيُّ : فَأَوْلَادُهُمَا؟! - :نَعَمْ . فَقَالَ لَهُ الْقُرَشِيُّ : فَهَذَا فِعْلُ الْمَجُوسِ إِنَّمَا فَعَلُوا ذَلِكَ بَعْدَ التَّحْرِيمِ مِنَ اللَّهِ . ثُمَّ قَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : لَا تُنْكِرْ هَذَا إِنَّمَا هِيَ شَرَائِعُ جَرَتْ ... فَكَانَ ذَلِكَ شَرِيعَةً مِنْ شَرَائِعِهِمْ ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ التَّحْرِيمَ بَعْدَ ذَلِكَ .

امام زین العابدین علیه السلام : در بحث با شخصی قرشی که طی آن به نحوه ازدواج هابیل با بلوزا خواهر قابیل و ازدواج قابیل با اقلیما خواهر قابیل می پردازد و آن قرشی می گوید : پس ، فرزندان آن دو با هم ازدواج کردند؟ فرمود : آری . قرشی گفت : این کاری است که امروزه مجوسی ها می کنند! علی بن حسین علیهما السلام فرمود : مجوس این کار را بعد از تحریم خداوند انجام دادند . علی بن حسین علیه السلام سپس فرمود : منکر این مطلب مباش . این ها قوانین و شرایعی است که صورت گرفته است ... پس این یکی از شرایع و مقررات آن ها بود . اما بعدا خداوند آن را تحریم کرد .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اسْتِثْمَارُ الْمَالِ تَمَامُ الْمَرْوَةِ .

امام زین العابدین علیه السلام : بهره برداری از مال (به کار انداختن سرمایه) کمال مردانگی است .

الإمام زين العابدين عليه السلام - لَمَّا سُنِّلَ عَنِ الْمَوْتِ - : لِلْمُؤْمِنِ كَنْزِعُ ثِيَابٍ وَسِخَّةٌ قَمَلَةٌ ، وَفَكٌّ قُيُودٍ وَأَغْلَالٌ ثَقِيلَةٌ ، وَالِاسْتِبْدَالُ بِأَفْخَرِ الثِّيَابِ وَأَطْيَبِهَا رَوَائِحَ ، وَأَوْطَأَ الْمَرَاجِبِ ، وَأَنَسَ الْمَنَازِلِ ؛ وَلِلْكَافِرِ كَحْلَعُ ثِيَابٍ فَاخِرَةٍ ، وَالنَّقْلُ عَنِ مَنَازِلِ أُنَيْسَةٍ ، وَالِاسْتِبْدَالُ بِأَوْسَخِ الثِّيَابِ وَأُخْشِنَهَا ، وَأَوْحَشِ الْمَنَازِلِ ، وَأَعْظَمِ الْعَذَابِ .

امام زين العابدين عليه السلام - در پاسخ به این پرسش که مرگ چیست؟ - فرمود : برای مؤمن چون برکندن جامه هایی چرکین و شپشی از تن است و از هم گسستن کند و زنجیرهای گرانبار و جایگزین کردن فاخرترین و خوشبوترین جامه ها و راهوارترین مرکب ها و امن ترین منزل ها. و برای کافر به منزله برکندن جامه هایی فاخر از تن و منتقل شدن از منزل هایی امن و جایگزین کردن آنها به کثیف ترین و خشن ترین جامه ها و وحشتناک ترین منزل ها و بزرگترین عذاب است .

الإمام زين العابدين عليه السلام : الْمُؤْمِنُ يَصْمُتُ لِيَسْلَمَ ، وَيَنْطِقُ لِيَغْنَمَ... إِنْ زُكِّيَ خَافَ مِمَّا يَقُولُونَ ، وَيَسْتَغْفِرُ اللَّهُ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ ، لَا يَغْرُهُ قَوْلُ مَنْ جَهَلَهُ ، وَيَخَافُ إِحْصَاءَ مَا عَمِلَهُ .

امام زين العابدين عليه السلام : مؤمن خاموش می ماند، تا سالم ماند و سخن می گوید، تا سود برد... اگر به پاکی ستوده شود، از آنچه می گویند هراسان می شود و از آنچه که نمی دانند، از خداوند آمرزش می طلبد. سخن کسی که او را نمی شناسد [و می ستایدش] [فریبش نمی دهد و از برشمردن اعمالش [در آخرت] می ترسد .

الإمام زين العابدين عليه السلام : الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ ، وَيُنْمِي الرِّزْقَ ، وَيُنْسِي فِي الْأَجْلِ ، وَيُحَبِّبُ إِلَى الْأَهْلِ ، وَيُدْخِلُ الْجَنَّةَ .

امام زين العابدين عليه السلام : گفتار نيك، دارایی را زياد می کند و روزی را افزایش می دهد و اجل را به تأخير می اندازد و انسان را نزد خانواده محبوب می گرداند و [شخص را] به بهشت می برد .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ الْكَرِيمَ يَبْتَهِجُ بِفَضْلِهِ ، وَاللَّئِيمَ يَفْتَحِرُ بِمُلْكِهِ .

امام زين العابدين عليه السلام : انسان بزرگوار به بخشش خود می بالد، و انسان پست به دارایی خویش می نازد .

الإمام زين العابدين عليه السلام - كَانَ يَقُولُ لِوَلَدِهِ - : اتَّقُوا الْكَذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ ، فِي كُلِّ جِدٍّ وَهَزَلٍ ، فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ .

امام زین العابدین علیه السلام - خطاب به فرزندان خود - فرمود : از دروغ کوچک و بزرگش، جدی و شوخی اش بپرهیزید؛ زیرا انسان هر گاه در چیز کوچک دروغ بگوید، به گفتن دروغ بزرگ جری می شود .

الإمامُ زینُ العابدینِ علیه السلام : وَدِدْتُ وَاللَّهِ أَنِّي افْتَدَيْتُ حَصَلَتَيْنِ فِي الشَّيْعَةِ لَنَا بِبَعْضِ لَحْمِ سَاعِدِي : النَّزْقُ • وَقَلَّةُ الْكِتْمَانِ • .

امام زین العابدین علیه السلام : به خدا سوگند که حاضرم به جبران دو خصلت شیعیانمان مقداری از گوشت ساعد خود را فدیة دهم: شتابزدگی و کمی راز داری .

الإمامُ زینُ العابدینِ علیه السلام : قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا رَبِّ ، مَنْ أَهْلَكَ الَّذِينَ تَظَلُّهُمْ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ ؟ قَالَ : فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ : الطَّاهِرَةُ قُلُوبُهُمْ • .

امام زین العابدین علیه السلام : موسی بن عمران علیه السلام به خدا عرض کرد : پروردگارا! کیستند آن کسان تو که زیر سایه عرش تو هستند، در آن روزی که هیچ سایه ای جز سایه تو نیست؟ خداوند به او وحی فرمود : پاکدلان .

الإمامُ زینُ العابدینِ علیه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى « : وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ » - : لِأَنَّ مَنْ هَمَّ بِالْقَتْلِ فَعَرَفَ أَنَّهُ يُقْتَصُّ مِنْهُ فَكَفَّ لِذَلِكَ عَنِ الْقَتْلِ كَانَ حَيَاةً لِلَّذِي (كَانَ) هَمَّ بِقَتْلِهِ ، وَحَيَاةً لِهَذَا الْجَانِي الَّذِي أَرَادَ أَنْ يَقْتُلَ ، وَحَيَاةً لغيرِهِمَا مِنَ النَّاسِ إِذَا عَلِمُوا أَنَّ الْقِصَاصَ وَاجِبٌ لَا يَجْرَوْنَ عَلَى الْقَتْلِ مَخَافَةَ الْقِصَاصِ • .

امام زین العابدین علیه السلام - درباره آیه: «و برای شما در قصاص زندگی است» - فرمود : چون اگر کسی تصمیم بگیرد دیگری را بکشد و بداند که در این صورت قصاص می شود و بدین سبب از کشتن خودداری ورزد، هم موجب زنده ماندن کسی است که می خواسته است او را بکشد و هم موجب زنده ماندن این جنایتکاری است که قصد آدم کشی داشته است و هم مایه زنده ماندن دیگران؛ زیرا وقتی بدانند که قصاص واجب و لازم است از ترس قصاص جرأت آدم کشی به خود راه نمی دهند .

الإمامُ زینُ العابدینِ علیه السلام : إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنَ اللَّهِ أَوْسَعُكُمْ خُلُقًا • .

امام زین العابدین علیه السلام : نزدیکترین شما به خداوند، گشاده خوترین شماست .

الإمامُ زینُ العابدینِ علیه السلام : لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِي • .

امام زین العابدین علیه السلام : اگر همه مردم از شرق تا غرب عالم بمیرند، با وجود قرآن در کنار من، هرگز احساس وحشت و تنهایی نکنم .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ، ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ : أَيْنَ أَهْلُ الْفَضْلِ ؟ قَالَ : فَيَقُومُ عُقْبُ مِنَ النَّاسِ ، فَتَلْقَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ : وَمَا كَانَ فَضْلُكُمْ ؟ فَيَقُولُونَ : كُنَّا نَصِلُ مَنْ قَطَعَنَا ، وَنُعْطِي مَنْ حَرَمَنَا ، وَنَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنَا ، فَيَقَالُ لَهُمْ : صَدَقْتُمْ ، ادْخُلُوا الْجَنَّةَ .

امام زین العابدین علیه السلام : چون روز قیامت شود خداوند تبارک و تعالی همه مردم را، از اولین نفر تا آخرین نفر، در یک صحرا جمع کند، آن گاه آواز دهنده ای جار زند: کجایند اهل فضیلت؟ پس گروهی از مردم برخیزند. فرشتگان به استقبال آنان روند و گویند: فضل شما چه بوده است؟ گویند: ما با کسی که از ما می برید پیوند برقرار می کردیم و به آن که ما را محروم می کرد عطا می کردیم و از کسی که به ما ستم می کرد گذشت می کردیم. پس به آنان گفته شود: راست گفتید، وارد بهشت شوید .

عنه عليه السلام - أيضا - : وارزقني صحّة في عبادة ، وفراغا في زهادة .

امام زین العابدین علیه السلام - در همان دعا - گفت: تندرستی و صحتی که با عبادت گذرد و فراغتی که با پارسایی همراه باشد، روزیم فرما .

عنه عليه السلام - من دعائه في يوم عرفة - : وَأَذْفِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةٍ مِنْ سَعَتِكَ ، وَالْاجْتِهَادِ فِيمَا يُزْلِفُ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ ، وَأَتَحْفَنِي بِتُحْفَةٍ مِنْ تُحَفَاتِكَ ، وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً ، وَكَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ ، وَأَخْفِنِي مَقَامَكَ ، وَشَوْفَنِي لِقَاءَكَ .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعای روز عرفه - گفت : [خدایا!] به گشایشی از گشایشهایت مزه فراغت برای انجام آنچه تو دوست داری و کوشش در آنچه [مرا] به تو نزدیک می گرداند، به من بچشان و ارمغانی از ارمغانهایت سوی من بفرست و تجارتم را سودمند، و بازگشتم را بی زیان قرار ده ؛ و مرا از مقامت بترسان و مشتاق دیدارت گردان .

عنه عليه السلام - من دعائه في مكارم الأخلاق - : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْاهْتِمَامُ بِهِ ، وَاسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسَأَلُنِي عِدَا عَنْهُ ، وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعای مکارم الاخلاق - گفت : بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا از کاری که اهتمام بدان [از عبادت و بندگیت] باز می دارد، بی

نیاز گردان و مرا به کاری وا دار که فردا [قیامت] درباره آن از من بازخواست می کنی و روزهای مرا در راه آنچه برای آن آفریده شده ام، صرف نما .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي دَعَائِهِ - : وَاشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ ، وَالسِّنَّتْنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ ، وَجَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ ، فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ ، لِأَتَدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ ، وَلَا تَلْحَقْنَا فِيهِ سَاءَةٌ ، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَابُ السِّيَرَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا ، وَيَتَوَلَّى كُتَابَ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعا - گفت: دل‌های ما را با یاد خود از هر یادی و زبان‌هایمان را با سپاس خود از هر سپاسی و اندام‌هایمان را با طاعت خود از هر طاعت دیگر باز دار و اگر فراغت از کاری برای ما مقدر فرموده ای آن را فراغتی سالم قرار ده که در آن گناهی ما را نرسد و دلزدگی به ما روی نیاورد، تا فرشتگان نویسنده بدیها با نامه ای خالی از گناهان ما برگردند و نویسندگان نیکبها، شادمان از حسناتی که برای ما نگاشته اند مراجعت کنند .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ .

امام زین العابدین علیه السلام : هر کس به آنچه خداوند بر او فرض کرده است عمل کند، او از بهترین مردمان است .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَجَبًا لِلْمُتَكَبِّرِ الْفَخُورِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً ثُمَّ هُوَ عَدَا حَيْفَةً !

امام زین العابدین علیه السلام : شگفتا از متکبر فخر فروش که دیروز نطفه ای بود و فردا مرداری است !

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَقُّ السَّمْعِ تَنْزِيهُهُ عَنِ سَمَاعِ الْغَيْبَةِ، وَسَمَاعِ مَا لَا يَحِلُّ سَمَاعُهُ .

امام زین العابدین علیه السلام : حق گوش این است که آن را از شنیدن غیبت و شنیدن هر آنچه شنیدنش روا نیست، دور نگه داری .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَظْهَرَ الْيَأْسَ مِنَ النَّاسِ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ هُوَ الْغِنَى .

امام زین العابدین علیه السلام : چشم امید از مردم برکن؛ زیرا که این عین توانگری است .

الإمامُ زين العابدين عليه السلام : قال موسى بن عمران عليه السلام : يا ربّ ، مَنْ أَهْلَكَ الَّذِينَ تُظِلُّهُمْ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ ... : وَالَّذِينَ يَغْضَبُونَ لِمَحَارِمِيهَا اسْتَحَلَّتْ مِثْلَ النَّمْرِ إِذَا جُرِحَ • !

امام زين العابدين عليه السلام : موسى بن عمران عليه السلام به خداوند عرض كرد : پروردگارا! کیستند آن کسان تو که در آن روزی که هیچ سایه ای جز سایه تو نیست آنها در سایه عرش تو هستند؟ خداوند به او وحی فرمود : ... و کسانی که هرگاه حرامهای من حلال شمرده شوند، مانند پلنگ زخم خورده خشمناک می شوند !

الإمامُ زين العابدين عليه السلام : رَبِّ مَعْرُورٍ مَفْتُونٍ يُصْبِحُ لَاهِيًا ضاحِكًا يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ ، وَهُوَ لَا يَدْرِي لَعَلَّهُ قَدْ سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ سَخَطَةٌ يَصَلِي بِهَا نَارَ جَهَنَّمَ • .

امام زين العابدين عليه السلام : ای بسا شخص غافل فریفته ای که روز خود را به هوسرانی و خنده و خوردن و آشامیدن می گذرانند، بی خبر از آن که شاید خشمی از خداوند او را فرا گرفته باشد که بدان در آتش دوزخ افکنده شود .

قرآن:

(يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ • .)

«روزی که آن بانگ سهمناک را به حق می شنوند، آن روز روز بیرون شدن [از گورها] است» .

الإمامُ زين العابدين عليه السلام : أَشَدُّ سَاعَاتِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ : السَّاعَةُ الَّتِي يُعَايِنُ فِيهَا مَلَكَ الْمَوْتِ ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى • .

امام زين العابدين عليه السلام : سخت ترین لحظات فرزند آدم سه لحظه است : لحظه ای که ملك الموت را می بیند، لحظه ای که از گور خود بر می خیزد و لحظه ای که در پیشگاه خدای تبارک و تعالی می ایستد .

الإمامُ زين العابدين عليه السلام - مِنْ مَوَاعِظِهِ - : اِعْلَمْ يَا بَنَ آدَمَ أَنَّ مِنْ وَرَاءِ هَذَا أَعْظَمَ وَأَفْظَعَ وَأَوْجَعَ لِلْقُلُوبِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ ، يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ • .

امام زين العابدين عليه السلام - در موعظه های خود - فرمود : بدان ای پسر آدم که در پس امروز روزی بزرگتر و ترسناکتر و درد آورتر برای دلهاست و آن روز قیامت است .

در آن روز مردم گرد آورده می شوند. و در آن روز همگان حاضر گردیده می شوند. در آن روز خداوند اولین و آخرین خلائق را جمع می کند .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - مِنْ دُعَائِهِ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ - : وَعَمَّرَنِي مَا كَانَ عُمُرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ ، فَإِذَا كَانَ عُمُرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعای مکارم الاخلاق - گفت : عمر مرا تا زمانی که صرف طاعت تو شود، دراز گردان و هر گاه عمرم چراگاه شیطان شود، جانم را بستان و به سوی خود ببر .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ : التَّعْظِيمُ لَهُ ، وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ ، وَحُسْنُ الْاسْتِمَاعِ إِلَيْهِ ، وَالْإِقْبَالُ عَلَيْهِ ، وَأَنْ لَا تَرْفَعَ عَلَيْهِ صَوْتَكَ ، وَأَنْ لَا تُجِيبَ أَحَدًا يَسْأَلُهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ ، وَلَا تُحَدِّثَ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا ، وَلَا تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا ، وَأَنْ تَدْفَعَ عَنْهُ إِذَا ذُكِرَ عِنْدَكَ بِسُوءٍ ، وَأَنْ تَسْتُرَ عُيُوبَهُ ، وَتُظْهِرَ مَنَاقِبَهُ ، وَلَا تُجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا ، وَلَا تُعَادِي لَهُ وَلِيًّا ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَهِدَ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ بِأَنَّكَ قَصَدْتَهُ وَتَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ لِلَّهِ ۖ جَلَّ اسْمُهُ لَا لِلنَّاسِ .

امام زین العابدین علیه السلام : حق استاد تو این است که به او احترام گذاری، محضرش را موقر داری، با دقت به سخنانش گوش بسپاری، رویت به او باشد و به او توجه نمایی، صدایت را بر صدای او بلندتر نکنی، هرگاه کسی از او سوالی کند تو جواب ندهی، بلکه بگذاری خودش جواب دهد. در محضر او با کسی سخن نگویی، در حضور او از کسی غیبت نکنی، اگر پیش تو از او بدگویی شود، از وی دفاع کنی. عیبهایش را بپوشانی، خوبیها و صفات نیکش را آشکار سازی، با دشمن او همنشینی نکنی و با دوستش دشمنی نوری. هر گاه این کارها را کردی فرشتگان خدا درباره ات گواهی دهند که تو برای رضای خدای بلند نام، نه برای مردم، نزد آن استاد رفته ای و دانش او را فرا گرفته ای .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ: فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِنَّمَا جَعَلَكَ قِيَمًا لَهُمْ فِيمَا آتَاكَ مِنَ الْعِلْمِ ، وَفَتَحَ لَكَ مِنْ خَزَائِنِهِ ، فَإِذَا أَحْسَنْتَ فِي تَعْلِيمِ النَّاسِ وَلَمْ تَخْرُقْ بِهِمْ وَلَمْ تَضَجِرْ عَلَيْهِمْ زَادَكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ، وَإِنْ أَنْتَ مَنَعْتَ النَّاسَ عِلْمَكَ أَوْ خَرَقْتَ بِهِمْ عِنْدَ طَلَبِهِمِ الْعِلْمَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَسْلُبَكَ الْعِلْمَ وَبِهَاءَهُ ، وَيُسْقِطَ مِنَ الْقُلُوبِ مَحَلَّكَ .

امام زین العابدین علیه السلام : حق شاگرد تو این است که بدانی خداوند عز و جل، به واسطه علم و دانشی که به تو داده و از خزانه های [دانش] خود برای تو گشوده، تو را سرپرست شاگردانت ساخته است. بنابراین، اگر مردم را خوب آموزش دهی و با آنان

درشتی و بدرفتاری نکنی و از تعلیمشان به ستوه نیایی، خداوند از فضل خود بر دانش تو بیفزاید. اما اگر دانش خود را از مردم مضایقه کنی یا وقتی برای آموختن دانش نزد تو آمدند با ایشان درشتی و بدرفتاری کنی، بر خداوند عز و جل سزاوار است که علم و شکوه آن را از تو بگیرد و جایگاه تو را از دل مردم بیندازد .

الإمامُ زَيْنَ العابدِينِ عليه السلام - لَمَّا ضَرَبَ عَلَى كَتِفِ رَجُلٍ يَطُوفُ بِالكَعْبَةِ وَيَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ - :سَأَلْتَ البَلَاءَ ! قُلِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ العَافِيَةَ ، وَالشُّكْرَ عَلَى العَافِيَةِ .

امام زین العابدین علیه السلام - آنگاه که مردی را در حال طواف دید که می گوید : بار خدایا! به من صبر عطا فرما! دستی به شانه او زد و فرمود : بلا می طلبی؟ بگو: بار خدایا! به من عافیت و شکر بر عافیت عطا فرما .

الإمامُ زَيْنَ العابدِينِ عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنِ العَصَبِيَّةِ - :العَصَبِيَّةُ الَّتِي يَأْتُمُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا أَنْ يَرَى الرَّجُلَ شِرَارَ قَوْمِهِ خَيْرًا مِنْ خِيَارِ قَوْمِ آخَرِينَ ، وَلَيْسَ مِنَ العَصَبِيَّةِ أَنْ يُحِبَّ الرَّجُلُ قَوْمَهُ ، وَلَكِنْ مِنَ العَصَبِيَّةِ أَنْ يُعِينَ قَوْمَهُ عَلَى الظُّلْمِ .

امام زین العابدین علیه السلام - در پاسخ به پرسش از تعصب ورزی - فرمود : تعصبی که صاحبش به سبب آن گنهگار می باشد، این است که آدمی بدان قوم خود را از نیکان قومی دیگر بهتر بداند . این از عصبیت نیست که کسی قوم و مردم خود را دوست داشته باشد، بلکه کمک کردن قوم خود بر ستم از عصبیت است .

الإمامُ زَيْنَ العابدِينِ عليه السلام : أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الحُسَيْنِ عليه السلام حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ ، بَوَّأَهُ اللهُ بِهَا فِي الجَنَّةِ عُرفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا .

امام زین العابدین علیه السلام : هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین علیه السلام گریان شود به طوری که اشک بر گونه هایش سرازیر گردد، خداوند به سبب آن او را در غرفه های بهشتی جای دهد که روزگاران درازی را در آنها به سر برد .

الإمامُ زَيْنَ العابدِينِ عليه السلام : طَاعَةٌ وَوَلَاةُ الأَمْرِ تَمَامُ العِزِّ .

امام زین العابدین علیه السلام : فرمان بردن از فرمانروایان [الهی] کمال عزت است .

الإمامُ زَيْنَ العابدِينِ عليه السلام - فِي دُعَائِهِ يَوْمَ الأَضْحَى وَالجُمُعَةِ - :وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ ، وَلَا فِي نَقْمَتِكَ عَجَلَةٌ ، وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الفُوتَ ، وَإِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إلهي عَنِ ذَلِكَ عُلوًّا كَبِيرًا .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعای روز قربان و جمعه - گفت : هر آینه می دانم که نه در حکم و داوری تو ستمی روا می شود و نه در خشم و کيفر رساني ات شتابی است؛ زیرا کسی شتاب می کند که می ترسد [فرصت] از دستش برود و کسی احتیاج به ستم کردن دارد که ناتوان است، و تو ای خدای من ! بسی برتر و والاتر از این امور هستی .

الإمام زین العابدین علیه السلام - في الدعاء - : عَجَزَتِ الْعُقُولُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ ، وَانْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظَرِ إِلَى سُبْحَاتِ وَجْهِكَ ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقًا إِلَى مَعْرِفَتِكَ إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعا - گفت : خردها از رسیدن به کنه جمال تو در ماندند و دیدگان، تاب دیدن انوار و عظمت وجه تو را نیاوردند و برای خلائق راهی به سوی شناخت (ذات) خودت قرار ندادی، مگر همان درماندگی از شناختت .

الإمام زین العابدین علیه السلام - في الدعاء - : وَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ عَرَفُوا أَنْفُسَهُمْ ، وَأَيَقَنُوا بِمُسْتَقَرِّهِمْ ، فَكَانَتْ أَعْمَارُهُمْ فِي طَاعَتِكَ تَفْنَى .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعا - گفت : ما را از کسانی قرار ده که خود را شناختند و به قرارگاه خویش یقین یافتند و از این رو عمرشان در راه طاعت تو می گذشت .

الإمام زین العابدین علیه السلام : مَنْ كَفَّ عَنْ أَعْرَاضِ الْمُسْلِمِينَ أَقَالَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

امام زین العابدین علیه السلام : هر که از لطمه زدن به آبروی مسلمانان خودداری کند، خداوند عز و جل روز قیامت از لغزش او در گذرد .

الإمام زین العابدین علیه السلام : إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ وَاعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْ عُذْرَهُ .

امام زین العابدین علیه السلام : اگر مردی از طرف راستت به تو ناسزا گفت و سپس به طرف چپت آمد و عذر خواست، عذرش را بپذیر .

بحار الأنوار عن الإمام زین العابدین علیه السلام : مَسْكِينُ ابْنِ آدَمَ ! لَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثُ مَصَائِبَ لَا يَعْتَبِرُ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ، وَلَوْ اعْتَبَرَ لَهَاتَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ وَأَمْرُ الدُّنْيَا : فَأَمَّا الْمُصِيبَةُ الْأُولَى : فَالْيَوْمُ الَّذِي يَنْقُصُ مِنْ عُمَرِهِ ، وَإِنْ نَالَهُ نَقْصَانٌ فِي مَالِهِ اغْتَمَّ بِهِ ، وَالدَّرْهُمُ يَخْلُفُ عَنْهُ وَالْعُمْرُ لَا يَرُدُّهُ شَيْءٌ .

والثانية : أَنَّهُ يَسْتَوْفِي رِزْقَهُ ، فَإِنْ كَانَ حَلَالًا حُوسِبَ عَلَيْهِ ، وَإِنْ كَانَ حَرَامًا عُوِقِبَ عَلَيْهِ .

وَالثَّالِثَةُ أَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ - قِيلَ : وَمَا هِيَ؟ قَالَ - : مَا مِنْ يَوْمٍ يُمَسِي إِلَّا وَقَدْ دَنَا مِنَ الْآخِرَةِ مَرَحَلَةً، لَا يَدْرِي عَلَى الْجَنَّةِ أَمْ عَلَى النَّارِ؟! •

بحار الأنوار به نقل از امام زین العابدین علیه السلام : بینوا آدمی! هر روز سه مصیبت به او می رسد و حتی از یکی از آنها پند نمی گیرد که اگر پند می گرفت، سختیها و کار دنیا بر او آسان می شد: مصیبت نخست روزی است که از عمر او کم می شود. در صورتی که اگر از مال او چیزی کم گردد، اندوهگین می شود حال آن که درهم (مال) جایگزین دارد اما عمر از دست رفته جبران نمی شود .

مصیبت دوم این است که روزیش را به طور کامل دریافت می کند که اگر از راه حلال باشد باید حساب پس دهد و اگر از راه حرام باشد کیفر می بیند .

مصیبت سوم از اینها بزرگتر است. عرض شد: آن چیست؟ فرمود: هیچ روزی را به شب نمی رساند مگر این که يك منزل به آخرت نزدیک شده است، اما نمی داند به سوی بهشت یا به سوی آتش؟! •

• الإمامُ زین العابدینُ علیه السلام : لا عِبَادَةَ إِلَّا بِالتَّفَقُّهِ •

امام زین العابدین علیه السلام : هیچ عبادتی جز با شناخت ارزش ندارد .

• عنه علیه السلام - أيضا - : فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ، وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ؛ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ •

امام زین العابدین علیه السلام - در دعا - گفت : خدایا! به سبب امید دیرینی که به تو دارم و چشمداشت بزرگی که از تو دارم و به سبب رأفت و رحمتی که بر خود فرض کرده ای ، از تو مسألت می کنم .

• قرآن:

(تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ •)
(وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ •)

«پهلوهایشان از بسترها دور می شود و پروردگارشان را از روی ترس و امید می خوانند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق می کنند» .

«چرا به خدا و آنچه از حق که سوی ما آمده ایمان نیاوریم و حال آن که امید داریم پروردگاران ما را با گروه شایستگان [به بهشت] در آورد» .

الإمامُ زین العابدینَ علیه السلام - في الدعاء - : إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرَعْتُ، وَإِذَا رَأَيْتُ عَفْوَكَ طَمَعْتُ •

امام زین العابدین علیه السلام - در دعا - گفت : سرورم! چون به گناهان خود می نگرم
بیمناک می شوم و چون به بخشش تو می نگرم ، [امید] می بندم .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَقَدْ سُئِلَ عَنْ سَبَبِ قَبُولِ الصَّلَاةِ - :وَلَايَتُنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ
أَعْدَانَا .

امام زین العابدین علیه السلام - در پاسخ به سوال از آنچه موجب قبولی نماز می شود -
فرمود : دوستی و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَمَّا حَقُّ الصَّاحِبِ :فَأَنْ تَصَحَّبَهُ بِالتَّفَضُّلِ وَالْإِنصَافِ ،
وَتُكْرِمَهُ كَمَا يُكْرِمُكَ ، وَلَا تَدَعَهُ يَسْبِقُ إِلَى مَكْرُمَةٍ ، فَإِنْ سَبَقَ كَافَأْتَهُ ، وَتَوَدَّهُ كَمَا يَوَدُّكَ ،
وَتَرْجُرُهُ عَمَائِهِمْ بِهِ مِنْ مَعْصِيَةٍ ، وَكُنْ عَلَيْهِ رَحْمَةً ، وَلَا تَكُنْ عَلَيْهِ عَذَابًا .

امام زین العابدین علیه السلام : حق همنشین این است که با او به فضل و انصاف رفتار
کنی و به اندازه ای که احترام می کند، احترامش کنی . اجازه ندهی در هیچ بخششی
پیشدستی کند و اگر پیشدستی کرد جبران کنی، همانقدر که دوست دارد دوستش بداری، اگر
تصمیم به گناهی گرفت او را از آن بازداری، برای او مایه رحمت و مهر باش و باعث
عذاب او مباش .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - :إِيَّاكَ وَمَصَاحِبَةَ
الْقَاطِعِ لِرَحِمِهِ؛ فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي ثَلَاثِ مَوَاضِعَ .

امام زین العابدین علیه السلام - در سفارش به فرزند بزرگوارش حضرت باقر علیه السلام
- فرمود : زنهار از مصاحبت با کسی که از خویشان خود می بُرد؛ زیرا من چنین کسی را
در سه جای کتاب خداوند عز و جل لعنت شده یافتم .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ إِنْ عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ رَأْيًا . أَشْرَتْ عَلَيْهِ ، وَإِنْ
لَمْ تَعْلَمْ أَرْشَدْتَهُ إِلَى مَنْ يَعْلَمُ .

امام زین العابدین علیه السلام : حق مشورت کننده این است ، که اگر برای راهنمایی او
نظری داری ، راهنمایی کنی و اگر اطلاعی نداشته باشی او را به کسی که [در آن زمینه
]آگاهی دارد ، راهنمایی کنی .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ مَاتَ عَلَى مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أُجْرَ
أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأَحَدٍ .

امام زین العابدین علیه السلام : هر که در زمان غیبت قائم ما بر موالات و دوستی ما بمیرد ، خداوند پاداش هزار شهید ، مانند شهیدان بدر و احد، به او عطا کند .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ : أَشْكُرْتَ فَلَانًا ؟ فَيَقُولُ : بَلْ شَكَرْتُكَ يَا رَبِّ ، فَيَقُولُ : لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ .

امام زین العابدین علیه السلام : خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت به یکی از بندگانش خود می فرماید : آیا از فلانی سپاسگزاری کردی؟ عرض می کند : [نه]، بلکه از تو سپاسگزاری کردم ای پروردگار من . خداوند می فرماید : چون از او تشکر نکرده ای از من هم نیز تشکر نکرده ای .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ ۖ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ .

امام زین العابدین علیه السلام : سپاسگزارترین شما از خدا ، سپاسگزارترین شما از مردم است .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَمَا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنْ تَشْكُرْهُ وَتَذْكَرَ مَعْرُوفَهُ ، وَتُكْسِبَهُ الْمَقَالََةَ الْحَسَنَةَ ، وَتُخْلِصَ لَهُ الدَّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَعَلَانِيَةً ، ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا كَافَيْتَهُ .

امام زین العابدین علیه السلام : حق کسی که به تو نیکی می کند این است که از او تشکر کنی و نیکیش را به زبان آوری و از وی به خوبی یاد کنی و میان خود و خداوند عز و جل برایش خالصانه دعا کنی . اگر چنین کنی بیگمان پنهانی و آشکارا از او تشکر کرده باشی . وانگهی اگر روزی توانستی نیکی او را جبران کنی ، جبران کن .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي الْمُنَاجَاةِ - : فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ ، وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ؟! فَكُلَّمَا قُلْتُ : لَكَ الْحَمْدُ ، وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ : لَكَ الْحَمْدُ .

امام زین العابدین علیه السلام - در مناجات با خدا - گفت : چگونه شکر تو توانم کرد وقتی شکرگزاری من از تو خود نیازمند شکرگزاری است؟ هر بار که بگویم : تو را سپاس . به خاطر همین سپاس گویی بر من واجب می آید که [بار دیگر] بگویم : تو را سپاس .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي دَعَائِهِ - : فَلَوْلَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ ، وَلَوْلَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعای خود - گفت : اگر شیطان با فریبکاری آنان را از طاعت تو باز نمی داشت ، هیچ معصیت کاری معصیت تو نمی کرد ، و اگر او باطل را در لباس حق برای آنان در نمی آورد ، هیچ ره گم کرده ای راه تو را گم نمی کرد .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِقَوْمٍ يَفْعُونَ حَجْرًا ، فَقَالَ : مَا هَذَا؟ قَالُوا : نَعْرِفُ بِذَلِكَ أَشَدَّنَا وَأَقْوَانَا ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدِّكُمْ وَأَقْوَاكُمْ؟ قَالُوا : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ : أَشَدُّكُمْ وَأَقْوَاكُمْ الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي إِيْمٍ وَلَا بَاطِلٍ ، وَإِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ سَخَطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ ، وَإِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ .

امام زین العابدین علیه السلام : رسول خدا به قومی که سنگی را بلند می کردند رسید و فرمود چه کار می کنید؟ گفتند: با این کار قوی ترین و زورمندترینمان را می شناسیم. حضرت فرمود : آیا زورمندترین و قویترین شما را معرفی نکنم؟ عرض کردند : بفرمایید ، ای رسول خدا! فرمود : زورمندترین و قویترین شما کسی است که هرگاه خشنود باشد خشنودی اش او را به گناه و نادرستی نکشاند و هرگاه ناخشنود باشد از جاده حق گویی خارج نشود و هرگاه قدرت یابد آنچه را که حق او نیست نستاند .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي مُنَاجَاتِهِ - : وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي ، فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ عُمْرِي ، وَقَدْ نَزَلَتْ مَنزِلَةَ الْآيسِينَ مِنَ خَيْرِي .

امام زین العابدین علیه السلام - در مناجات با خدا - گفت : مرا در گریستن بر خودم یاری رسان ؛ زیرا که با امروز و فردا کردن و آمال و آرزوها عمر خویش را بر باد فنا داده و از آنها شده ام که به خیر و نجات خود امیدی ندارند .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ مَا عُمِلَ بِالسُّنَّةِ وَإِنْ قَلَّ .

امام زین العابدین علیه السلام : برترین کارها نزد خداوند ، کاری است که طبق سنت (پیامبر) عمل شود، گر چه اندک باشد .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمَأٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ الرَّحِيقِ الْمَخْتومِ .

امام زین العابدین علیه السلام : هر که مؤمن تشنه ای را آب دهد، خداوند او را از شراب سر به مهر بهشتی بنوشاند .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي الدَّعَاءِ - : وَامْنَعْنِمْ السَّرْفِ ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ ، وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَاتِ فِيهِ ، وَأَصِْبْ بِي سَبِيلَ الْهَدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعا - گفت : و مرا از زیاده روی باز دار و روزی ام را از تلف شدن نگاه دار و دارایی ام را با برکت دادن به آن افزون گردان و راه مصرف آن را در کارهای خیر به من بنمایان .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ضَمِنْتُ عَلَى رَبِّي أَنْ لَا يَسْأَلَ أَحَدٌ أَحَدًا مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ إِلَّا اضْطَرَّتْهُ حَاجَةٌ بِالمَسْأَلَةِ يَوْمًا إِلَى أَنْ يَسْأَلَ مِنْ حَاجَةٍ .

امام زین العابدین علیه السلام : من پروردگارم را ضامن می گیرم که هیچ کس بدون داشتن نیاز از کسی چیزی نخواهد مگر آن که روزی ، نیاز واقعی او را مجبور کند که دست نیاز [به سوی مردم] دراز کند .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ لِلْحَيَاةِ ، وَمَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ ، وَاسْتِخْفَافٌ بِالْوَقَارِ ، وَهُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ ، وَقِلَّةُ طَلَبِ الْحَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحَاضِرُ .

امام زین العابدین علیه السلام : نیاز خواهی از مردم ، مایه خواری در زندگی و از بین رفتن حیاست و از وقار آدمی می کاهد و آن ، فقر نقد است ، و کمتر دست نیاز دراز کردن به سوی مردم ، توانگری نقد است .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ أَرْضَاكُم عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ .

امام زین العابدین علیه السلام : خداوند از آن کس از شما خشنودتر است که خانواده خود را بیشتر در رفاه و نعمت قرار دهد .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَقُولُ اللَّهُ : يَا ابْنَ آدَمَ ، اِرْضَ بِمَا آتَيْتَكَ تَكُنْ مِنْ أَزْهَدِ النَّاسِ .

امام زین العابدین علیه السلام : خداوند می فرماید : ای پسر آدم! به آنچه تو را داده ام خشنود و قانع باش ، تا از زاهدترین مردمان باشی .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ مَصَائِبُهَا وَلَمْ يَكْرَهْهَا .

امام زین العابدین علیه السلام : هر که دل از دنیا برکند ، مصیبت‌های آن بر او آسان شود و از آنها ناراحت نشود .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ آخِرُ مَا أَوْصَى بِهِ الْخَضِرُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : . . . مَا رَفَقَ أَحَدٌ بِأَحَدٍ فِي الدُّنْيَا إِلَّا رَفَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

امام زین العابدین علیه السلام : آخرین سفارشی که خضربه موسی بن عمران
علیهما السلام کرد این بود : هیچ کس در دنیا با کسی ملایمت و مدارا نکند مگر آن که
خداوند عز و جل در روز قیامت با او ملایمت و مدارا کند .

الإمامُ زینُ العابدینِ علیه السلام : إِنَّ أَرْضَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ .

امام زین العابدین علیه السلام : همانا مرضی ترین (مورد رضایت قرار گرفته ترین) شما
نزد خداوند کسی است که خانواده خود را بیشتر در گشایش و رفاه قرار دهد .

عنه علیه السلام : الرِّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ مِنْ أَعْلَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ .

امام زین العابدین علیه السلام : راضی بودن به قضای ناخوشایند [خدا] از بالاترین
درجات یقین است .

الإمامُ زینُ العابدینِ علیه السلام : أَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ ، وَأَعْلَى دَرَجَةِ
الْوَرَعِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ ، وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَدْنَى دَرَجَةِ الرِّضَا .

امام زین العابدین علیه السلام : بالاترین درجه زهد پایین ترین درجه ورع است، و
بالاترین درجه ورع پایین ترین درجه یقین است، و بالاترین درجه یقین پایین ترین درجه
خشنودی [از خدا] است .

الإمامُ زینُ العابدینِ علیه السلام - لَمَّا قِيلَ لَهُ : إِنَّ الْحَسَنَ الْبَصْرِيَّ قَالَ : لَيْسَ الْعَجَبُ مِمَّنْ
هَلَكَ كَيْفَ هَلَكَ وَإِنَّمَا الْعَجَبُ مِمَّنْ نَجَا كَيْفَ نَجَا ! - :أَنَا أَقُولُ : لَيْسَ الْعَجَبُ مِمَّنْ نَجَا كَيْفَ
نَجَا ، وَأَمَّا الْعَجَبُ مِمَّنْ هَلَكَ كَيْفَ هَلَكَ مَعَ سَعَةِ رَحْمَةِ اللَّهِ ؟ !

امام زین العابدین علیه السلام - آنگاه که به ایشان عرض شد : حسن بصری می گوید : از
این که کسی هلاک شود جای تعجب نیست، بلکه از نجات یافته تعجب است که چگونه
نجات یافته است - فرمود : اما من می گویم : از این که کسی نجات یافته تعجب نیست،
بلکه تعجب از هلاک شده است که چگونه با وجود رحمت گسترده خداوند هلاک گشته
است؟! !

الإمامُ زینُ العابدینِ علیه السلام : الدُّنُوبُ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ : جَوْرُ الْحُكَّامِ فِي
الْقَضَاءِ ، وَشَهَادَةُ الزُّورِ ، وَكِتْمَانُ الشَّهَادَةِ .

امام زین العابدین علیه السلام : گناهایی که بارش آسمان را باز می دارند عبارتند از :
قضاوت ظالمانه قاضیان ، شهادت دروغ ، و کتمان شهادت .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : إِيَّاكَ وَالْإِبْتِهَاجَ بِالذَّنْبِ ، فَإِنَّ الْإِبْتِهَاجَ بِهِ أَعْظَمُ مِنْ رُكُوبِهِ .

امام زين العابدين عليه السلام : از شاد شدن به گناه بپرهیز، که شاد شدن به گناه از ارتکاب آن بدتر است .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : إِنَّ قَسْوَةَ الْبَطْنَةِ وَفْتَرَةَ الْمَيْلَةِ وَسُكْرَ الشَّبَعِ وَغِرَّةَ الْمُلْكِ مِمَّا يُثَبِّطُ وَيُبْطِئُ عَنِ الْعَمَلِ وَيُنْسِي الذِّكْرَ .

امام زين العابدين عليه السلام : پر خوری و سستی اراده و مستی سیری و غرور قدرت ، از عوامل باز دارنده و کند کننده در عمل است و یاد [خدا] را از دل می برد .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : وَاللَّهِ مَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ إِلَّا كَكِفَّتِي الْمِيزَانِ ، فَأَيُّهُمَا رَجَحَ دَهَبَ بِالْآخِرِ .

امام زين العابدين عليه السلام : به خدا قسم دنیا و آخرت همانند دو کفه ترازویند، هر کدام پایین آید دیگری بالا رود .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : الدُّنْيَا دُنْيَاءَانِ : دُنْيَا بِلَاغٍ وَدُنْيَا مَلْعُونَةٌ .

امام زين العابدين عليه السلام : دنیا دو گونه است : دنیای بلاغ (مطلوب) و دنیای ملعون .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ : إِمَّا أَنْ يُدَّخَرَ لَهُ ، وَ إِمَّا أَنْ يُعَجَّلَ لَهُ ، وَ إِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ .

امام زين العابدين عليه السلام : دعای مؤمن از سه حال خارج نیست : یا برایش ذخیره می گردد ، یا در دنیا برآورده می شود ، یا بلایی را که می خواهد به او برسد، دفع می شود .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : مَنْ لَمْ يَرْجُ النَّاسَ فِي شَيْءٍ وَرَدَّ أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ اسْتَجَابَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ .

امام زين العابدين عليه السلام : هر که در هیچ کاری به مردم امید نبندد و همه کارهای خود را به خداوند عز و جل واگذارد، خداوند هر خواسته ای که او داشته باشد اجابت کند .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزِلْ .

امام زین العابدین علیه السلام : دعا ، بلاى نازل شده و نازل نشده را دفع می کند .

عنه عليه السلام : الْخَيْرُ كُلُّهُ صِيَانَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ .

امام زین العابدین علیه السلام : همه خیر و خوبی در خویشتن داری است .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدِ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ .

امام زین العابدین علیه السلام : همه خوبیها را در بر کندن چشم طمع از مال و منال مردم ، فراهم دیدم .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ابْنُ آدَمَ ، لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ ... مَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَارًا وَالْحُزْنُ دِثَارًا .

امام زین العابدین علیه السلام : ای فرزند آدم ! تا زمانی که ترس [از خدا] جامه زیرین تو باشد و اندوه بالاپوشت ، پیوسته در خیر و خوبی خواهی بود .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي الدُّعَاءِ - : وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْتَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ .

امام زین العابدین علیه السلام - در دعا - گفت : خدایا! به تو پناه می برم از نفسی که قانع نمی شود و شکمی که سیر نمی گردد و دلی که خاشع نمی شود .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَمَنْ قَالَ بِحَضْرَتِهِ: اللَّهُمَّ اغْنِنِي عَن خَلْقِكَ - : أَيْسَ هَذَا ، إِنَّمَا النَّاسُ بِالنَّاسِ ، وَلَكِنْ قُلْ: اللَّهُمَّ اغْنِنِي عَن شِرَارِ خَلْقِكَ .

امام زین العابدین علیه السلام - به کسی که در حضور آن حضرت عرض کرد: خدایا! مرا از بندگانت بی نیاز گردان - فرمود : این طور نگو؛ زیرا مردم به هم نیازمندند؛ بلکه بگو : خدایا! مرا از بدان خلقت بی نیاز گردان .

الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : إِيَّاكَ يَا بُنَيَّ أَنْ تُصَاحِبَ الْأَحْمَقَ أَوْ تُخَالِطَهُ ، وَاهْجُرَهُ وَلَا تُحَادِثَهُ ؛ فَإِنَّ الْأَحْمَقَ هُجْنَةٌ غَائِبَا كَانَ أَوْ حَاضِرًا ، إِنْ تَكَلَّمَ فَضَحَهُ حُمَقُهُ ، وَإِنْ سَكَتَ قَصَرَ بِهِ عِيَّهُ ، وَإِنْ عَمِلَ أَفْسَدَ ، وَإِنْ اسْتُرِعِيَ أَضَاعَ . لَا عِلْمَهُ مِنْ نَفْسِهِ يُغْنِيهِ ، وَلَا عِلْمَ غَيْرِهِ يَنْفَعُهُ ، وَلَا يُطِيعُ نَاصِحَهُ ، وَلَا يَسْتَرِيحُ مَقَارِنُهُ ، تَوَدُّ أُمُّهُ أَنَّهَا تَكَلَّتُهُ ، وَامْرَأَتُهُ أَنَّهَا فَقَدَتْهُ ، وَجَارُهُ بَعْدَ دَارِهِ ، وَجَلِيسُهُ الْوَحْدَةَ مِنْ مُجَالَسَتِهِ . إِنْ كَانَ أَصْغَرَ مَنْ فِي الْمَجْلِسِ أَغْنَى مَنْ فَوْقَهُ ، وَإِنْ كَانَ أَكْبَرَهُمْ أَفْسَدَ مَنْ دُونَهُ .

امام زین العابدین علیه السلام - در سفارش به فرزند بزرگوار خود حضرت باقر علیه السلام - فرمود : فرزندانم ! از همنشینی یا رفت و آمد با احمق پیرهیز و از او دوری کن و با وی هم سخن مشو ؛ زیرا آدم احمق، غایب باشد یا حاضر ، پست و فرومایه است ؛ هرگاه زبان به سخن گشاید حماقتش او را رسوا کند و هرگاه خاموش شود به دلیل ناتوانی در سخن گفتن باشد ، اگر کاری کند خرابی به بار آورد و چون مسؤولیتی به عهده گیرد آن را تباه سازد ، نه علم خودش به کار او می آید و نه دانش دیگران سودش می رساند ، به سخن خیرخواه خود گوش نمی دهد، و همنشینش از دست او آسوده نیست ، مادرش آرزوی مرگ او را دارد و همسرش آرزوی از دست دادن او را و همسایه اش آرزوی رفتن از همسایگی اش را و همنشینش آرزوی خلاصی از همنشینی او را. اگر در مجلسی کمترین فرد مجلس باشد بالاتر از خود را به رنج افکند و اگر بالاترین فرد باشد فروستان خود را به فساد و تباهی کشاند .

الإمامُ زینُ العابدینِ علیه السلام : إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي الرَّجُلُ أَنْ يُدْرِكَهُ حِلْمُهُ عِنْدَ غَضَبِهِ .

امام زین العابدین علیه السلام : من از مردی که هنگام خشم بردباری کند، خوشم می آید .

عنه عليه السلام : إِذَا جَمَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، قَامَ مُنَادٍ فَنَادَى يُسْمِعُ النَّاسَ فَيَقُولُ : أَيْنَ الْمُتَحَابِّونَ فِي اللَّهِ ؟ قَالَ : فَيَقُومُ عُنُقُ مَنْ النَّاسِ فَيُقَالُ لَهُمْ : اذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ .

امام زین العابدین علیه السلام : آن گاه که خداوند عز و جل همه آدمیان را، از اولین تا آخرین نفر، جمع کند منادی برخیزد و با صدایی که همگان بشنوند بانگ برآورد : کجايند آنان که برای خدا دوستی می ورزیدند ؟ پس گروهی از مردم برخیزند و به آنان گفته شود : بدون حسابرسی وارد بهشت شوید .

الإمامُ زینُ العابدینِ علیه السلام : إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يُنَادِي مُنَادٍ : أَيْنَ الصَّابِرُونَ لِيَدْخُلُوا الْجَنَّةَ جَمِيعًا بِغَيْرِ حِسَابٍ ... : قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لَهُمْ : - مَنْ أَنْتُمْ ؟ قَالُوا : الصَّابِرُونَ . قَالُوا : وَمَا كَانَ صَبْرُكُمْ ؟ قَالُوا : صَبَرْنَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ ، وَصَبَرْنَا عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ .

امام زین العابدین علیه السلام : آن گاه که خداوند همه انسانها را گرد آورد، منادی جار زند : کجايند شکیبایان که همگی بدون حسابرسی به بهشت روند ... فرشتگان به ایشان گویند : شما که هستید ؟ گویند : شکیبایان . فرشتگان پرسند : شکیبایی شما چه بود؟ پاسخ دهند : در راه طاعت خدا و خویشنداری از نافرمانی او شکیبایی ورزیدیم .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : ابن آدم ، إنَّكَ لا تَزَالُ بِخَيْرٍ ما كانَ لَكَ وَاَعْظُ مِنْ نَفْسِكَ ، وما كانتِ المُحاسبَةُ مِنْ هَمِّكَ .

امام زين العابدين عليه السلام : ای فرزند آدم ! تو تا زمانی که خود و اعظ خویش باشی و به محاسبه [اعمال نفس] خویش پردازی پیوسته در خیر و خوبی به سر خواهی برد .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ .

امام زين العابدين عليه السلام : خداوند دلهای حزين را دوست دارد .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : إِنْ أَخَذْتَ الْأَسِيرَ فَعَجَزَ عَنِ الْمَشْيِ وَلَمْ يَكُنْ مَعَكَ مَحْمِلٌ فَأَرْسِلْهُ وَلَا تَقْتُلْهُ ؛ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا حُكْمُ الْإِمَامِ فِيهِ .

امام زين العابدين عليه السلام : اگر اسیری گرفتی که قدرت راه رفتن نداشت و تو وسیله ای برای حمل او نداشتی او را نکش و آزادش کن ؛ زیرا نمی دانی که حکم امام درباره او چیست .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : حَجُّوا وَاغْتَمِرُوا ، تَصِحَّ أَجْسَامُكُمْ ، وَتَتَّسِعَ أَرْزَاقُكُمْ ، وَيَصْلُحَ إِيمَانُكُمْ ، وَتُكْفَوُا مَوْئِنَةَ النَّاسِ وَمَوْئِنَةَ عِيَالِكُمْ .

امام سجاد عليه السلام : حج و عمره به جای آورید تا بدنهایتان سالم بماند و روزیها (درآمدهایتان) زیاد شود و ایمانتان استوار گردد و هزینه مردم و خانه خود را تأمین کنید .

امام زين العابدين عليه السلام : خداوند هر دل غمناك و هر بنده سپاسگزار را دوست دارد .

الإمامُ زينُ العابدينِ عليه السلام : معاشرَ شيعتنا ، أَمَا الْجَنَّةُ فَلَنْ تَفُوتَكُمْ سَرِيعًا كَانَ أَوْ بَطِيئًا ، وَلَكِنْ تَنَافَسُوا فِي الدَّرَجَاتِ .

امام زين العابدين عليه السلام : ای شیعیان ما! شما بهشت را هرگز از دست نمی دهید، چه شتاب کنید و چه کندی، اما برای رسیدن به درجات آن با هم رقابت کنید .

امام زين العابدين عليه السلام : بر تو باد قرآن؛ زیرا خداوند بهشت را آفرید ... و درجات آن را به اندازه آیات قرآن قرار داد. پس هر که قرآن بخواند، قرآن به او می گوید: بخوان و بالا رو. و هر کس از این افراد وارد بهشت شود در آن جا کسی بلند مرتبه تر از او نخواهد بود مگر پیامبران و صدیقان .

الإمام زين العابدين عليه السلام : أَمَا حَقُّ جَلِيسِكَ : فَأَنْ تُتَيْنَ لَهُ جَانِبَكَ ، وَتُنْصِفَهُ فِي مُجَازَاةِ اللَّفْظِ ، وَلَا تَقُومَ مِنْ مَجْلِسِكَ إِلَّا بِإِذْنِهِ . وَمَنْ يَجْلِسُ إِلَيْكَ يَجُوزُ لَهُ الْقِيَامُ عَنْكَ بِغَيْرِ إِذْنِكَ ، وَتَنْسَى زَلَاتِهِ ، وَتَحْفَظُ خَيْرَاتِهِ ، وَلَا تُسْمِعُهُ إِلَّا خَيْرًا .

امام زين العابدين عليه السلام : حق همنشین تو آن است که: با او نرمخو و مهربان باشی، در هنگام گفتگو با او به انصاف رفتار کنی، جز با اجازه او از جای خود بلند نشوی، (اما) اگر در کنار تو نشست بتواند بدون اجازه تو برخیزد و برود، لغزشهایش را فراموش کنی، خوبیهایش را به یاد داشته باشی و جز خیر و خوبی به او نگویی .

الإمام زين العابدين عليه السلام : مَجَالِسُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ .

امام زين العابدين عليه السلام : مجالس پاکان، فراخوان به سوی پاکی است .

الإمام زين العابدين عليه السلام - فِي مُنَاجَاتِهِ - : وَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ ... قَطَعُوا أَسْتَارَ نَارِ الشَّهَوَاتِ بِنُضْحِ مَاءِ التَّوْبَةِ ، وَغَسَلُوا أَوْعِيَةَ الْجَهْلِ بِصَفْوِ مَاءِ الْحَيَاةِ .

امام زين العابدين عليه السلام - در مناجات - گفت : و ما را از آنان قرار ده که ... پرده های آتش خواهشهای نفس را با ریختن آب توبه گسستند و ظرفهای نادانی را با زلال آب زندگی شستند .

الإمام زين العابدين عليه السلام : مَنْ رَمَى النَّاسَ بِمَا فِيهِمْ رَمَوْهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ .

امام زين العابدين عليه السلام : هر کس به مردم عیبی را نسبت دهد که دارند مردم به او عیبی را که ندارد نسبت می دهند .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنِّي لِأَكْرَهُ أَنْ يُعَافَى الرَّجُلُ فِي الدُّنْيَا وَلَا يُصِيبَهُ شَيْءٌ مِنَ الْمَصَائِبِ .

امام زين العابدين عليه السلام : من خوش ندارم که آدمی در دنیا در عافیت باشد و هیچ گرفتاری و مصیبتی به وی نرسد .

الإمام زين العابدين عليه السلام : مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَتَيْنِ : قَطْرَةٌ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَقَطْرَةٌ دَمْعَةٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ ، لَا يُرِيدُ بِهَا عَبْدٌ إِلَّا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ .

امام زين العابدين عليه السلام : هیچ قطره ای نزد خدا محبوبتر از این دو قطره نیست: قطره خونی که در راه خدا ریخته می شود و قطره اشکی که فقط برای خداوند عز و جل در دل شب فرو می غلتد .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ إِلَى مَالِكٍ - وَهُوَ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ يَوْمَ الْبَصْرَةِ - بَأَن لَّا يَطْعَنَ فِي غَيْرِ مُقْبَلٍ وَ لَّا يَقْتُلَ مُدْبِرًا وَ لَّا يُجِيزَ عَلَى جَرِيحٍ وَ مَنْ أَغْلَقَ بَابَهُ فَهُوَ آمِنٌ .

امام زين العابدين عليه السلام : علي عليه السلام ، به مالك اشتر - در حالی که در طلبه سپاهش در جنگ جمل بود - نوشت : تنها کسانی زده شوند ، که می جنگند ؛ فراری از جنگ ، کشته نشود ؛ به مجروح ، ضربه خلاص زده نشود . و هر کس در خانه اش را بست ، در امان است .

الإمام زين العابدين عليه السلام : عَلامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ : الْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْمَصِيبَةِ ، وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ ، وَالصَّدَقُ عِنْدَ الْخَوْفِ .

امام زين العابدين عليه السلام : نشانه های مؤمن پنج تاست : پارسایی در خلوت ، صدقه دادن در تنگدستی ، شکیبایی در برابر مصیبت ، بردباری هنگام خشم ، و راست گویی با وجود بیم و ترس .

الإمام زين العابدين عليه السلام : الْمُؤْمِنُ يَصْمُتُ لِيَسْلَمَ ، وَيَنْطِقُ لِيَغْنَمَ .

امام زين العابدين عليه السلام : مؤمن سکوت می کند تا سالم ماند و سخن می گوید تا سود برد .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا ، وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا .

امام زين العابدين عليه السلام : زمانی که قائم ما قیام کند ، خداوند آفت را از شیعیان ما می زداید و دل‌های آنان را چون پاره های آهن [سخت و تزلزل ناپذیر] می کند و هر مرد آنان را قدرت چهل مرد می دهد . آنان فرمانروا و سالار جهان خواهند بود .

الإمام زين العابدين عليه السلام : انْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ .

امام زين العابدين عليه السلام : انتظار فرج ، خود بزرگترین فرج است .

الإمام زين العابدين عليه السلام : سَمِعْتُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : لَوْ شِئْتَنِي رَجُلٌ فِي هَذِهِ الْأُذُنِ - وَأَوْمَى إِلَى الْيَمْنَى - وَاعْتَدَّرَ لِي فِي الْأُخْرَى لَقَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ ، وَذَلِكَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنِي أَنَّهُ سَمِعَ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : لَا يَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُحَقٍّ أَوْ مُبْطِلٍ .

امام زین العابدین علیه السلام : از حسین علیه السلام شنیدم که می فرماید : اگر مردی در این گوشم - اشاره به گوش راست خود کرد - مرا دشنام دهد و در دیگری از من پوزش بخواهد ، پوزش او را می پذیرم ؛ چرا که امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام برایم نقل کرد که از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : بر حوض کوثر وارد نمی شود کسی که عذر را - موجه باشد یا غیر موجه - نپذیرد .

الإمامُ زینُ العابدینَ علیه السلام : فَلَمَّا وُلِدَ الحُسَيْنُ علیه السلام أوحى اللهُ تَعَالَى إلى جِبْرِئِيلَ علیه السلام أَنَّهُ قَدْ وُلِدَ لِ مُحَمَّدٍ ابنِ فَهْبِطٍ إِلَيْهِ فَهَنَّئُهُ وَقُلْ لَهُ إِنَّ عَلِيًّا مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَسَمَّهَ بِاسْمِ ابنِ هَارُونَ فَهَبَطَ جِبْرِئِيلُ علیه السلام فَهَنَّأَهُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُسَمِّيَهُ بِاسْمِ ابنِ هَارُونَ ، فَقَالَ وَمَا كَانَ اسْمُهُ ؟ قَالَ : شُبَيْرًا ، قَالَ : لِسَانِي عَرَبِيٌّ ، قَالَ : سَمَّهَ الحُسَيْنَ .

امام زین العابدین علیه السلام : چون حسین علیه السلام زاده شد ، خداوند متعال به جبرئیل وحی فرمود که : برای محمد صلی الله علیه و آله پسری متولد شده است ، نزد او برو و شادباش بگو ، و به او بگو که علی برای تو به منزله هارون برای موسی است . پس ، طفل را به نام پسر هارون نامگذاری کن . جبرئیل علیه السلام فرود آمد و از جانب خداوند متعال به پیامبر تبریک گفت ، و آن گاه عرضه داشت : خداوند عز و جل به تو فرمان می دهد که او را به نام پسر هارون نامگذاری کنی . پیامبر پرسید : نام پسر هارون چه بوده است ؟ جبرئیل گفت : شبیر . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : زبان من عربی است . جبرئیل گفت : نامش را حسین بگذار .

الإمامُ زینُ العابدینَ علیه السلام : إِنَّ الحَسَنَ بنَ عَلِيٍّ بنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ ، وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَجًّا مَاشِيًا وَرُبَّمَا مَشَى حَافِيًا ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ المَوْتَ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ القَبْرَ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ البَعْثَ وَالنُّشُورَ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ المَمَرُ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ العَرْضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذَكَرَهُ شَهَقَ شَهَقَةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا ، وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ يَدَي رَّبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ وَسَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى الجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ .

امام زین العابدین علیه السلام : حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام عابدترین و زاهدترین و بافضیلت ترین مردم روزگار خود بود . هرگاه حج می رفت پیاده و گاه با پای برهنه می رفت ؛ هرگاه سخن از مرگ به میان می آمد می گریست ؛ هرگاه سخن از قبر به میان می آمد می گریست ؛ هرگاه سخن از قیامت و رستاخیز به میان می آمد می گریست ؛ هرگاه از گذشتن بر صراط یاد می شد می گریست ؛ هرگاه از حاضر شدن در دادگاه عدل الهی سخن به میان می آمد ، چنان صیحه ای می زد که بر اثر آن از هوش

می رفت ؛ هرگاه به نماز می ایستاد بدنش در پیشگاه پروردگارش عز و جل ، می لرزید ؛ هرگاه از بهشت و دوزخ سخن به میان می آمد ، مانند مارگزیده به خود می پیچید و بهشت را از خداوند مسئلت می کرد و از آتش دوزخ به او پناه می برد .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إلهي ، لا تُؤدِّبني بِعُقوبَتِكَ ، ولا تَمكُرُ بي في حِيلَتِكَ .

امام زين العابدين عليه السلام : خدای من ! با کیفر خود مرا ادب مفرما ؛ و به مکر خودت گرفتارم مکن .

الإمام زين العابدين عليه السلام : مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وُلْدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ .

امام زين العابدين عليه السلام : یکی از خوشبختی های مرد این است که فرزندان داشته باشد که کمک کار و یاورش باشند .

الإمام زين العابدين عليه السلام : جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال : يا رسول الله ما من عمل قبيح إلا قد عملته ، فهل لي من توبة ؟ فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله : فهل من والديك أحد حي ؟ قال : أبي ، قال : فاذهب فبره . قال : فلما ولي ، قال رسول الله صلى الله عليه وآله : لو كانت أمه !

امام زين العابدين عليه السلام : مردی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و به ایشان عرض کرد : هیچ کار زشتی نیست که نکرده باشم. آیا راه توبه و بازگشت برایم وجود دارد؟ حضرت فرمود : آیا از پدر و مادرت کسی زنده هست؟ عرض کردم: پدرم. فرمود: برو و به او نیکی کن. وقتی آن مرد رفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کاش مادرش می بود !

الإمام سجاد عليه السلام : اللَّهُمَّ... وَ أَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ وَ اغْصِنِي مِنَ الْفَخْرِ؛

خدایا به دست من برای مردم خیر و نیکی جاری ساز و آن را با منت گذاری من تباه مکن، و مرا اخلاق والا عطا فرما و از فخر فروشی نگاه دار.

الإمام سجاد عليه السلام : أَيُّكُمْ وَ صُحْبَةَ الْعَاصِينَ ، وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِينَ ، وَ مُجَاوِرَةَ الْفَاسِقِينَ إِخْذَرُوا فِتْنَتَهُمْ وَ تَبَاعَدُوا مِنْ سَاحَتِهِمْ؛

از هم نشینی با اهل گناه و یاری دادن ستمکاران و همسایگی فاسدان، بپرهیزید. از فتنه آنها بر حذر باشید و از محیطشان دوری کنید.

امام سجاد علیه السلام: ما تجرعتُ جُرْعَةً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ جُرْعَةِ عَيْظٍ لَا أَكْفِيءُ بِهَا صَاحِبَهَا؛

هیچ جُرعه ای، نزد من، لذت بخش تر از جُرعه خشمی نیست که فرو می خورم تا آن را بر سر دیگری خالی نکنم.

امام سجاد علیه السلام: الدُّنُوبُ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ : سَوْءُ النِّيَّةِ ، وَخُبْتُ السَّرِيرَةَ ، وَالنَّفَاقَ مَعَ الْإِخْوَانِ ، وَتَرَكْتُ التَّصَدِيقَ بِالْإِجَابَةِ ، وَتَأخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ حَتَّى تَذْهَبَ أَوْقَاتُهَا ، وَتَرَكْتُ التَّقَرُّبَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْبِرِّ وَالصَّدَقَةِ ، وَاسْتِعْمَالَ الْبِدَائِعِ ، وَالْفُحْشِ فِي الْقَوْلِ؛

گناهانی که از استجابت دعا جلوگیری می کنند عبارت اند از: بد نیتی، خبث باطن، دو رویی با برادران، باور نداشتن به اجابت دعا، به تأخیر انداختن نمازهای واجب تا آن که وقتشان بگذرد، تقرب نجستن به خدای عزوجل با نیکوکاری و صدقه، بد زبانی و زشتگویی.

امام سجاد علیه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ قَلْبِي وَ لِسَانِي، وَ بِكَ نَجَاتِي وَ أَمَانِي، وَ أَنْتَ الْعَالِمُ بِسِرِّي وَ إِعْلَانِي فَأَمِتْ قَلْبِي عَنِ الْبَغْضَاءِ، وَ اصْمِتْ لِسَانِي عَنِ الْفَحْشَاءِ، وَ أَخْلِصْ سَرِيرَتِي عَنِ عَلَائِقِ الْأَهْوَاءِ، وَ اكْفِنِي بِأَمَانِكَ عَنِ عَوَائِقِ الضَّرَائِعِ، وَ اجْعَلْ سِرِّي مَعْقُودًا عَلَى مُرَاقِبَتِكَ، وَ إِعْلَانِي مُوَافِقًا لِطَاعَتِكَ، وَ هَبْ لِي جِسْمًا رُوحَانِيًّا، وَ قَلْبًا سَمَاوِيًّا، وَ هِمَّةً مُتَّصِلَةً بِكَ؛

خدایا! دل و زبانم از آن توست و رهایی و امانم به دست توست و تویی دانا به پنهان و آشکار من. پس صفحه دلم را از دشمنی و کینه پاک ساز و زبانم را از زشت گویی خاموش گردان و دلم را از آلودگی های هوس، بشوی و مرا در پناه خود، از گزند ناملايمات حفظ کن و درونم را به مراقبت از خودت وادار و بیرونم را با فرمانبری از خودت سازگار ساز و مرا جسمی روحانی و دلی آسمانی و همتی پیوسته به خودت عطا فرما.

امام سجاد علیه السلام: حَقُّ بَطْنِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ وِعَاءً لِلْحَرَامِ، وَ لَا تَزِيدَ عَلَى الشَّبَعِ؛
حق شکمت بر تو، این است که آن را ظرف غذای حرام قرار ندهی و چون سیر شدی، دست از غذا بکشی.

امام سجاد علیه السلام: حَقُّ مَنْ أَسَاءَكَ أَنْ تَعْفُو عَنْهُ، وَ إِنْ عَلِمْتَ أَنَّ الْعَفْوَ عَنْهُ يَضُرُّ انْتَصَرْتَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَلَمَنْ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ»؛

حق کسی که به تو بدی کرده، این است که از او درگذری؛ ولی اگر دانستی که گذشت از او زیانبار است، انتقام بگیر. خدای منزّه والا مرتبه فرموده است: «بر کسانی که پس از ستم دیدن، انتقام می گیرند، ملامتی نیست».

امام سجاد علیه السلام: **اللَّهُمَّ ... صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ وَ لَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْأَقْتَارِ فَاسْتَرْزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ وَ اسْتَعِطَى شِرَارَ خَلْقِكَ، فَأَفْتَتَنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي وَ ابْتَلَى بِدَمِّ مَنْ مَنَعَنِي وَ أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَ لِي الْإِعْطَاءُ وَ الْمَنْعُ؛**

خدایا! ... با توانگری آبرویم را نگهدار و به تنگدستی حرمتم را از بین مبر که بر اثر آن از کسانی روزی بخواهم که روزی خوار تو هستند و از بندگان پست و بدکردار تو عطا و بخشش طلبم و در نتیجه، به ستایش آن که به من بخشیده و نکوهش آن که از من دریغ کرده است، گرفتار شوم. حال آن که بخشیدن و نبخشیدن در حقیقت به دست توست.

امام سجاد علیه السلام: **إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرَفُ كُلَّ يَوْمٍ عَلَى جَوَارِحِهِ فَيَقُولُ: كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْتَنَا! وَ يَقُولُونَ: اللَّهُ - اللَّهُ - فِينَا! وَ يُنَاشِدُونَهُ وَ يَقُولُونَ: إِمَّا نُثَابُ بِكَ وَ نُعَاقِبُ بِكَ؛**

زبان آدمیزاد، هر روز به اعضای او نزدیک می شود و می گوید: چگونه اید؟ آنها می گویند: اگر تو ما را به خودمان واگذاری، خوب هستیم! و می گویند: از خدا بترس و کاری به ما نداشته باش. و او را سوگند می دهند و می گویند: ما فقط به واسطه تو پاداش می یابیم و به واسطه تو، مجازات می شویم.

امام سجاد علیه السلام: **فِي التَّحْمِيدِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - : وَ جَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ، وَ لَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ؛**

در حمد و ستایش خدای - عزّ و جلّ - می فرماید: از روزی ای که داده، برای هر جاننداری بهره مشخصی قرار داده است و به هر کس بیشتر بدهد، کسی نمی تواند از آن کم کند و به هر کس کمتر بدهد، کسی نمی تواند بر آن بیفزاید.

امام سجاد علیه السلام: **حُجُّوا وَ اغْتَمِرُوا تَصِحَّ أَجْسَامُكُمْ وَ تَتَسِعَ أَرْزَاقُكُمْ وَ يَصْلَحَ إِيْمَانُكُمْ وَ تُكْفَوُا مَوْئِنَةَ النَّاسِ وَ مَوْئِنَةَ عِيَالِكُمْ؛**

حج و عمره به جای آورید تا بدن هایتان سالم بماند و روزی هایتان زیاد شود و ایمانتان استوار گردد و هزینه های جامعه و مخارج خانواده تان تأمین گردد.

امام سجاد علیه السلام: وَ أَمَا حَقُّ الْمُسْتَنْصِحِ فَإِنَّ حَقَّهُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَيْهِ النَّصِيحَةَ عَلَى الْحَقِّ
الَّذِي تَرَى لَهُ أَنَّهُ يَحْمِلُ وَ يُخْرِجُ الْمَخْرَجَ الَّذِي يَلِينُ عَلَى مَسَامِعِهِ وَ تُكَلِّمُهُ مِنَ الْكَلَامِ بِمَا
يُطِيقُهُ عَقْلُهُ، فَإِنَّ لِكُلِّ عَقْلٍ طَبَقَةً مِنَ الْكَلَامِ يَعْرِفُهُ وَ يَجْتَنِبُهُ وَ لِيَكُنْ مَذْهَبُكَ الرَّحْمَةَ؛

حقّ نصیحت خواه این است که به راه صحیحی که می دانی می پذیری، راهنمائی کنی و
سخن، در حدّ درک و فهم و عقلش بگویی که هر عقلی، ظرفیت مخصوص خود را دارد و
روش تو باید همراه با مهربانی و رحمت باشد.

امام سجاد علیه السلام: إِنَّ قَسْوَةَ الْبُطْنَةِ وَ كِظَّةَ الْمِلاَّةِ وَ سُكْرَ الشَّبَعِ وَ غِرَّةَ الْمُلْكِ، مِمَّا
يُثَبِّطُ وَ يُبْطِئُ عَنْ الْعَمَلِ وَ يُنْسِي الذِّكْرَ؛

پرخوری و شکم بارگی، مستی سیری، غرور ثروت و قدرت، از جمله عوامل بازدارنده از
عمل صالح و کاهلی در آن هستند و یاد خدا را از خاطر انسان می برند.

امام سجاد علیه السلام: اَللّهُمَّ... وَفَقِنِي لِبِطَاةٍ مِّنْ سَدَدْنِي وَ مُتَابَعَةٍ مِّنْ اِرْشَادِنِي؛

خدایا! بر اطاعت کسی که به راه راست هدایت می کند و به پیروی آن که ارشاد می
نماید، توفیقم ده.

امام سجاد علیه السلام: اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَلِّغْ بَايْمَانِي، اَكْمَلِ الْاِيْمَانَ، وَ اجْعَلْ
يَقِيْنِي اَفْضَلَ الْيَقِيْنِ، وَ اَنْتَ بِنَيْتِي اِلَى اَحْسَنِ النَّيِّاتِ، وَ بِعَمَلِي اِلَى اَحْسَنِ الْاَعْمَالِ؛

خدایا! بر محمد و آل محمد، درود فرست و ایمان مرا کامل ترین ایمان، یقینم را برترین
یقین قرار ده؛ و نیتم را به بهترین نیت ها و عملم را به بهترین اعمال برسان.

امام سجاد علیه السلام: اَللهي اَلْبَسْتَنِي الْخَطَايَا، ثَوْبَ مَدَلَّتِي وَ جَلَّلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ، لِبَاسِ
مَسْكَتِي وَ اَمَاتَ قَلْبِي، عَظِيْمُ جِنَايَتِي فَاحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ، يَا اَمَلِي وَ بُغِيْتِي!؛

پروردگارا! گناهان، لباس خواری بر من پوشانده اند. و دوری از تو، جامه خشن فقر را
بر تن من کرده و بزرگی گناهم، مرا، دل مرده کرده است. پس با توبه پذیری خود، دلم را
زنده گردان، ای امید و ای مطلوب من!

امام سجاد علیه السلام: اَللّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَ عَزْماً ثَابِتاً وَ لُبّاً رَاجِحاً وَ قَلْباً زَكِيّاً وَ
عِلْماً كَثِيراً وَ اَدَباً بَارِعاً، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي وَ لا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ!؛

خدایا! مرا عقلی کامل، تصمیمی نافذ، خردی برتر، دلی پاک، دانشی فراوان و ادبی والا،
روزی کن و تمام اینها را به سود من قرار ده، نه به زیانم، ای مهربان ترین مهربانان!

امام سجاد علیه السلام: وَ هَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ، وَ اهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ، وَ اسْتَضَىءَ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَ الشُّبُهَاتِ؛

[خداوندا!] مرا نوری بخش تا با آن، در میان مردم گام بردارم و به واسطه آن، در تاریکی ها راه یابم و در پرتو آن، از شک و شبهات به درآیم.

امام سجاد علیه السلام: فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ، فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ، لِاتِّشْرَاكِ بِهِ شَيْئًا، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِاخْلَاصٍ، جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ يَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهَا؛

حق بزرگ تر خداوند این است که او را بپرستی و چیزی را با او شریک نسازی، که اگر خالصانه چنین کنی، خداوند، کار دنیا و آخرت را کفایت می کند و آنچه را دوست داری برایت نگه می دارد.

امام سجاد علیه السلام: يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ! وَ يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ! وَ يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ! صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ؛

ای آن که یادش مایه شرافت و بزرگی یاد کنندگان است! و ای آن که سپاسگزاریش موجب دست یافتن سپاسگزاران (بر نعمت ها) است! و ای آن که فرمانبرداریش سبب نجات فرمانبرداران است! بر محمد و آل او، درود فرست و با یاد خود، دل های ما را از هر یاد دیگری بازدار.

امام سجاد علیه السلام: لَيْسَ لَكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِمَا شِئْتَ... رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا قَالَ خَيْرًا فَعَنِمَ، أَوْ صَمَتَ فَسَلِمَ وَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَسْمَعَ مَا شِئْتَ...؛

تو حق نداری هر چه را که خواستی بگویی... خداوند، رحمت کند کسی را که خیر بگوید و سود ببرد، یا سکوت نماید و سالم بماند و نیز حق نداری هر چه را می خواهی گوش بدهی.

امام سجاد علیه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَبَوْهُ وَ لَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَ حَوْضِ اللُّجْجِ. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، أَوْحَى إِلَى دَانِيَالٍ: إِنَّ أَمَقَّتَ عِبْدِي إِلَيَّ، الْجَاهِلُ الْمُسْتَخَفُّ بِحَقِّ أَهْلِ الْعِلْمِ، التَّارِكُ لِلْإِفْتِدَاءِ بِهِمْ. وَ إِنَّ أَحَبَّ عِبْدِي إِلَيَّ، التَّقِيُّ الطَّالِبُ لِلثَّوَابِ الْجَزِيلِ، اللَّازِمُ لِلْعُلَمَاءِ، التَّابِعُ لِلْحُلَمَاءِ، الْقَابِلُ عَنِ الْحُكَمَاءِ؛

اگر مردم می دانستند که در جستجوی دانش، چه چیزی [نهفته] است، بی گمان در پی آن می رفتند، حتی اگر با ریخته شدن خون و فرو رفتن در اعماق دریا باشد. خدای تبارک و تعالی، به دانیال وحی کرد: منفورترین بندگام نزد من، نادانی است که حق اهل علم را

سبک بشمارد و پیروی از ایشان را رها کند و محبوب ترین بندگانم نزد من، تقوای پیشه ای است که جویای پاداش فراوان، همراه دانشمندان، پیرو بردباران و پذیرای حکیمان باشد.

امام سجاد علیه السلام: **مَسْكِينٌ ابْنُ آدَمَ! لَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثُ مَصَائِبَ لَا يَعْتَبِرُ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ، وَ لَوْ اِعْتَبَرَ لَهَانَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ وَ اَمْرُ الدُّنْيَا، فَاَمَّا الْمُصِيبَةُ الْاُولَى: فَالْيَوْمُ الَّذِي يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ وَ اِنْ نَالَهُ نَقْصَانٌ فِي مَالِهِ اَعْتَمَّ بِهِ، وَ الدَّرْهَمُ يَخْلُفُ عَنْهُ وَ الْعُمْرُ لَا يَرُدُّهُ شَيْءٌ. وَ الثَّانِيَةُ اَنَّهُ يَسْتَوْفِي رِزْقَهُ فَاِنْ كَانَ حَلَالًا حَوَسِبَ عَلَيْهِ وَ اِنْ كَانَ حَرَامًا عَوِقَبَ عَلَيْهِ. وَ الثَّلَاثَةُ اَعْظَمُ مِنْ ذَالِكَ - قِيلَ: وَ مَا هِيَ؟ قَالَ: - مَا مِنْ يَوْمٍ يُمَسَى اِلَّا وَ قَدَدْنَا مِنَ الْاٰخِرَةِ مَرْحَلَةً لَا يَدْرِي عَلَى الْجَنَّةِ اَمْ عَلَى النَّارِ! ❁**

بینوا آدمی! هر روز، سه مصیبت به او می رسد و حتی از یکی از آنها پند نمی گیرد که اگر پند می گرفت، سختی ها و کار دنیا بر او آسان می شد: مصیبت نخست، روزی است که از عمر او کم می شود، در صورتی که اگر از مال او چیزی کم شود، غمگین می شود، حال آن که مال، جایگزین دارد؛ اما عمر از دست رفته جبران نمی شود. مصیبت دوم، آن است که روزی اش را به طور کامل می طلبد که اگر از راه حلال باشد، باید حساب پس بدهد و اگر از راه حرام باشد، کیفر می بیند. مصیبت سوم، از همه اینها بزرگ تر است. هیچ روزی را به شب نمی رساند مگر آن که یک منزل به آخرت، نزدیک شده است؛ اما نمی داند به سوی بهشت می رود یا به سوی آتش.

امام سجاد علیه السلام: **حَقُّ اللِّسَانِ اِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَى وَ تَعْوِيْدُهُ الْخَيْرَ وَ تَرْكُ الْفُضُولِ الَّتِي لَا فَايْدَةَ لَهَا وَ الْبِرُّ بِالنَّاسِ وَ حُسْنُ الْقَوْلِ فِيهِمْ؛ ❁**

حق زبان، احترام گذاشتن به آن با ترك زشت گویی، عادت دادنش به خوبی، ترك گفتار بی فایده و نیکی به مردم و خوشگویی درباره آنان است.

امام سجاد علیه السلام: **اِعْتَبِرُوا يَا اَوْلِيَ الْاَبْصَارِ! وَ اِحْمَدُوا اللّٰهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ، وَ اَعْلَمُوا اَنَّكُمْ لَا تَخْرُجُونَ مِنْ قُدْرَةِ اللّٰهِ اِلَى غَيْرِ قُدْرَتِهِ، وَ سَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُوْلُهُ ثُمَّ اِلَيْهِ تُحْشَرُونَ، فَانْتَفِعُوا بِالْعِظَةِ وَ تَادَّبُوا بِاَدَابِ الصّٰلِحِيْنَ؛ ❁**

شما ای اهل بصیرت! پند گیرید و خدا را برای این که هدایتان کرد، سپاس گوید و بدانید که از قبضه قدرت خداوند، به سوی قدرتی دیگر بیرون نتوانید رفت، و خدا و فرستاده اش، به زودی کردار شما را می بینند و آن گاه، در پیشگاه او، گرد آورده می شوید. پس از اندرزا بهره گیرید و ادب شایستگان را داشته باشید.

امام سجاد علیه السلام: **خَيْرُ مَفَاتِيحِ الْاُمُوْرِ الصِّدْقُ وَ خَيْرُ خَوَاتِمِهَا الْوَفَاءُ؛ ❁**

بهترین شروع کارها، صداقت و راستگویی و بهترین پایان آنها، وفا است.

امام سجاد علیه السلام: سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْأَعْرَافَ بِالنِّعْمَةِ لَهُ حَمْدًا سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْأَعْرَافَ بِالْعَجْزِ عَنِ الشُّكْرِ شُكْرًا؛

پاك است خدایی كه اعتراف به نعمتش را ستایش قرار داد. و پاك است خدایی كه اعتراف به ناتوانی از شكرش را شكر قرار داد.

امام سجاد علیه السلام: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ، وَاشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ، وَانْعَشْهُ بِخَوْفِكَ وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ، وَقَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ اِلَيْكَ، وَامِلْهُ اِلَى طَاعَتِكَ ... ؛

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و دلم را برای محبتت فارغ و به یادت مشغول گردان و با ترس و هراس از خودت طراوت بخش و با رغبت به سویت نیرومند و به طاعتت مشتاق گردان.

امام سجاد علیه السلام: اَللّٰهُمَّ! اِنِّيْ اَعْتَدِرُ اِلَيْكَ مِنْ مَظْلُوْمٍ ظَلَمَ بِحَضْرَتِيْ فَلَمْ اَنْصُرْهُ ... ؛

خدایا! از پیشگاه تو عذر می خواهم از این كه در حضور من به مظلومی ظلم شده باشد و او را یاری نكرده باشم.

امام سجاد علیه السلام: اَلذُّنُوْبُ الَّتِيْ تُنَزَّلُ النَّقْمُ: عَصِيَانُ الْعَرَفِ بِالْبَغْيِ وَ النَّطَّوْلُ عَلَي النَّاسِ وَ الْاِسْتِهْزَاءُ بِهِمْ وَ السُّخْرِيَّةُ مِنْهُمْ؛

گناهانی كه عذاب را به همراه می آورند، عبارت اند از: ظلم كردن کسی كه ظلم و تجاوز را می شناسد، و دست اندازی بر جان و مال مردم، و به ریشخند گرفتن و مسخره كردن مردم.

امام سجاد علیه السلام: اَللّٰهُمَّ! يَا مَنْ لَا يَرْعَبُ فِي الْجَزَاءِ وَ يَا مَنْ لَا يَنْدَمُ عَلَي الْعَطَاءِ، وَ يَا مَنْ لَا يُكَافِيْ عِبْدَهُ عَلَي السَّوَاءِ، مِنْتَكَ اِبْتِدَاءً، وَ عَفْوُكَ تَفْضُّلٌ، وَ عِقُوْبَتُكَ عَدْلٌ، وَ قِضَاؤُكَ خَيْرَةٌ، اِنْ اَعْطَيْتَ لَمْ تَشِبْ عَطَاءَكَ بِمَنْ، وَ اِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنْعَكَ تَعَدِّيًّا، تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ وَ اَنْتَ اَلْهَمَّتَهُ شُكْرَكَ؛

خدایا! ای کسی كه در برابر احسانت توقع جبران نداری، و ای کسی كه از بخشش پشیمان نمی شوی، و ای کسی كه مزد بنده خود را نه به همان اندازه [بلکه بیشتر] می دهی، تو در نعمت بخشیدن، آغازکننده ای و بخشایش از روی لطف است. مجازات عدالت است و قضاوت بهترین است. اگر عطا کنی، آن را به منت آلوده نمی کنی و اگر محروم نمایی، از

روی ستم نیست. هرکس تو را شکر گزارد، پاداشش می دهی و حال آن که شکر گزاری را تو خود به او الهام نموده ای.

امام سجاد علیه السلام: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اكْفِنِي مَوْنَةَ الْإِحْتِسَابِ وَ ارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ فَلَا شَتَّعَلَ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ وَ لَا احْتِمَلَ اِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ؛**

خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا از کسب روزی همراه با رنج، بی نیاز گردان و از جایی که گمان نمی رود، روزی ام ده، تا به خاطر طلب روزی، از عبادت تو باز نمانم و بار سنگین مشکلات کسب روزی را به دوش نکشم.

امام سجاد علیه السلام: **حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِثْلِ النِّكَاحِ، فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَا حًا وَ أُنْسًا وَ وَاقِيَةً وَ كَذَلِكَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَ يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ وَ وَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ يُكْرِمَهَا وَ يَرْفُقَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَعْلَى وَ طَاعَتُكَ بِهَا أَلْزَمَ فِيمَا أَحْبَبْتَ وَ كَرِهْتَ مَا لَمْ تَكُنْ مَعْصِيَةً فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرَّحْمَةِ وَ الْمُوَانَسَةِ وَ مَوْضِعَ السُّكُونِ إِلَيْهَا قِضَاءَ اللَّذَّةِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْ قِضَائِهَا وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛**

حق زن آن است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و آسایش و همدم و پرستار تو قرار داده است، هم چنین بر هر یک از شما واجب است که خداوند را به خاطر وجود دیگری ستایش کند و بداند که او نعمتی است که خداوند ارزانی داشته و واجب است که با نعمت خداوندی، رفتار نیک داشته باشد و او را گرمی بخشد و با او سازگاری کند و هر چند حق تو بر زنت بیشتر است و فرمان پذیری از تو، در هر چه دوست می داری یا نمی پسندی، تا آن جا که گناه نباشد، بر او لازم تر است، در هر حال او این حق را دارد که از تو مهربانی ببیند و از همدمی تو برخوردار شود، و حق دارد که در برآوردن کامی که به ناچار باید برآورده شود، آرامش و آسایشش تأمین شود و این حق بس بزرگ است و هیچ نیرو و توانی جز به خداوند نیست.

امام سجاد علیه السلام: **إِنَّ قَسْوَةَ الْبُطْنَةِ وَ فِتْرَةَ الْمَيْلَةِ وَ سُكْرَ الشَّبَعِ وَ عِزَّةَ الْمُلْكِ مِمَّا يُثَبِّطُ وَ يُبْطِئُ عَنْ الْعَمَلِ وَ يُنْسِي الذُّكْرَ؛**

پرخوری و سستی اراده و مستی سیری و غفلت حاصل از قدرت، از عوامل بازدارنده و کندکننده در عمل است و ذکر (خدا) را از یاد می برد.

امام سجاد علیه السلام: **اللَّهُمَّ ... وَ أَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنْ، وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ؛**

خدایا! به دست من برای مردم خیر و نیکی جاری ساز و آن را با منت گذاری من تباه مکن و مرا اخلاق والا عطا فرما و از فخر فروشی نگاه دار.

امام سجاد علیه السلام: **أَمَّا حَقُّ مَالِكَ فَإِنَّ لَاتَأْخُذَهُ إِلَّا مِنْ حِلِّهِ، وَ لَاتُنْفِقَهُ إِلَّا فِي وَجْهِهِ وَ لَاتُؤْتِرَ عَلَى نَفْسِكَ مَنْ لَا يَحْمَدُكَ، فَاعْمَلْ بِهِ بِطَاعَةِ رَبِّكَ وَ لَاتَبْخُلْ بِهِ فِتْبَوَاءَ بِالْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ مَعَ التَّبِعَةِ؛**

حق دارایی ات این است که آن را جز از حلال به دست نیاوری و جز در راه درست، خرج نکنی و [در خرج کردن دارایی ات] کسی را که قدرشناس تو نیست، بر خود، ترجیح ندهی. پس آن را در راه اطاعت پروردگارت به کار بر و در آن بخل نوز، که غیر از پیامدهای بدش، گرفتار حسرت و پشیمانی نیز خواهی شد.

امام سجاد علیه السلام: **أَمَّا حَقُّ جَارِكَ فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَ إِكْرَامُهُ شَاهِدًا وَ نُصْرَتُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا وَ لَاتَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً فَإِنَّ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سَوْءَ سِتْرَتِهِ عَلَيْهِ وَ إِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَتَكَ نَصَحْتَهُ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ وَ لِأَسْلَمَهُ عِنْدَ شَدِيدَةٍ وَ تُقِيلُ عَثْرَتَهُ وَ تَغْفِرُ ذَنْبَهُ وَ تُعَاشِرُهُ مُعَاشِرَةً كَرِيمَةً؛**

اما حق همسایه ات این است که در غیاب او آبرویش را حفظ کنی و در حضورش او را احترام نهی. اگر به او ظمی شد یاریش رسانی، دنبال عیب هایش نباشی، اگر بدی از او دیدی بپوشانی، اگر بدانی نصیحت تو را می پذیرد، او را در خفا نصیحت کنی، در سختی ها رهایش نکنی، از لغزشش درگذری، گنااهش را ببخشی و با او به خوبی و بزرگواری معاشرت کنی.

امام سجاد علیه السلام: **اللَّهُمَّ ... أَحِبَّنِي وَ حَبِّبْنِي وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَا تُحِبُّ مِنَ الْقَوْلِ وَ الْعَمَلِ حَتَّى أَدْخُلَ فِيهِ بِذَّةٍ وَ أَخْرُجَ مِنْهُ بِنَشَاطٍ؛**

بار خدایا! مرا دوست مدار و نزد دیگران محبوبم گردان و گفتار و کرداری را که دوست داری، نزد من محبوب گردان تا با لذت وارد آنها شوم و با نشاط به انجامشان رسانم.

الإمام زين العابدين عليه السلام : **مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجْرًا فَقَالَ : مَا هَذَا ؟ قَالُوا : نَعْرِفُ بِذَلِكَ أَشَدَّنَا وَأَقْوَانَا .**

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : **أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدِّكُمْ وَأَقْوَاكُمْ ؟**

قَالُوا : **بَلَى ، يَا رَسُولَ اللَّهِ .**

قال : **أَشَدُّكُمْ وَأَقْوَاكُمْ الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي إِثْمٍ وَلَا بَاطِلٍ ، وَإِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ سَخِطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ ، وَإِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ بِحَقٍّ .**

امام زین العابدین علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله بر گروهی گذشت که سنگی را بلند می کردند . فرمود : «این چه کاری است؟» .

گفتند : با این کار ، نیرومندترین و محکم ترین خود را می شناسیم .

فرمود : «آیا به شما خبر دهم که محکم ترین و نیرومندترین شما کیست؟» .

گفتند : بلی ، ای پیامبر خدا .

فرمود : «محکم ترین و نیرومندترین شما ، کسی است که هر گاه خشنود شود ، خشنودی اش او را به گناه و باطل نکشاند ، و هر گاه خشمگین شود ، خشمش ، او را از سخن حق ، بیرون نراند ، و هر گاه به قدرت رسید ، به کار غیر حق ، دست نزند» .

الإمام زین العابدین علیه السلام : رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ .

امام زین العابدین علیه السلام : تمام خیر و برکت را در بُریدن طمع از آنچه در دست مردم است ، یافتم .

الإمام زین العابدین علیه السلام : أَمَا حَقُّ جَلِيسِكَ : فَإِنَّ ثَلَاثِينَ لَهُ جَانِبَكَ ، وَتُنْصِفُهُ فِي مُجَازَاةِ اللَّفْظِ ، وَلَا تَقُومُ مِنْ مَجْلِسِكَ إِلَّا بِإِذْنِهِ . وَمَنْ يَجْلِسُ إِلَيْكَ يَجُوزُ لَهُ الْقِيَامُ عَنْكَ بِغَيْرِ إِذْنِكَ ، وَتَنْسَى زَلَّاتِهِ ، وَتَحْفَظُ خَيْرَاتِهِ ، وَلَا تُسْمِعُهُ إِلَّا خَيْرًا .

امام زین العابدین علیه السلام : حق همنشین تو عبارت است از این که : با او نرمی کنی ، و در توییح لفظی ، انصاف را رعایت کنی ، و جز با اذن او از جایت برنخیزی ، و این که اگر نزد تو نشست ، بتواند بدون اجازه تو برخیزد ، لغزش هایش را فراموش کنی و خوبی هایش را به یاد داشته باشی و جز نیکی به گوشش نرسانی .

الإمام زین العابدین صلی الله علیه و آله : إِنَّ رَجُلًا رَكِبَ الْبَحْرَ بِأَهْلِهِ فَكَسِرَ بِهِمْ ، فَلَمْ يَنْجُ مِمَّنْ كَانَ فِي السَّفِينَةِ إِلَّا امْرَأَةً الرَّجُلِ ، فَإِنَّهَا نَجَتْ عَلَى لَوْحٍ مِنْ أَلْوَابِ السَّفِينَةِ حَتَّى أَجَاتَ عَلَى جَزِيرَةٍ مِنْ جَزَائِرِ الْبَحْرِ ، وَكَانَ فِي تِلْكَ الْجَزِيرَةِ رَجُلٌ يَقَطُّعُ الطَّرِيقَ وَلَمْ يَدْعِ لِلَّهِ حُرْمَةً إِلَّا أَنْتَهَكَهَا ، فَلَمْ يَعْلَمْ إِلَّا وَ الْمَرَأَةُ قَائِمَةٌ عَلَى رَأْسِهِ ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيْهَا فَقَالَ : إِنْسِيَّةٌ أَمْ جَنِّيَّةٌ؟

فَقَالَتْ : إِنْسِيَّةٌ ، فَلَمْ يُكَلِّمَهَا كَلِمَةً حَتَّى جَلَسَ مِنْهَا مَجْلِسَ الرَّجُلِ مِنْ أَهْلِهِ ، فَلَمَّا أَنْ هَمَّ بِهَا اضْطَرَبَتْ ، فَقَالَ لَهَا : مَا لَكَ تَضْطَرِبِينَ؟

فَقَالَتْ : أَفَرَّقُ مِنْ هَذَا؟ وَأَوْمَأَتْ بِيَدِهَا إِلَى السَّمَاءِ .

قَالَ : فَصَنَعْتَ مِنْ هَذَا شَيْئًا .

قَالَتْ : لَا وَعِزَّتِهِ .

قال : فَأَنْتِ تَفَرِّقِينَ مِنْهُ هَذَا الْفَرْقَ وَلَمْ تَصْنَعِي مِنْ هَذَا شَيْئاً ، وَإِنَّمَا أَسْتَكْرَهُكَ اسْتِكْرَاهاً ، فَأَنَا وَاللَّهِ أَوْلَى بِهَذَا الْفَرْقِ وَالْخَوْفِ وَأَحَقُّ مِنْكَ ، قَالَ فَقَامَ وَلَمْ يُحَدِّثْ شَيْئاً ، وَرَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ وَلَيْسَتْ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا التَّوْبَةُ وَالْمُرَاجَعَةُ ، فَبَيْنَا هُوَ يَمْشِي إِذْ صَادَفَهُ رَاهِبٌ يَمْشِي فِي الطَّرِيقِ فَحَمِيَتْ عَلَيْهِمَا الشَّمْسُ ، فَقَالَ الرَّاهِبُ لِلشَّابِّ : أَدْعُ اللَّهَ يُظِلَّنَا بِعِمَامَةٍ ، فَقَدَ حَمِيَتْ عَلَيْنَا الشَّمْسُ .

فَقَالَ الشَّابُّ : مَا أَعْلَمُ أَنَّ لِي عِنْدَ رَبِّي حَسَنَةً فَأَتَجَسَّرَ عَلَى أَنْ أَسْأَلَهُ شَيْئاً !
قال : فَأَدْعُوا أَنَا وَتُوعَمَنَّ أَنْتِ .

قال : نَعَمْ ، فَأَقْبَلَ الرَّاهِبُ يَدْعُو وَالشَّابُّ يُوعَمَنَّ ، فَمَا كَانَ بِأَسْرَعٍ مِنْ أَنْ أَظَلَّتْهُمَا عِمَامَةٌ فَمَشِيَ تَحْتَهَا مَلِيّاً مِنَ النَّهَارِ ، ثُمَّ تَفَرَّقَتِ الْجَادَّةُ جَادَّتَيْنِ ، فَأَخَذَ الشَّابُّ فِي وَاحِدَةٍ وَأَخَذَ الرَّاهِبُ فِي وَاحِدَةٍ ، فَإِذَا السَّحَابَةُ مَعَ الشَّابِّ !
فَقَالَ الرَّاهِبُ : أَنْتِ خَيْرٌ مِنِّي لَكَ اسْتَجِيبَ وَلَمْ يُسْتَجَبْ لِي فَأَخْبِرْنِي مَا قِصَّتُكَ ، فَأَخْبَرَهُ بِخَبَرِ الْمَرَأَةِ .

فَقَالَ : غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى حَيْثُ دَخَلْتَ الْخَوْفَ ، فَانظُرْ كَيْفَ تَكُونُ فِيمَا تَسْتَقْبِلُ؟ !

امام زين العابدين عليه السلام : مردی با خانواده خود ، به سفری دریایی رفت . کشتی آنها درهم شکست و هیچ کس ، جز همسر آن مرد ، نجات پیدا نکرد . او بر تخته شکسته ای از کشتی نجات یافت و به جزیره ای پناه برد .

در آن جزیره ، مردی راهزن بود که هیچ حریمی برای خدا نبود که او آن را هتک نکرده باشد . ناگهان دید که آن زن بالای سرش ایستاده است . سرش را به سوی او بلند کرد و پرسید : انسانی یا جنی؟

زن پاسخ داد : انسانم .

مرد ، بی آن که با او سخنی بگوید ، همانند مردی که با همسرش می نشیند ، نزد او نشست . هنگامی که قصد نزدیکی با او کرد ، زن پریشان شد . مرد از وی پرسید : چرا پریشان و نگران شدی؟

پاسخ داد : از این (خدا) می ترسم ، و به آسمان اشاره کرد .

مرد گفت : آیا تا به حال چنین کاری کرده ای (زنا داده ای)؟

زن پاسخ داد : نه ؛ به عزتت سوگند .

مرد گفت : تو این چنین از او می ترسی ، در حالی که چنین کاری نکرده ای . و اینک هم

من تو را مجبور می کنم؟! به خدا سوگند که من به پریشانی و ترس ، از تو سزاوارترم .

سپس مرد برخاست . و هیچ کاری نکرد و به سوی خانواده اش رهسپار شد ، در حالی که هیچ فکری جز توبه به سوی خداوند نداشت .

در همان اندیشه راه می رفت که راهبی در راه با او برخورد کرد . خورشید ، گرمای

سوزانی بر آن دو می تاباند . راهب به جوان گفت : از خداوند بخواه که برایمان ابری سایه افکن فراهم کند . خورشید ، گرمای سوزانی دارد .
جوان گفت : گمان نمی کنم هیچ خوبی ای در پیشگاه خداوند داشته باشم تا با آن جرئت درخواست از او را داشته باشم .
راهب گفت : پس من دعا می کنم ، تو آمین بگو .
جوان پاسخ داد : باشد .

راهب ، دعا می کرد و جوان ، آمین می گفت ، طولی نکشید که ابری بر آنها سایه گستراند . هر دو مدتی را زیر سایه ابر ، راه طی کردند . آن گاه ، راهشان جدا شد .
جوان به راهی و راهب به راه دیگری رفت . ابر با جوان همراه شد . راهب به وی گفت :
تو از من بهتری . برای این که دعای تو اجابت شد و دعای من اجابت نشد . به من بگو ماجرایت چیست؟

جوان ، ماجرای خود را با آن زن برای راهب بازگفت . راهب گفت : به جهت ترسی که از خداوند در دلت راه یافت ، گناهان گذاشته ات آمرزیده شد . دقت کن که در آینده چگونه خواهی بود .

الإمام زين العابدين عليه السلام : اللّجاجة مقرّونة بالجهالة ، والحمية موصولة بالبليّة ، وسبب الرّفعة التّواضع .

امام زين العابدين عليه السلام : لجاجت ، با نادانی همراه است؛ غیرت ، با گرفتاری گره خورده است؛ و عامل بزرگی ، فروتنی است .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في مُناجاتِهِ - رَبَّنَا ... وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِالنَّشَاطِ وَأَعِدْنَا مِنَ الْفَشْلِ وَالْكَسَلِ .

امام زين العابدين عليه السلام - در مناجاتش - : پروردگارا! شادابی را به ما ارزانی کن و از کاهلی و سستی ، ما را پناه ده .

الإمام زين العابدين عليه السلام - وكانَ مِنْ دُعائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْلَدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - :
اللّهُمَّ وَمَنْ عَلَيَّ بِبِقَاءِ وُلْدِي وَبِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَبِإِمْتَاعِي بِهِمْ .
إِلَهِي امدد لي في أعمارِهِمْ ، وزد لي في آجالِهِمْ ، وربِّ لي صغيرَهُمْ ، وقوِّ لي ضعيفَهُمْ ،
وأصحِّ لي أبدانَهُمْ وأديانَهُمْ وأخلاقَهُمْ ، وعافِهِمْ في أنفُسِهِمْ وفي جوارِحِهِمْ وفي كُلِّ ما عُنيْتَ
بِهِ مِنْ أمرِهِمْ ، وأدرِّر لي وعلى يدي أرزاقَهُمْ .
وَاجْعَلْهُمْ أبرارا أتقياءَ بُصراءَ سامعينَ مُطيعينَ لَكَ ، ولأولِيائِكَ مُحَبِّينَ مُناصِحينَ ، ولِجَميعِ
أعدائِكَ مُعادينَ ومُبغِضينَ ، آمينَ .

اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي ، وَأَقِمْ بِهِمْ أَوْدِي ، وَكَثِّرْ بِهِمْ عَدْدِي ، وَزَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي ، وَأَحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي ، وَاكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي ، وَأَعِنِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي ، وَاجْعَلْهُمَ لِي مُحِبِّينَ ، وَعَلَيَّ حَدِيثِينَ مُقْبَلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي ، مُطِيعِينَ ، غَيْرَ عَاصِينَ وَلَا عَاقِينَ وَلَا مُخَالِفِينَ وَلَا خَاطِنِينَ . وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ ، وَبِرِّهِمْ ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي ، وَاجْعَلْهُمَ لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ . وَأَعِزَّنِي وَذَرِّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ .

فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَأَمَرْتَنَا وَنَهَيْتَنَا وَرَعَّبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا وَرَهَبْتَنَا عِقَابَهُ ، وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا ، سَلَّطْتَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ ، أَسَكَّنْتَهُ صُدُورَنَا ، وَأَجْرَيْتَهُ مَجَارِي دِمَائِنَا .

لَا يَغْفُلُ إِنْ عَفَلْنَا ، وَلَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا ، يُؤْمِنُنَا عِقَابَكَ ، وَيُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ . إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا عَلَيْهَا ، وَإِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ تَبَطَّنَا عَنْهُ ، يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ ، وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ ، إِنْ وَعَدْنَا كَذِبًا ، وَإِنْ مَنَّا أَخْلَفْنَا ، وَإِلَّا تَصْرِفُ عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلُّنَا ، وَإِلَّا تَقِنَا خِبَالَهُ يَسْتَرْلِنَا .

اللَّهُمَّ فَاقْهَرِ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ فَتُصْبِحَ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَعْصُومِينَ بِكَ .

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي ، وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي ، وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ ضَمِنْتَهَا لِي ، وَلَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ ، وَآمَنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ .

وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ ، الْمُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ غَيْرَ الْمَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ . الْمُعَوِّدِينَ بِالتَّعَوُّدِ بِكَ ، الرَّابِحِينَ فِي التَّجَارَةِ عَلَيْكَ ، الْمُجَارِينَ بِعِزِّكَ ، الْمُوسِّعَ عَلَيْهِمُ الرِّزْقَ الْحَلَالَ مِنْ فَضْلِكَ ، الْوَاسِعَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ، الْمُعَزِّينَ مِنَ الذُّلِّ بِكَ ، وَالْمُجَارِينَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ ، وَالْمُعَافِينَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ ، وَالْمُغْنِينَ مِنَ الْفَقْرِ بِغِنَاكَ ، وَالْمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ وَالْخَطَايَا بِتَقْوَاكَ ، وَالْمُؤَفِّقِينَ لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ ، وَالْمُحَالِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ ، التَّارِكِينَ لِكُلِّ مَعْصِيَتِكَ ، السَّاكِنِينَ فِي جِوَارِكَ .

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ ، وَأَعِزَّنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ، وَأَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ عَفُوفٌ غَفُورٌ رَوْفٌ رَحِيمٌ .
وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ .

امام زين العابدين عليه السلام - از دعاهاى ايشان براى فرزندان - : بار خدايا! بر من منت گذار و فرزندانم را برايم نگو دار، شايستگى شان ده ، وبرايم بهره اى درآنان نه ، عمرشان را دراز فرما و بر زندگاني شان بيفزا ، خردسالشان را پرورش ده ، ناتوانشان

را توانا ساز ، تنشان ، دینشان و اخلاقشان را به سلامت دار ، در جان و جسمشان ، و در هر کار از کارهایشان که در آن می کوشند ، عافیت نه ، و روزی شان را برای من و به دست من ، پیوسته قرار ده .

[بار خدایا!] فرزندانم را همه ، از نیکان ، پرهیزگاران ، بینایان ، شنوندگان ،

فرمانبردارانِ خویش و دوستدار و نیکخواه دوستانت گردان ، و چنان کن که دشمن و کین توز دشمنانت باشند . آمین !

بار خدایا! بازویم را به نیروی فرزندانم توانا ساز ، نابسامانی هایم را بدانان سامان ده ، شمار یارانم را بدیشان فزونی بخش ، و مجلسم را بدانان (به آنان) بیارای ، نامم را بدیشان زنده بدار ، و در نبودنم ، آنان را به کارم برگمار ، و در نیازمندی ها آنان را به یاری ام وا دار .

[بار خدایا!] چنان کن که فرزندانم دوستدار من باشند ، به من مهر بورزند ، به من روی آورند ، و در یاری ام پایدار باشند . چنان کن که فرمانبردارم باشند ، نه عصیانگر و نافرمان ، و نه از مخالفان و خطاکاران .

[بار خدایا!] مرا در پرورش و تربیت و نیکی به آنان موفق دار ، و همراه آنان ، فرزندانِ پسر نیز ارزانی ام دار ، خیرم را در آن نه ، و مرا در آنچه از تو خواسته ام ، بدانان یاری ده ، و مرا و فرزندانم را از شرّ شیطان رانده شده ، پناه ده .

[بار خدایا!] تو ما را آفریده ای و به نیکی امر کرده و از بدی بازداشته ای ، به ثوابِ

فرمانبرداری ات تشویق ، و از عقابِ نافرمانی ات بیمناک ساخته ای ، کسی را که در کار

ما نیرنگ می کند ، به دشمنی ما گمارده ای ، (شیطان) ، و در اموری وی را بر ما چیره

کرده ای که ما را بر وی چیره نکرده ای . او را در سینه های ما جای داده ای و چون

خون در رگ هایمان روان ساخته ای . اگر از وی شویم ، از ما غافل نمی شود ، اگر

فراموشش کنیم ، فراموشمان نمی کند ، کيفرت را در نظر ما ناچیز می نماید ، و ما را از

دیگری جز تو می ترساند . اگر آهنگ گناه کنیم ، در ارتکاب آن ، دلیرمان می گرداند و

اگر آهنگ کاری شایسته کنیم ، از گزاردنش بازمان می دارد ، هواهای نفسانی را برای ما

می آراید و شبّهات را به ما می نمایاند . اگر وعده مان دهد ، دروغ ، می گوید ، و اگر

آرزویی در دلمان برانگیزد ، خلاف آن می کند . اگر مکرش را از ما باز نگردانی ، گم

راهمان می سازد و اگر از تبهکاری اش بازمان نداری ، ما را می لغزاند .

بار خدایا! به توانایی ات قدرتش را در هم شکن ، تا بنیان سعادتمان را نلرزاند ، و توفیق

دعایمان ده تا ما را از مکر و فریبش نگه دارد .

بار خدایا! همه خواسته هایم را عطا کن ، حوایجم را برآور ، و از اجابت محرومم مساز ،

که اجابت را خود بر عهده گرفته ای . دعایم را از درگاهت مگردان ، که خود بدان فرمانم

داده ای . آنچه دنیا و آخرت را اصلاح می کند ، عظیم کن : بر زبانش آورده باشم یا از یادش برده باشم ، اظهارش کرده باشم یا در دل نهان داشته باشم ، آشکارش کرده باشم یا پوشانده باشم .

[بار خدایا!] چنان کن که در همه حال ، با درخواست از تو ، از مصلحان باشم ، و با طلب از درگاهت ، از کام یافتگان گردم ، و با توکل بر تو از کسانی نباشم که محروم اند .

[بار خدایا!] در شمار آنانم بر پناه جستن به تو خو گرفته اند و از سودایت سود برده اند و در آسایشگاه عزت آرمیده اند و از کرامت به روزی حلال ، دست یافته اند و از بخشش به فراخی نعمت رسیده اند و با تو از ذلت به عزت دست یافته اند و از ستم به دادگری ات پناه جسته اند و به مهرت از گرفتاری رهیده اند و از توانگری ات توانگری یافته اند و به پارسایی ات از گناه و لغزش مصون مانده اند و به طاعتت به خیر و رشاد (براه راست رفتن, راستی) و صواب ، توفیق یافته اند ، و به قدرتت از گناهان رهایی یافته و در کوی رحمت آرمیده اند .

بار خدایا! همه این خواسته ها را به توفیق و مهرت ارزانی ام دار ، و ما را از عذاب دوزخ ننگه دار ، و همه مردان و زنان با ایمان را در این سرای در گذار و آخرت ماندگار ، بدانچه برای خود و فرزندانم خواسته ام گرامی دار ، که تو نزدیک و اجابت کننده ای ، شنوای دانایی ، در گذرنده و آمرزگاری ، نرم خوی و مهربانی .
ما را در این دنیا نیکی و در آخرت ، نیکی عطا فرمای و از عذاب آتش ، رهایی مان بخش .

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَخَرَجَ إِلَيْهِ فِي رِدَاءٍ مُمَشَّقٍ .

فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، لَقَدْ خَرَجْتَ إِلَيَّ كَأَنَّكَ فَتَى .

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : نَعَمْ يَا أَعْرَابِيٌّ ، أَنَا الْفَتَى ، ابْنُ الْفَتَى ، أَخُو الْفَتَى .

فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، أَمَّا الْفَتَى فَنَعَمْ ، وَكَيْفَ ابْنُ الْفَتَى وَأَخُو الْفَتَى؟

فَقَالَ : أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : « قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُوَ إِبْرَاهِيمُ » فَأَنَا

ابْنُ إِبْرَاهِيمَ ، وَأَمَّا أَخُو الْفَتَى فَإِنَّ مُنَادِيَا نَادَى فِي السَّمَاءِ يَوْمَ أُحُدٍ : « لَا سَيْفَ إِلَّا دُو الْفَقَارِ

وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ ، فَعَلِيٌّ أَخِي وَأَنَا أَخُوهُ » .

امام زين العابدين عليه السلام : مردی بادیه نشین ، نزد پیامبر خدا آمد . پیامبر صلی الله علیه و آله با عبایی سرخ رنگ ، بیرون آمد . بادیه نشین گفت : ای محمد! طوری بیرون آمده ای که گویا جوان هستی! !

فرمود : «بلی ، ای بادیه نشین! من جوانم ، فرزند جوان و برادر جوان» .

مرد گفت : ای محمد! خودت جوانی ، آری ؛ ولی چگونه فرزند جوان و برادر جوانی؟
فرمود : «آیا سخن خداوند عز و جل را در قرآن نشنیده ای که می فرماید : «گفتند :
شنیدیم جوانی ، از آنها [به بدی] یاد می کرد که به او ابراهیم گفته می شود...» و من ،
فرزند ابراهیم هستم . و اما برادر جوان هستم؛ زیرا در روز نبرد احد ، منادی از آسمان
ندا داد که : "شمشیری جز نو الفقار ، و جوانی جز علی نیست" و علی ، برادر من است
و من ، برادر اویم» .

قرآن:

«وَرَدَّتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهَا وَ غَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ
إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ * وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِيَ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى
بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصَّرَفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» .

«و آن [بانو (زلیخا)] که یوسف در خانه اش بود ، خواست از او کام گیرد . درها را چفت
کرد و گفت: بیا که از آن توام . [یوسف] گفت: پناه بر خدا! او آقای من است ، به من
جای نیکو داده است . قطعاً ستمکاران ، رستگار نمی شوند . و در حقیقت ، [آن زن]
آهنگ وی کرد ، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود ، آهنگ او می کرد .
چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما
بود.»

الإمام زين العابدين عليه السلام : في قولِ الله عز و جل : «لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» .
قال : قامتِ امرأةُ العزيزِ إلى الصنمِ فألقت عليه ثوبا ، فقال لها يوسفُ : ما هذا
فألقت : أستحيي من الصنمِ أن يرانا .

فقال لها يوسفُ : أتستحيين من لا يسمع ولا يبصر ولا يفقه ولا يأكل ولا يشرب ولا
أستحيي أنا ممن خلق الإنسان وعلمه فذلك قوله عز و جل : «لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» .

امام زين العابدين عليه السلام - درباره اين سخن خداوند عز و جل : - «اگر برهان
پروردگارش را ندیده بود ، : «...همسر عزيز مصر به سمت بت رفت و پارچه ای بر او
افکند . یوسف عليه السلام به وی گفت : «این ، چه کاری است؟» .
زن گفت : خجالت می کشم که بت ما را ببیند .

یوسف عليه السلام به وی گفت : «تو از چیزی که نمی شنود و نمی بیند و درك نمی کند
و نمی خورد و نمی آشامد ، حیا می کنی و من از کسی که انسان را آفرید و به او آموخت
، حیا نکنم؟!» . این است معنای سخن خداوند عز و جل : اگر برهان پروردگارش را
ندیده بود...» .

الإمام زين العابدين عليه السلام : من سعادة الرجل أن يكون له ولد يستعين بهم .

امام زين العابدين عليه السلام : از سعادت مرد ، داشتن فرزندانى است كه از آنها كمك مى گيرد .

الإمام زين العابدين عليه السلام - في بيان الحقوق - : و أما حقّ ولدك فإن تعلم أنه منك ، و مضاف إليك في عاجل الدنيا بخيره و شره ، و أنك مسؤولٌ عما وليته من حسن الأدب و الدلالة على ربّه ، عز و جلّ والمعونة على طاعته ، فأعمل في أمره عمل من يعلم أنه مثاب على الإحسان إليه ، معاقب على الإساءة إليه .

امام زين العابدين عليه السلام : و اما حقّ فرزندت اين است كه بدانى او از توست و با خوب و بدش در دنيا ، منتسب به توست و بى گمان ، تو درباره آنچه بر عهده ات است : خوب تربيت كردن او و او را به سوى خداوند عز و جل راهنمايى كردن و به فرمان بردارى از او (خداوند) يارى كردن ، مسئولى . پس در كار او ، همانند كسى عمل كن كه مى داند براى نيكي كردن به او پاداش مى گيرد و بر بدى كردن به او مجازات مى شود .

عنه عليه السلام : و أما حقّ ولدك فتعلم أنه منك ، و مضاف إليك في عاجل الدنيا بخيره و شره ، و أنك مسؤولٌ عما وليته من حسن الأدب و الدلالة على ربّه ، والمعونة له على طاعته فيك وفي نفسه ، فمثاب على ذلك و معاقب ، فأعمل في أمره عمل المتزين بحسن أثره عليه في عاجل الدنيا ، المعذر إلى ربّه فيما بينك و بينه بحسن القيام عليه و الأخذ له منه ، و لا قوة إلا بالله .

امام زين العابدين عليه السلام : و اما حقّ فرزندت ، اين است كه بدانى او از توست و با خوب و بدش در دنيا منسوب به توست و تو درباره آنچه بر عهده ات است ، يعنى : خوب تربيت كردن او ، او را به سوى خداوند عز و جل راهنمايى كردن ، و در كار فرمان بردارى از خداوند در حقّ تو و خودش يارى كردن ، مسئولى و بر آن ، هم پاداش مى گيرى و هم مجازات مى شوى . پس در كار [تربيت] او ، همانند كسى رفتار كن كه در اين دنيا با اثر نيكش در حقّ او كارش را مى آرايد و در آنچه ميان تو و پروردگارت است ، به خاطر انجام دادن درست آن و نتيجه اى كه از آن مى گيرى ، نزد او معذور است و نيروى نيست جز از خدا .

الإمام زين العابدين عليه السلام : أما صوم التّأديب فإن يؤخذ الصّبي إذا راهق بالصّوم ، تأديبا و ليس بفرض .

امام زين العابدين عليه السلام : اما روزه آموزشى اين است كه وقتى كودك ، نزديك بلوغ رسيد ، براى تربيت ، و نه آن كه واجب باشد ، به روزه گرفتن ، وا داشته مى شود .

الإمام زين العابدين عليه السلام : حَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَتُهُ فِي تَعْلِيمِهِ، وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسَّتْرُ عَلَيْهِ، وَالرَّفْقُ بِهِ ، وَالْمَعُونَةُ لَهُ ... وَحَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ ... أَنْ يَكُونَ شَيْوْخُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَبِيكَ، وَشَبَابُهُمْ، بِمَنْزِلَةِ إِخْوَتِكَ ، وَعَجَائِزُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أُمَّكَ، وَالصَّغَارُ بِمَنْزِلَةِ أَوْلَادِكَ .

امام زين العابدين عليه السلام : حقّ خردسال ، مهربانی در آموزش او ، بخشیدن او و پوشاندن [اشتباهات] او ، مدارا کردن با او و یاری کردن اوست . . . وحقّ هم کیشان تو این است که . . . پیرمردان آنها به جای پدر تو باشند و جوانانشان ، به جای برادران تو و زنان پیرشان به جای مادر تو و خردسالان [آنها] به جای فرزندان تو .

الإمام زين العابدين عليه السلام : قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمَا [لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام] : قَوْمَا الْآنَ فَاصْطِرِعَا، فَقَامَا لِيَصْطِرِعَا، وَقَدْ خَرَجَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَام فِي بَعْضِ حَاجَتِهَا، فَدَخَلَتْ فَسَمِعَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَقُولُ : يَا حَسَنُ! شَدَّ عَلَى الْحُسَيْنِ فَاصْرَعَهُ .

فَقَالَتْ لَهُ : يَا أَبَاهُ، وَاعْجَبَاهُ! أَتَشَجُّعُ هَذَا عَلَى هَذَا، أَتَشَجُّعُ الْكَبِيرِ عَلَى الصَّغِيرِ؟ !
فَقَالَ لَهَا : يَا بِنَيَّةُ، أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ أَقُولَ أَنَا : يَا حَسَنُ، شَدَّ عَلَى الْحُسَيْنِ فَاصْرَعَهُ، وَهَذَا حَبِيبِي جِبْرَائِيلُ يَقُولُ : يَا حُسَيْنُ، شَدَّ عَلَى الْحَسَنِ فَاصْرَعَهُ؟

امام زين العابدين عليه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله به آن دو (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) فرمود : «هم اکنون ، برخیزید و کشتی بگیرید» .
آن دو از جای برخاستند تا کشتی بگیرند . فاطمه علیها السلام که برای کاری [از خانه] خارج شده بود ، بر آنان وارد شد و شنید که پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید :
«دوباره ، ای حسن ! حسین را محکم بگیر و به زمین بزن» .

[از این رو] به پدر گفت : شگفتا ای پدر ! این را بر آن دیگری تحریک می کنی؟ آیا بزرگ تر را بر کوچک تر تحریک می کنی ؟ !

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «دختر عزیزم ! آیا خشنود نیستی از این که من بگویم : "ای حسن! حسین را محکم بگیر و به زمین بزن ؛ در حالی که دوست من جبرئیل می گوید : "ای حسین! حسن را محکم بگیر و بر زمین بزن ؟"» .

الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دَعَائِهِ لَوْلَدِهِ - : اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَيَّ بِبَقَاءِ وُلْدِي، وَبِإِصْلَاحِهِمْ لِي، وَبِإِمْتَاعِي بِهِمْ، إِلَهِي أَمُدُّ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ، وَرَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَقَوِّ لِي ضَعِيفَهُمْ، وَأَصِحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَأَدْيَانَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ، وَعَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِحِهِمْ وَفِي كُلِّ مَا عُنَيْتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَأَدْرِ لِي وَعَلَى يَدَيَّ أَرْزَاقَهُمْ، وَاجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتَقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَلِأَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ ، وَلِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَمُبْغِضِينَ، آمِينَ .

اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي، وَأَقِمْ بِهِمْ أَوْدِي ●، وَكَثِّرْ بِهِمْ عَدْدِي، وَزَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي، وَأَحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي، وَاكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي، وَأَعِنِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي، وَاجْعَلْهُمُ لِي مُحِبِّينَ، وَعَلَيَّ حَدِيثِينَ ● مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي، مُطِيعِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَلَا عَاقِبِينَ، وَلَا مُخَالِفِينَ وَلَا خَاطِبِينَ، وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرِّهِمْ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا، وَاجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي، وَاجْعَلْهُمُ لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ .

وَأَعِزَّنِي وَذَرِّبْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَأَمَرْتَنَا وَنَهَيْتَنَا، وَرَغَبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا، وَرَهَبْتَنَا عِقَابَهُ، وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا، سَاطِطَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ، أَسَكَّنْتَهُ صُدُورَنَا، وَأَجْرِيَّتَهُ مَجَارِي دِمَائِنَا، لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا، وَلَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا، يُؤْمِنُنَا عِقَابَكَ وَيُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ، إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا عَلَيْهَا، وَإِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ تَبَطَّنَا ● عَنْهُ، يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ، وَيُنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ، إِنْ وَعَدْنَا كَذِبَنَا، وَإِنْ مَنَّا أَخْلَفْنَا، وَإِلَّا تَصْرَفْنَا عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلُّنَا، وَإِلَّا تَقْنَا خَبَالَهُ يَسْتَزِلُّنَا .

اللَّهُمَّ فَاقْهَرِ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ، حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ فَتُصْبِحَ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَعْصُومِينَ بِكَ .

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي، وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي، وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ ضَمِنْتَهَا لِي، وَلَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ، وَآمَنْتُ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ، أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ، وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ، الْمُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِيَّاكَ، غَيْرَ الْمَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، الْمُعَوِّدِينَ بِالتَّعَوُّذِ بِكَ، الرَّابِحِينَ فِي التَّجَارَةِ عَلَيْكَ، الْمُجَارِينَ بِعِزِّكَ، الْمُوسِّعِ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، الْمُعَزِّينَ مِنَ الدُّلِّ بِكَ، وَالْمُجَارِينَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ، وَالْمُعَافِينَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ، وَالْمُغْنِينَ مِنَ الْفَقْرِ بِغِنَاكَ، وَالْمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ وَالْخَطَايَا بِتَقْوَاكَ، وَالْمُؤَفِّقِينَ لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ، وَالْمُحَالِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ، التَّارِكِينَ لِكُلِّ مَعْصِيَتِكَ، السَّاكِنِينَ فِي جِوَارِكَ .

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَأَعِزَّنَا مِنَ عَذَابِ السَّعِيرِ، وَأَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ، عَفُوٌّ غَفُورٌ رَوْوْفٌ رَحِيمٌ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ● .

امام زين العابدين - از جمله دعاهاى ايشان براى فرزندانش - : بار الها ! با بقاى فرزندانم و با صالح گردانيدن آنان براى من و با بهره مند شدن من از آنان، بر من منت گذار .
خدای من! عمر آنان را برای من، طولانی گردان و مدت زمان [زندگی] آنان را برای من بیفزای و خردسالشان را برایم بیپرور و ناتوانشان را برایم نیرومند گردان و جسم و دین و اخلاق آنان را برایم سالم بدار و آنان را در جان و اعضایشان و در هر آنچه از امور آنان

که در نظر دارم ، سلامت بدار و به دست من ، روزی آنان را برای من ، فراوان گردان و آنان را نیکوکار ، پارسا ، بینا ، شنوا ، فرمان بردار خود ، دوست خیرخواه دوستان خود و دشمنِ خشمگین همه دشمنانت قرار ده . آمین !

خداوندا! بازویم را به وجودشان نیرومند گردان و نابه سامانی امورم را به وجودشان استوار کن و نفرات مرا با آنان ، فراوان نما و محضر مرا به وجودشان آراسته کن و یادم را به وسیله آنان ، زنده نگه دار و در نبود من ، امورم را به وسیله آنان ، کفایت نما و به وسیله آنان ، مرا در [برآوردن] نیازهایم یاری فرما . و آنان را دوستدار من و نسبت به من ، دلسوزِ توجه کننده استوار [در این راه] ، و [نیز] فرمان بردارانی قرار ده که نه نافرمان باشند ، نه بدکردار ، نه مخالف و نه خطاکار .

و مرا در تربیت کردن و ادب آموختن و نیکی کردن به آنان ، یاری فرما و با وجود اینان ، از نزد خود به من ، فرزندانِ پسری عطا کن و این را مایه خیر من قرار ده و آنان را در آنچه از تو خواسته ام ، یاورم قرار ده .

و من و خاندانم را از شیطان رانده شده ، پناه ده ، که همانا تو ، ما را آفریدی و امر کردی و نهی نمودی و ما را به پاداش آنچه امر نمودی ، تشویق کردی و از مجازاتش بیم دادی و برای ما ، دشمنی قرار دادی که با ما نیرنگ کند . به او تسلّطی بر ما دادی که به ما همانند آن ، تسلّط بر او را ندادی . او را در دل های ما جای دادی و او را در مجرای خون ما روان ساختی . اگر ما غفلت کنیم ، او غافل نمی ماند و اگر ما فراموش کنیم ، او فراموش نمی کند . او ما را از کیفر تو ، ایمن می گرداند و از کسی غیر از تو بیم می دهد . اگر به کار زشتی همّت گماریم ، ما را بر آن ، دلیر می گرداند و اگر به کار شایسته همّت کنیم ، ما را از آن ، باز می ایستاند . شهوت ها را به ما عرضه می کند و شبهات را در برابر ما قرار می دهد . اگر به ما وعده بدهد ، دروغ می گوید و اگر ما را [به چیزی] آرزومند کند ، خلافتش عمل می کند . اگر نیرنگ او را از ما نگردانی ، گم راهمان می سازد و اگر ما را از فساد او نگه نداری ، ما را می لغزاند . بار الها! با چیره مندی ات ، چیرگی او را

از ما بگردان ، به گونه ای که به خاطر فراوانی دعا برای تو ، او را از ما باز داری و از کسانی شویم که از نیرنگش ایمن می داری .

بار الها! همه خواسته هایم را به من بده و نیازم را برآورده ساز و اجابت را از من ، باز مدار که خود ، آن را برآیم ضمانت کرده ای و دعایم را از خودت نپوشان که خود ، ما را به آن وا داشتی و با [اعطای] هر آنچه دنیا و آخرت مرا اصلاح می کند ؛ چه آنچه را یاد کرده ام یا فراموش ، آشکار ساخته ام یا پنهان ، علنی کرده ام یا پوشیده ، بر من منت گذار و در همه اینها به خاطر درخواستم از تو ، مرا از [شمار] مصلحان و به خاطر

عرض نیاز به سوی تو، از کامیابان و به خاطر تکیه بر تو ، از منع نشدگان و به خاطر پناه بردن به تو ، از پناهندگان ، و [همچنین مرا] از سودکنندگان در سودای با تو ، از پناه برندگان به عزت تو ، از توسعه یافتگان در روزی حلال از فضلت که به خاطر جود و کرم توست ، از عزت یافتگان از خواری به وسیله تو و از پناه جویان از ستم به عدل تو و از رَهیدگان از بلا با رحمت تو و بی نیاز شدگان از فقر با غنای تو و از ایمن شدگان از گناهان و لغزش ها و خطاها به وسیله [توان] بازرداری تو و از توفیق مندان به خیر و رشد و درستی به خاطر فرمان برداری از تو ، و از فاصله افتادگان میان آنان و گناهان با قدرت تو و ترك کنندگان هر گونه نافرمانی تو و از ساکنان در کنار خود ، قرار ده .
 بار الها! با توفیق خودت و رحمت خودت ، همه اینها را به من ده و از عذاب دوزخ سوزان ، پناهمان ده و به همه مردان و زنان مسلمان ، و مردان و زنان اهل ایمان ، همانند آنچه را برای خودم و فرزندانم در حال دنیا و آینده آخرت از تو خواستم ، عطا کن که تو نزدیک ، پاسخگو ، شنوا، دانا ، بخشایشگر ، آمرزنده ، مهربان و بخشنده ای .

الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ لِأَبَوَيْهِ - :اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ ، وَأَبْرُهُمَا بَرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ، وَاجْعَل طَاعَتِي لَوَالِدَيَّ وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَّ لِعَيْنَيَّ مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْنَانِ، وَأَتَلِّجْ لِصَدْرِي مِنْ شَرِبَةِ الظَّمَانِ ؛ حَتَّى أُوَثِّرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا .

امام زین العابدین علیه السلام - از دعای ایشان برای پدر و مادر - :بارالها! مرا این گونه قرار ده که از آنان در هراس باشم ، همانند هراس از سلطان سختگیر ، و به آنان نیکی کنم ، همانند نیکی کردن مادر مهربان . و فرمانبرداری از پدر و مادرم را و نیکی کردنم به آنان را برای چشمانم آرام تر از خواب سنگین (شیرین) ، و برای سینه ام خنک تر از نوشیدنی شخص تشنه قرار ده تا آن که خواسته آنان را بر خواسته خودم مقدم بدارم .

الإمام زين العابدين عليه السلام : حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ التَّعْظِيمِ لَهُ ، وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ ، وَحُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ ، وَالْإِقْبَالُ عَلَيْهِ، وَالْأَلَّا تَرْفَعَ عَلَيْهِ صَوْتَكَ، وَلَا تُجِيبَ أَحَدًا يَسْأَلُهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ، وَلَا تُحَدِّثَ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا، وَلَا تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا، وَأَنْ تَدْفَعَ عَنْهُ إِذَا ذُكِرَ عِنْدَكَ بِسَوْءٍ، وَأَنْ تَسْتُرَ عُيُوبَهُ وَتُظْهِرَ مَنَاقِبَهُ، وَلَا تُجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا وَلَا تُعَادِي لَهُ وَوَلِيًّا، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَهِدْتَ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ عِزَّ وَجَلْبَانَتَكَ قَصْدَتَهُ، وَتَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ لِلَّهِ ِ جَلَّ وَعَزَّ اسْمُهُ لَا لِلنَّاسِ .

امام زین العابدین علیه السلام : حق سرپرست علمی تو ، بزرگ داشتن او ، نگه داشتن احترام مجلس او ، خوب گوش دادن به او و توجه به اوست و این که صدایت را بر او بلند نکنی و به کسی که از او سؤال می کند ، پاسخ ندهی تا این که او خود ، پاسخ دهد ، و در مجلس او با کسی سخن نگویی و نزد او غیبت هیچ کس را نکنی ، و این که وقتی

نزد تو از او به بدی یاد شد ، از او دفاع کنی ، و این که اشتباهاتش را بپوشانی و خوبی هایش را آشکار سازی و با دشمن او همنشین نشوی و با دوست او دشمنی نکنی . پس هرگاه چنین کردی ، فرشتگان خدا برای تو شهادت می دهند که تو به خاطرِ خدای عز و جل، نزد او رفته ای و دانشش را فرا گرفته ای، نه به خاطرِ مردم .

• **قَالَ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى وَكَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ •**

امام سجاد علیه السلام فرمود : کاری که با تقوا همراه باشد اندک نیست، چگونه آنچه مقبول خدا قرار گرفته، اندک محسوب شود .

• **وَقَالَ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكَ وَالْأَبْتِهَاجَ بِالذَّنْبِ، فَإِنَّ الْأَبْتِهَاجَ بِهِ أَعْظَمُ مِنْ رُكُوبِهِ •**

امام چهارم علیه السلام فرمود : مبادا به گناهی که انجام داده ای خوشحال باشی، زیرا اظهار شادی بخاطر گناه از انجام آن «گناه» بزرگتر است .

• **وَقَالَ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا أَكَلْتُ بِقِرَابَتِي بِرَسُولِ اللَّهِ شَيْئًا قَطُّ •**

امام سجاد علیه السلام فرمود : هیچگاه به دلیل انتساب به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چیزی نخوردم «و از آبروی آن بزرگوار به سود خود استفاده نکردم» .

• **وَقَالَ الْأَمَامُ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَيْحَكَ أَفِي حَرَمِ اللَّهِ أَسْأَلُ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؟ !! إِنِّي أَنِفُ أَنْ أَسْأَلَ الدُّنْيَا خَالِقَهَا، فَكَيْفَ أَسْأَلُهَا مَخْلُوقًا مِثْلِي؟ • !**

کسی به حضرت گفت: حال که ولید بن عبدالملک در مکه است، نزد او برو و از او بخواه در مورد تولیت اوقاف و صدقات علی بن ابی طالب علیه السلام از تو حمایت کند . امام چهارم فرمود : بیچاره! در حرم خدا از غیر خدا چیزی درخواست کنم؟! براستی من خوش ندارم که از آفریننده جهان، دنیا را درخواست کنم، چگونه آن را از مخلوقی همچون خود درخواست نمایم .

• **وَقَالَ الْأَمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّمَا الْأَسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ تَجَنُّبُ الْحَرَامِ وَبَدَلُ النَّدَى فِي الْخَيْرِ •**

امام زین العابدین علیه السلام فرمود : براستی آمادگی برای مرگ، دوری از حرام و بدل و بخشش در کار خیر است .

• **عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ : قَالَ : إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا اسْتَقْبَلَهُ مَوْلَى لَهُ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ وَمُطْرَفُ حَزِّ وَعَمَامَةٌ حَزٌّ وَهُوَ مُتَغَلِّفٌ بِالْغَالِيَةِ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي**

مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْهَيْئَةِ إِلَى آيْنٍ؟ قَالَ: فَقَالَ: إِلَى مَسْجِدِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْطَبُ الْحُورَ الْعَيْنَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. •

امام صادق علیه السلام فرموده است: یکی از غلامان امام چهارم آن بزرگوار را در شبی خنک دید. که لباس خَزَّ، روپوش «پالتو» خَزَّ و عمامه خَزَّ «گرانبهای» پوشیده و غرق بوی خوش است. به حضرت گفت: این موقع شب با این لباس به کجا می روید؟ امام صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام چنین پاسخ داد: به مسجد جَدِّمِ رَسُولِ خِدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می روم تا از خدای عَزَّوَجَلَّ حورالعین را خواستگاری کنم!

• وَ قَالَ الْأَمَامُ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكُمْ وَصَحْبَةَ الْعَاصِينَ وَمَعُونَةَ الظَّالِمِينَ وَمَجَاوِرَةَ الْفَاسِقِينَ إِحْذَرُوا فِتْنَتَهُمْ وَتَبَاعِدُوا مِنْ سَاحَتِهِمْ. •

امام سجاد علیه السلام فرمود: هشدار، از همنشینی گناهکاران و یاری ستمگران و همسایگی بدکاران بپرهیزید، از فتنه آنان برحذر باشید و از ناحیه آنان دور شوید.

• وَ قَالَ الْأَمَامُ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اِعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ أَهْلَ الشَّرْكِ لَا يُنْصَبُ لَهُمْ أَمْوَازِينَ وَلَا يُنْشَرُ لَهُمُ الدَّوَاوِينُ وَإِنَّمَا يُحْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا وَإِنَّمَا نَصَبُ الْأَمْوَازِينَ وَنَشْرُ الدَّوَاوِينِ لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ. •

امام سجاد علیه السلام فرمود: بندگان خدا! بدانید، پیداشتن میزان و گشودن دیوان اعمال برای مشرکان نیست آنان دسته جمعی بسوی جهنم محشور می شوند. نصب میزان و باز کردن دفتر اعمال ویژه اهل اسلام است.

• وَ عَنِ الْأَمَامِ السَّجَّادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: لَوَمَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَّا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ. •

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: اگر همه آنها که بین مشرق و مغرب هستند، بمیرند، تا وقتی قرآن با من باشد، احساس تنهایی نمی کنم.

• قِيلَ «السَّجَّادُ» عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّكَ أَبْرُ النَّاسِ وَلَا تَأْكُلُ مَعَ أُمَّكَ فِي قِصْعَةٍ وَهِيَ تُرِيدُ ذَلِكَ. قَالَ: أَكْرَهُ أَنْ تَسْبِقَ يَدِي إِلَى مَا سَبَقَتْ إِلَيْهِ عَيْنُهَا فَأَكُونَ عَاقِبًا لَهَا. •

به امام سجاد علیه السلام گفتند: شما که نیکوکارترین مردمی، چرا همراه با مادرت از یک کاسه غذا نمی خوری و حال آنکه مادرت بدین کار مایل است. فرمود: می ترسم دستم بسوی لقمه ای پیشی گیرد که قبلاً اوبدان چشم دوخته است و بدین گونه حق او را رعایت نکنم.

وَقَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنِي آيَاكَ وَظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ. ❁

امام سجاد عليه السلام فرمود: فرزندانم! بپرهیز از ستم بر کسی که یاورى جز خدا ندارد.

وَعَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: فَقَدْ الْأَحِبَّةَ عُزْبَةً. ❁

امام زين العابدين عليه السلام فرمود: از دست دادن دوستان، نوعی «غریبی» است.

وَكَانَ إِذَا آتَاهُ السَّائِلُ يَقُولُ: مَرَحَبًا بِمَنْ يَحْمِلُ لِي زَادِي إِلَى الْآخِرَةِ. ❁

وقتی نیازمندی به نزد او می آمد چنین می فرمود: آفرین و خوشآمد! به کسی که توشه ی مرا بسوی آخرت حمل می کند.

قَالَ أَبُو حَمَزَةَ الثَّمَالِي: كَانَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ يَحْمِلُ جِرَابَ الْخُبْزِ عَلَى ظَهْرِهِ بِاللَّيْلِ فَيَتَصَدَّقُ بِهِ وَيَقُولُ: إِنَّ صَدَقَةَ السِّرِّ تُطْفِئُ عِزَّ غَضَبِ الرَّبِّ. ❁

ابوحمزہ ثمالی نقل کرده که امام زين العابدين كيسه نان بدوش می گرفت و شبانه صدقه می داد و می فرمود: براستی صدقه پنهانی خشم خدا را فرومی نشاند.

وَقَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرِّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ أَرْفَعُ دَرَجَاتِ الْيَقِينِ. ❁

امام سجاد عليه السلام فرمود: خوشنودی به قضای ناخوشایند الهی، عالی ترین پایه های ایمان و یقین است.

وَقَالَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَشَيْعَتِهِمْ بِمَنْزِلَةِ مُوسَى وَشَيْعَتِهِ وَإِنَّ عَدُوَّنَا وَأَشْيَاعَهُمْ بِمَنْزِلَةِ فِرْعَوْنَ وَأَشْيَاعِهِ. ❁

امام زين العابدين عليه السلام فرمود: سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان مرزده بخش و بیم رسان برانگیخت، نیکان ما اهل بیت و پیروان ما همانند موسی و شیعیان اویند و دشمنان ما و پیروان ایشان همانند فرعون و پیروان آنان محسوب می شوند.

قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَنَعَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَعْنَى النَّاسِ. ❁

امام چهارم عليه السلام فرمود: هر کس به تقسیم الهی قانع باشد؛ از بی نیازترین مردم است.

قِيلَ «لِلسَّجَّادِ» عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ حَطْرًا، قَالَ: مَنْ لَمْ يَرَى الدُّنْيَا حَطْرًا لِنَفْسِهِ. ❁

به امام سجاد علیه السلام گفتند مهمترین مردم کیست؟ فرمود: آنکه دنیا را مایه ارزش خود نداند.

وَقَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَجِبْتُ لِمَنْ يَخْتَمِي مِنَ الطَّعَامِ لِمَضَرَّتِهِ وَلَا يَخْتَمِي مِنَ الذَّنْبِ لِمَعْرَتِهِ.

امام سجاد علیه السلام فرمود: در شگفتم از کسی که از غذا می پرهیزد تا گرفتار زیان آن نشود؛ ولی از گناه پرهیز نمی کند تا گرفتار ننگ و عار آن نگردد.

وَقَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ اخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمُودَّةِ وَالْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: نگاه مؤمن از روی دوستی و مهربانی به سیمای برادر مؤمنش عبادت است.

وَقَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّةِ.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: عمل بدون نیت ارزش ندارد.

وَقَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا اخْتَلَجَ عِرْقٌ وَلَا صَدِغَ مُؤْمِنٌ إِلَّا بِذَنْبِهِ وَ مَا يَعْفُو اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرَ. وَكَانَ إِذَا رَأَى الْمَرِيضَ قَدْبَرِيًّا قَالَ: لِيَهْنُوكَ الطُّهْرُ مِنَ الذُّنُوبِ فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ.

امام سجاد علیه السلام فرمود: رگی نمی جهد، و سر مؤمنی درد نگیرد مگر به دلیل گناهش و آنچه خداوند عفو می کند بیش از آن است. وقتی امام سجاد علیه السلام می دید که بیماری بهبود یافته است. می فرمود: گوارا باد بر تو پاکی از گناهان، هم اکنون کار را از سرگیر.

وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَسَى مُؤْمِنًا كَسَاهُ اللَّهُ مِنَ الثِّيَابِ الْخُضْرِ وَقَالَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: وَلَا يَزَالُ فِي ضِمَانِ اللَّهِ مَا دَامَ عَلَيْهِ سِلْكٌ.

امام سجاد علیه السلام فرمود: هرکس مؤمنی را جامه پوشاند، خداوند از جامه های سبز «بهشتی» بر او بپوشاند. و در ضمان خدا هست تا وقتی که ریشه او باقی است. و در حدیث دیگر فرمود: تا وقتی نخی از آن جامه باقی باشد در ضمان خدا باشد.

عَنْ أَبِي حَمزَةَ الثَّمَالِي قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا. مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ.

امام چهارم فرمود: هر کس که به واجبات الهی رفتار کند از بهترین مردم است.

وَعَنْ السَّجَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ .

امام سجاد علیه السلام فرمود: «شکیبائی» نسبت به «ایمان» چون سر نسبت به پیکر است. و کسی که «صبر» ندارد «ایمان» ندارد .

و كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يَقُولُ: إِنِّي لِأُحِبُّ أَنْ أُدَاوِمَ عَلَى الْعَمَلِ وَإِنْ قَلَّ .

امام سجاد علیه السلام فرمود: من دوست دارم، کار «نیک» را ادامه دهم اگر چه کم باشد .

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَمَنْ سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمَأٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ . وَ مَنْ كَسَاهُ مِنْ عُرَى كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ اسْتَبْرَقٍ وَ حَرِيرٍ .

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: هر کس مؤمنی را از گرسنگی سیر کند، خدایش از میوه های بهشت به او بخوراند، و هر که مؤمن تشنه ای را آب دهد، خداوند از نوشابه ی سر به مُهر بهشتی به او بنوشاند و هر که مؤمنی را بپوشاند در صورتیکه برهنه باشد می پوشاند او را از الباس استبرق و حریر .

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: وَدَدْتُ وَاللَّهِ أَنِّي افْتَدَيْتُ خَصَلَتَيْنِ فِي الشَّيْعَةِ لَنَا بِبَعْضِ لَحْمِ سَاعِدِي، النَّزْقَ وَقِلَّةَ الْكَيْمَانِ .

ابو حمزه ثمالی می گوید، امام سجاد علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، دوست داشتم قدری از گوشت بازویم را فدیهِ می دادم تا دو خصلت «تندخویی» و «نا راز داری» از میان شیعه برداشته شود .

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ، الْإِنْفَاقُ عَلَى قَدْرِ الْأَقْتَارِ وَالتَّوَسُّعُ عَلَى قَدْرِ التَّوَسُّعِ وَ إِنْصَافُ النَّاسِ وَابْتِدَاؤُهُ بِالسَّلَامِ عَلَيْهِمْ .

ابو حمزه ثمالی می گوید، امام سجاد علیه السلام فرمود: از جمله اخلاق مؤمن آن است که به قدر تنگدستی و توسعه خرج می کند؛ و «بر اهل و عیال» توسعه می دهد با مردم به انصاف رفتار می کند و در سلام کردن پیشی می گیرد .

عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ الْعَصْبِيَّةِ فَقَالَ: الْعَصْبِيَّةُ الَّتِي يَأْتُمُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا أَنْ يَرَى الرَّجُلُ شِرَارَ قَوْمِهِ خَيْرًا مِنْ خِيَارِ قَوْمٍ آخَرِينَ وَلَيْسَ مِنَ الْعَصْبِيَّةِ أَنْ يُحِبَّ الرَّجُلُ قَوْمَهُ وَلَكِنْ مِنَ الْعَصْبِيَّةِ أَنْ يُعِينَ قَوْمَهُ عَلَى الظُّلْمِ .

از امام زین العابدین درباره تعصب ورزی پرسیدند، فرمود: تعصبی که دارنده آن گناهکار می شود آن است که شخص، بدان قوم خود را بهتر از نیکان قوم دیگر ببیند. دوست داشتن خویشان تعصب نیست ولی کمک کردن قوم خود درست کردن، تعصب ورزی است .

عَنْ أَبِي حَمزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: عَجَبًا لِلْمُتَكَبِّرِ الْفَخُورِ، الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً ثُمَّ هُوَ عَدَا جِيْفَةً .

ابوحمزّه ثمالی گوید، امام چهارم علیه السلام فرمود: شگفتا از متکبر بر خویش بالنده ، آنکه دیروز نطفه «بدبو و بی ارزش» بوده و فردا مرداری «گندیده» خواهد بود .

عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: آيَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنٌ فَكَلَّمَا فُتِحَتْ خَزَائِنُهُ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا .

زهری گفته است از امام زین العابدین علیه السلام شنیدم که می فرمود: آیات قرآن ، گنجینه هائی است و هرگاه (درب) گنجینه ای گشوده شد شایسته است ببینی چه چیزی در آن است .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يَقُولُ لَوْلِيهِ: اتَّقُوا الْكِبْرَ؛ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فَكُلٌّ جِدٌّ وَهَزْلٌ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فَالصَّغِيرُ، اجْتَرَى عَلَى الْكَبِيرِ .

امام باقر علیه السلام فرمود که حضرت سجاد علیه السلام به فرزندانش چنین می گفت: از دروغ بپرهیزید، چه دروغ کوچک و چه دروغ بزرگ خواه در اموری جدی و خواه به شوخی، زیرا وقتی انسان در کارهای کوچک دروغ بگوید. بر گفتن دروغ های بزرگ، گستاخ می شود .

عَنْ أَبِي حَمزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا . إِنَّ الْمُنَافِقَ يَنْهَى وَلَا يَنْتَهَى وَيَأْمُرُ بِمَا لَا يَأْتِي وَإِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ اعْتَرَضَ . قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَا الْإِعْتِرَاضُ؟ قَالَ: الْأَلْتِفَاتُ وَإِذَا رَكَعَ رَبَضَ، يُمَسِي وَهَمُّهُ الْعِشَاءُ وَهُوَ مُفْطِرٌ وَيُصْبِحُ وَهَمُّهُ النَّوْمُ وَلَمْ يَسْهَرْ . إِنَّ حَدَّثَكَ كَذَبَكَ وَإِنْ انْتَمَنَتْهُ خَانَكَ وَإِنْ غَبَتْ اغْتَابَكَ وَإِنْ وَعَدَكَ أَخْلَفَكَ .

ابوحمزّه ثمالی از امام سجاد علیه السلام نقل کرده که فرمود: همانا منافق نهی می کند و خود باز نمی ایستد، امر می کند و خود انجام نمی دهد و چون به نماز بایستد «اعتراض»

می کند. گفتیم ای فرزند رسول خدا «اعتراض» چیست؟ فرمود: روگرانیدن به راست و چپ و چون رکوع کند مثل گوسفند به زمین می خوابد «بعد از رکوع قیام نمی کند» روز را به شب می برد و اندوهی جز شام خوردن ندارد؛ با اینکه روزه نداشته است و در هر بامداد فکری جز خوابیدن ندارد و حال آنکه کم خوابی نکشیده است. اگر باتو سخن گوید، به تو دروغ می گوید. و اگر او را امین شماری، به تو خیانت می کند. و اگر از او پنهان شوی، تو را غیبت می کند و اگر به تو وعده دهد، وفا نمی کند.

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَا: إِنَّ أَسْرَعَ الْخَيْرِ ثَوَابًا الْبِرُّ وَأَسْرَعَ الشَّرِّ عُقُوبَةُ الْبَغْيِ وَكَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يَنْظُرَ فِي عُيُوبِ غَيْرِهِ مَا يَغْمِي عَلَيْهِ مِنْ عَيْبِ نَفْسِهِ أَوْ يُؤْذِي جَلِيسَهُ بِمَا لَا يَعْينُهُ. أَوْ يَنْهَى النَّاسَ عَمَّا لَا يَسْتَطِيعُ تَرْكَهُ. •

ابوحمزه ثمالی از امام باقر و امام سجاد علیهم السلام نقل کرده که فرمودند: بر راستی پاداش نیکوکاری «به خویشان و عموم مردم» سریع تر از هر کار خیری داده می شود و کیفر ستمکاری «بر مردم یا حاکم اسلامی» زودتر از هر کاری به انسان می رسد. و برای مرد همین عیب بس که عیبی که در دیگران می بیند در خویش نبیند یا بی جهت همنشین خود را آزار دهد. یا از کاری که خود توان ترکش ندارد، دیگران را نهی کند.

عَنْ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: إِنَّ الدُّعَاءَ وَالْبَلَاءَ لَيَتَرَفَقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، إِنَّ الدُّعَاءَ لَيُرَدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا. •

امام رضا علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام فرموده است: بر راستی دعا و بلا تا روز قیامت با هم رفاقت و همراهی کنند و همانا دعا بلائی را که قطعی و مستحکم شده، باز می گرداند.

عَنْ حَعِيدِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِأَيِّ حُكْمٍ تَحْكُمُونَ؟ قَالَ: نَحْكُمُ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ، فَإِنَّ عَيْنَنَا شَيْئًا تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ. •

حعید همدانی گفته از امام زین العابدین علیه السلام پرسیدم: به چه روشی شما بین مردم قضاوت و حکومت خواهید کرد؟ فرمود: بر روش داوری و حکم خاندان داود علیه السلام و اگر از چیزی ناتوان شدیم، روح القدس بما الهام می کند.

عَنْ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ مَن حَجَدَ إِمَامًا مِنَ اللَّهِ أَوْ ادَّعَى إِمَامًا مِنْ غَيْرِ اللَّهِ أَوْ زَعَمَ لِفُلَانٍ وَفُلَانٍ فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبًا. •

ابو حمزه ثمالی از امام چهارم علیه السلام نقل کرده که فرمود: سه گروه اند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نگوید و به آنان نظر نکند و ایشان را پاك نسازد و برای آنان عذابی دردناک است:

- 1- کسی که امام از سوی خدا را انکار کند .
- 2- کسی که امامی از سوی غیر خدا را بپذیرد. و ادعا کند .
- 3- کسی که خیال کند، فلانی و فلانی از اسلام بهره ای دارند .

و قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ تُصِيبُهُ رُفَاهِيَّةٌ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ إِلَّا ابْتُلِيَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِبِدْنِهِ أَوْ مَالِهِ حَتَّى يَتَوَفَّرَ حَظُّهُ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ .

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که در حکومت باطل به رفاه برسد، قبل از مرگ گرفتاری جانی یا مالی پیدا می کند تا سهم او در دولت حق کاهش نیابد و کامل از آن بهره مند گردد .

و قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: إِنَّ الْقَبْرَ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّيِّرَانِ .

امام سجاد علیه السلام فرمود: همانا قبر باغی از باغهای بهشت یا گودالی از گودالهای آتش جهنم است .